

بیانات در دیدار مسئولان و اقبشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۱۲/۲۳

با وجود ابتکار و پیشرفت در کارهای شما و ورودتان در زمینه‌های جدید علمی و عملی، رادیوهای بیگانه درصد این نیستند که پیشرفتهای جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف را به جهانیان منعکس نمایند؛ بلکه اگر نقاط ضعفی پیدا کنند، آن را ده برابر جلوه می‌دهند؛ چون وضعیت شما مردم برای قدرتها در دسر خواهد داشت و در روحیه ملت‌های دیگر اثر می‌گذارد و قدرتها استکباری نمی‌خواهند مقاومت و ادامه‌ی حیات قدرتمندانه‌ی شما، به دیگران امید بدهد.

بیانات در دیدار مسئولان و اقبشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۱۲/۲۳

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و می‌دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه‌الصلوات‌و‌السلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می‌باشد: «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای يك جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این‌که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تامین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی این‌که عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قابل نباشند. عدالت، یعنی این‌که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.

بیانات در دیدار مسئولان و اقبشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۱۲/۲۳

البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم می‌شود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئنا خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتها مادی نخواهند توانست با این طرفنها و فریبها، ملت ما را از راه پرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان‌شاءالله روزبه‌روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) / ۱۳۷۰/۰۳/۱۲

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیریهای اجرایی است و همه‌ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسوولان بخشهای مختلف اجرایی، بخصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی، و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، درصد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است که غالبا بیشترین بار نظام را در همه‌ی مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند. دفاع از فشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در راس همه‌ی برنامه‌ریزیهای کشور و محور کلیه‌ی تحركات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه‌ی اقتصادی، با چگونگی و اندازه‌ی پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۷۰/۱۲/۱۲

البته وقتی ما می‌گوییم زندگی اسلامی، اعتقاد ما این است و واقعیت تعالیم اسلام هم این را نشان می‌دهد که ارزشهای اسلامی همه‌ی نیازهای زندگی بشر را تامین می‌کند؛ یعنی ایجاد عدالت، ایجاد رشد مادی و معنوی، ایجاد فضایی که انسانها در آن احساس آسایش و آزادی و استقلال - به معنای کامل کلمه - بکنند و احساس سلطه‌ی بیگانگان را نداشته باشند؛ امروز بحمدالله این روح در جامعه‌ی ما وجود دارد. البته ما حرکت خود را بر پایه‌ی درستی پیش‌بینی کردیم؛ یعنی این کشور و این ملت و امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و شما آقایان و بقیه‌ی علمای اعلام و همه‌ی فشرهای مردم که در خدمت انقلاب بودند، بر اساس درستی حرکت را شروع کردند و ادامه دادند.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

انبیا آمدند تا چنین جامعه‌ای را به وجود آورند. اگر جامعه‌ای که انسانها و مردمش درست می‌اندیشند و عمل می‌کنند، دارای رحم و مروتند، دارای احساس مسوولیت در پیش خدای بزرگند، دارای احساس معنویتند، غرق در ماده نیستند و همه چیز را برای خود نمی‌خواهند؛ قدرت و رفاه مادی بیابند، آن پول و قدرت و آن پیشرفت و رفاه مادی، برای همه‌ی انسانهای دنیا، خیر به وجود می‌آورد. همان‌طور که در صدر اسلام، اسلام آمد و چراغ علم و معنویت را در دنیا روشن کرد. اسلام آمد و به همان اندازه که جوامع فاتح صدر اسلام از معنویات برخوردار بودند، عدالت اجتماعی را در سطح عظیمی از دنیا مستقر کرد و در سطح دنیا به تربیت انسانها پرداخت.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

در جمهوری اسلامی، عدل يك پیام شخصی نیست؛ بلکه يك نظام اجتماعی است. این‌طور نیست که هر کس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه قائم به قسط باشد. «لیقوم الناس بالقسط». قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود. ما اگر از لحاظ مادی و سازندگی به کشورهای پیشرفته‌ی دنیا هم برسیم، کافی نیست. امروز کسانی که سرشان در حسابهای مادی و محاسباتی و از این قبیل است، تا صحبت می‌شود، می‌گویند: ما می‌خواهیم خودمان را مثل فلان کشور بسازیم. البته هرکس هم، سلیقه و نظری برای خودش دارد. اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادی ساختیم، اما از عدالت خیری نبود، این هیچ ارزش ندارد. پیام اسلام، اقامه‌ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه‌ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه‌ی عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است و می‌خواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. اصل قضیه این است که اگر ما کم داشته باشیم، اما عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر این‌که زیاد داشته باشیم و غیرعادلانه عمل کنیم.

پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی / ۱۳۷۲/۰۱/۰۱

آنچه که من به برنامه‌ریزان و مسوولین دولتی موکدا سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تامین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه‌ی آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه‌ی این سازندگی یا نتیجه‌ی رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق

اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه‌ی محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله‌ی بین فقیر و غنی، روز به روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه‌های پنج ساله، هر کدام رقم درستی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهتگیری انقلابی است، با تاکید و اصرار هر چه تمامتر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند.

بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها / ۱۳۷۲/۰۴/۱۹

اگر بتوانیم اخلاق را اسلامی کنیم، فرهنگ را اسلامی کنیم، مردم را با خلیقات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی را که در صدر اسلام از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد، در ملتمان زنده کنیم، همینها بزرگترین دستاوردهاست. باید توجه داشت که آنچه در آغاز، از پیشرفت و ترقی برای انسانها به وجود آمد، ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود؛ دنبال علم و کار رفتند، تلاش و سعی کردند، نوآوری کردند، به معرفت طبیعت، انسان، تاریخ و راههای زندگی پرداختند و تعامل خوب و برادرانه را پذیرفتند. اینها چیزهایی است که هیچ دستگاه قدرتمندی، بدون آنکه فرهنگ مردم و بینش آنها را اصلاح کند، نمی‌تواند در جامعه‌ای ایجاد کند. مثلاً آن عدالت اجتماعی‌ای که کمونیستها، بی‌توجه به اصلاح فرهنگ مردم و پذیرش اختیاری آنها بر آنها تحمیل کردند، همان چیز ناقص غلط معیوبی شد که در تاریخ ثبت شده است. یعنی به اسم عدالت اجتماعی، همه چیز را به هم ریختند و هیچ فایده‌ای به بار نیاوردند.

از این‌رو، کشورهای کمونیستی، تجربه‌ی عظیمی هستند؛ به ویژه طبقات مرفه عظیم آنها که به زعم خودشان از ایجاد کمونیسم حکومتی و دولتی، به دنبال عدالت اجتماعی بودند؛ اما به‌جای این عدالت، یک تراز جدید و یک استالین بدکار و فاسد و ظالم و قسی‌القلب به‌وجود آوردند! بله؛ عدالت اجتماعی‌ای که از اخلاق و فرهنگ صحیح جدا باشد، نتیجه‌اش این می‌شود.

عدالت اجتماعی، که یک امر اجتماعی محض و مربوط به حکومت، سیاست و شیوه‌ی فرمانروایی در جامعه است، جز به برکت یک فرهنگ صحیح در اذهان یکایک مردم، تأمین شدنی نیست. اصولاً همه‌ی موفقیتها در همه‌ی صحنه‌ها این‌گونه است. خوب؛ اینک شما می‌آید و جامعه‌ی ایرانی. می‌خواهید فرهنگ اسلامی و آن چیزهایی را که از پیکره‌ی این جامعه‌ی اسلامی گرفته شده است، به آن برگردانید؛ «و استصلاح بقدرتک ما فسد منی.» این، که در دعای «مکارم‌الاخلاق» آمده است، مصادفش همین است. می‌خواهید آن بخشهایی از زندگی‌مان را که تحت تأثیر ظلمها و استبدادها و انحرافها و کج‌فهمیها و کج‌رویها و دخالتهای بیگانه و امثال اینها ضایع و فاسد شده است، اصلاح کنید. این، کار عظیم و بسیار بزرگی است؛ به حدی، که اگر وزارت ارشاد، واقعا جز اصلاح فرهنگ عمومی، هیچ کار دیگری نکند، به نظر بنده، برای آن کافی است و کار کمی را عهده‌دار نیست. خوب؛ بحمدالله، آقایان همتشان بالاست؛ این کار را می‌کنند و صد کار دیگر هم در کنارش دارند. ان‌شاءالله به همه‌ی آنها هم دست می‌یابند.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۳

بعضی جاهای دنیا رونق اقتصادی و رفاه مادی تا حدودی دارند؛ اما معنویت ندارند. وقتی معنویت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایده‌ای نمی‌بخشد؛ تبعیض را برطرف نمی‌کند، عدالت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، گرسنگی را ریشه‌کن نمی‌کند و فساد را از بین نمی‌برد. رونق اقتصادی که همه چیز یک کشور نیست. اگر خانواده‌ای پول داشته باشد، اما زن و شوهر در درون خانواده، با هم دائما دعوا کنند، زندگی در آن خانواده تلخ است. یا خانواده‌ای پول داشته باشد، اما امنیت در درون خانه نباشد، یا جوان آن خانواده معتاد به هروئین باشد، این خانواده لذت پولداری را نمی‌برد.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۳

یک جامعه هم مثل یک خانواده است. خانواده‌ای مثل خانواده‌ی ملت امریکا را در نظر بگیرید! از لحاظ فعالیت اقتصادی، تولیداتشان بالاست. پیشرفت علمی آنها خوب است. کارخانه‌هایشان کار می‌کنند. به همه‌ی دنیا جنس صادر می‌کنند و درآمد کشور خوب است؛ اما آن ملت نمی‌تواند از آن پیشرفت اقتصادی یک بهره‌ی واقعی بگیرد. چرا؟ چون در آن کشور امنیت نیست، معنویت نیست و جوان در آن کشور نمی‌داند باید چه کار کند. لذا خودکشی و بزهکاری جوانان زیاد است؛ بچه‌ها از سن دوازده، و سیزده سالگی آدمکشی را یاد می‌گیرند؛ خانواده‌ها متلاشی می‌شوند؛ زن و شوهر نمی‌توانند روی وجود یکدیگر حساب کنند. زن نمی‌تواند احساس کند که شوهر دارد، شوهر هم نمی‌تواند احساس کند که زن دارد! آنجا خانواده وجود ندارد.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۳

اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است؛ «فلنحینه حیاه طیبه».

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۳

انقلاب این ویرانها را به دست چه کسانی آباد می‌کند؟ به دست شما. اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه‌ی قشرها، مخصوصا قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصل، استاد، معمم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرید.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۰۹/۲۹

نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهايشان رفتند؛ بدون این‌که به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنايي داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. اینها به‌دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به‌طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهايي هم که به‌طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به‌وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این‌طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

آنچه که به معنای عدالت مطلق مورد نظر است، يك حرکت بلندمدت لازم دارد؛ ولی آن چیزی که من می‌خواهم به مسوولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروتها انباشته می‌شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروتها، دوران افزایش فعالیتهای اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می‌تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدمهایی که اهل دنیا هستند، آدمهایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدمهایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می‌دهند، دستشان باز است، برای این‌که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافیگری و زرانوزی و جمع مال و منال و سواستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدمهای ضعیف به سمت اشرافیگری و تجمل و انباشت ثروت و سواستفاده‌ی اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسوولان و هم آحاد مردم.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. خدای متعال از جامعه‌ی فقیر خشنود نیست و از جامعه‌ی مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تامین کند، خوشش نمی‌آید. خدای متعال، برای يك جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما درعین‌حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله‌ی میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله‌ی زیاد و دره‌ی عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروتهای افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تامین عدالت اجتماعی در جامعه، شکل افسانه‌واری به خود خواهد گرفت. دیگر نمی‌شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت. آنچه که من می‌خواهم در روز اول سال ۱۳۷۶ هجری شمسی و روز ولادت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به همه‌ی شما، به همه‌ی ملت و به همه‌ی مسوولان عرض کنم، همین نکته است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۷/۰۸/۲۶

امروز بحمدالله در کشور ما جوانان با همان سرمایه‌ی معنویت و نورانیت و صفایی که در آنها هست، گامهای بلندی را برداشته‌اند. امروز قرآن يك امر مهجور در جامعه‌ی ما نیست. جوانان و نوجوانان با قرآن آشنا می‌شوند؛ طبقات مردم با قرآن انس می‌گیرند، ارتباط پیدا می‌کنند و معارف قرآن را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ بسیاری از احکام اسلام هم در کشور اجرا می‌شود. البته ما به قدر ظرفیت و توان و به قدر آنچه که همت خود ما بود، پیش رفته‌ایم؛ اما این پایان راه نیست؛ این، همه‌ی ظرفیت اسلام نیست. اگر ملتی همت کند و دلسوزان این ملت وجود خود را وقف حرکت عمومی این ملت به سمت معارف اسلامی و حقایق اسلامی کنند، آنچه که به دست آنها خواهد آمد، به قدری درخشان است که از افق حدس و گمان انسان هم خارج است. در زیر سایه‌ی اسلام، برای پیشرفت، میدان باز است؛ هم پیشرفت علمی، هم پیشرفت عملی، هم پیشرفت اخلاقی، هم پیشرفت سیاسی، هم عزت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمانهای بزرگ انسانی. در محیط اسلامی و زیر سایه‌ی اسلام، هیچ حجاب و حدی برای انسان وجود ندارد. بی‌همتی و کم‌همتی ماست، کوتاهی انسانهاست که نمی‌گذارد آنها از اسلام استفاده کنند. در محیط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشنفکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن بپردازند، خواهند توانست بهره‌های زیادی ببرند.

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی / ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

این جریان شیطانی و رذیله‌ها در طول دو دهه بطور مستمر ادامه داشته و بافتضای شرائط گوناگون، رنگ و نشانهای مختلف یافته است، ولی خصوصیت همیشگی آن، سردمداری امریکا و صهیونیزم، هدف همیشگی آن بازگرداندن ایران به وابستگی دوران رژیم پهلوی، و اصلی‌ترین آماج همیشگی آن سه عنصر: اسلام ناب محمدی، وحدت ملی و جایگاه رهبری بوده است. آنان می‌خواستند با تهاجمات متوالی سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی و با نشانه گرفتن اصلیتین پایه‌های نظام اسلامی، انقلاب را از مهمترین وظائف بلندمدت خود یعنی سازندگی مادی و معنوی جامعه و کشور بازدارند و دین و انقلاب و حکومت اسلامی را در اداره کشور ناتوان نشان دهند و به این ترتیب از الگو شدن جمهوری اسلامی در دنیا اسلام جلوگیری کنند. اما انقلاب بزرگ ما در میان همه‌ی این خصومتها، راه دشوار خود را با اقتدار و صلابت طی کرد و ملت ایران با الهام از هدایتهای همیشه روشنگر امام راحل با ایمان و اراده و هوشیاری خود، گردنه‌های دشوار را پشت سرگذشت و به موفقیت‌های درخشان دست یافت. نه در اولین سال انقلاب که عناصر وابسته به رژیم گذشته با کمک سفارت امریکا سعی در ایجاد آشوب و بلوا در نقاط مختلف می‌کردند و قلمها و زبانهای مزدور و گنهکار، انقلاب و ارکان اساسی آن را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار می‌دادند، و نه در سال ۶۰ که دست گنهکار گروهك منافقین و همدستانشان آتش فتنه‌ی بزرگ را بر افروختند و ترور و ناامنی را حتی به خانه‌های مردم عادی کشاندند، و نه در دورانی که تهران و دهها شهر کشور هدف بمباران جنگنده‌های اهدایی شرف و غرب به رژیم عراق قرار داشتند، نه در دوران محاصره‌ی اقتصادی در عین گرفتاری کشور به هزینه‌های جنگ، و نه در سالهای آخر دهه شصت که درآمدهای کشور به يك سوم رسید، نه در آن هنگام که امام عظیم‌الشان ما از میان ملت خود رخت بریست و مردم، پدر و استاد و مرشد بزرگ و حکیم خود را از دست دادند، و نه در سالهای بعد که امواج خشم دیوانه‌وار امریکا و صهیونیزم، بخاطر ادامه‌ی راه امام بصورت تهدید نظامی و تحمیل مشکلات اقتصادی و تبلیغ رسانه‌ی و تلاش وسیع سیاسی، بسوی نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران روانه بود. و نه تا امروز، هرگز انقلاب از پیمودن راه خود بسمت بنای کشوری آباد و آزاد و مستقل و برخوردار از عزت و نشاط و پیشرفت مادی و معنوی در زیر لوای اسلام و با تکیه بر معارف و احکام قرآن، باز نایستاده و سستی به خود راه نداده است.

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی / ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

امروز بרכת انقلاب و با وجود صدها دسیسه‌ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از سوی دشمنان، ملت ایران زنده و با نشاط، مسوولان و دولت‌مدان کوشا و دلسوز، استعدادهای جوانان در جوشش و بالندگی، طرحهای سازندگی مادی و معنوی در حال پیشرفت به دست ایرانی، عزت و استقلال کشور در دنیا همچون نمونه‌ی معروف و مثال زدنی، پیوند میان ملت و مسوولان در دنیا کم نظیر، شعارها و هدفهای ملت و دولت یکسان و همه با سمت و سوی ایرانی بزرگ و آباد و متحد و الگو برای کشورهای اسلامی، و آفاق آینده، روشن و تابناک است.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجساله‌ی سوم / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

جناب آقای خاتمی - ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

اینک به فضل و عنایت خداوند سبحان و توجهات حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (ارواحنافداه) سیاستهای کلی برنامه پنجساله‌ی سوم برابر اصل یکصد و دهم قانون اساسی ابلاغ میگردد. این سیاستها با هدف: استقرار عدالت اجتماعی، ارتقا دینی و علمی و فرهنگی، امنیت و رفاه اقتصادی، افزایش عزت و اعتبار بین‌المللی که در مدت برنامه‌ی سوم از اولویت برخوردار است، با اصرار موکد بر حضور و مشارکت مردم تنظیم شده و میتواند پایه و چهارچوب متین و قابل تحقیق برای پیشرفت و

توسعه‌ی کشور باشد، ان‌شاءالله.

بیشک مراقبت و دقت نظر جنابعالی و دیگر مسوولان محترم در مجلس و دولت خواهد توانست با بهره‌گیری از تجارب گذشته، تحقق این سیاستها را در سرتاسر برنامه و قوانین و مقررات مترتب بر آن تضمین کند. همچنانکه نظارت مستمر مجمع تشخیص مصلحت بعنوان یکی از وظائف آن مجمع محترم، اطمینان لازم برای پیاده شدن این سیاستها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه را تامین خواهد کرد.

لازم می‌دانم قدردانی و خرسندی خود را از تحول مثبتی که در روند تعیین سیاستهای کلان پدید آمده ابراز دارم و از همه‌ی دستگاههای تخصصی و کارشناسی که در رده‌های گوناگون در این امر شرکت کرده‌اند، بویژه از مجمع تشخیص مصلحت، هیئت دولت، سازمان برنامه و دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص تشکر نمایم.

نسخه‌ی حاوی مجموعه‌ی سیاستها همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت ارسال می‌گردد.

والسلام علیکم و رحمہم‌الله و برکاتہ - سیدعلی خامنه‌ای - ۳۰/۰۲/۱۳۷۸

اقتصادی:

۱- تمرکززدان همه فعالیتهای مربوط به رشد و توسعه‌ی اقتصادی به سمت وسوی «عدالت اجتماعی» و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات، رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد

۲- ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و موسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی

۳- تلاش برای مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروههای متوسط و کم‌درآمد جامعه و کمک به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال برای آنان.

۴- اصلاح نظام مالیاتی در جهت: برقراری عدالت در گرفتن مالیات، توجه به ضرورت تولید و سرمایه‌گذاریهای تولیدی، و ایجاد انگیزه‌های مردمی در پرداختن مالیات و افزایش نسبت مالیات در درآمدهای دولت

۵- اهتمام به توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به معیشت روستائینان

۶- فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال بیشتر با ایجاد انگیزه‌های مناسب و حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و کارآفرینی و توسعه فعالیتهای اشتغال‌زا در جهت کاهش بیکاری، بخصوص در بخشهای کشاورزی و صنایع تبدیلی و کارگاههای متوسط و کوچک

۷- اصلاح مقرراتی که انحصارهایی در فعالیتهای اقتصادی بوجود آورده یا خواهد آورد با رعایت موارد پیش‌بینی شده در قانون اساسی و مصالح کشور.

۸- عدم ترجیح بخشهای دولتی و عمومی که فعالیت اقتصادی دارند نسبت به بخشهای خصوصی و تعاونی در برخورداری از امتیازات و دسترسی به اطلاعات

۹- رعایت مندرجات بند ۸ از سیاستهای برنامه‌ی دوم در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی دولت به بخشهای تعاونی و خصوصی

۱۰- حفظ امنیت سرمایه‌گذاری، و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی، و حفظ حرمت دارائیهای ناشی از راههای قانونی و مشروع

۱۱- برنامه‌ریزی جامع برای دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی، و کاستن از تکیه بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام.

۱۲- استفاده‌ی مطلوب از موقعیت و مزیت جغرافیایی کشور بویژه در امر بازرگانی

۱۳- فراهم‌ساختن امنیت غذایی و خودکفایی در کالاهای اساسی، بوسیله‌ی افزایش تولید داخلی بویژه در زمینه‌ی کشاورزی

۱۴- اصلاح نظام پولی و سامان‌بخشیدن به بازارهای مالی کشور در جهت : حفظ ارزش پول ملی، و تجهیز منابع مالی برای سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌آفرین

۱۵- رعایت دقیق منافع ملی و اصول قانون اساسی و پرهیز از سلطه‌ی بیگانگان در جذب منابع خارجی.

۱۶- آموزش و بازآموزی نیروی انسانی در سطوح گوناگون، برای پاسخگویی به نیاز بنگاههای اقتصادی، و فراهم‌ساختن مهارتها و تخصصهای لازم در همه‌ی سطوح.

فرهنگی

۱۷- اعتلا و عمق‌بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم‌فکری و عملی ارزشهای انقلاب اسلامی، و مقابله‌ی با تهاجم فرهنگی بیگانه.

۱۸- زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی حضرت امام‌خمينی رحمه‌الله‌عليه در همه‌ی سياستگذارها و برنامه‌ريزها، و برجسته‌کردن نقش آن بعنوان يك معيار اساسی.

۱۹- رعایت آراستگی سیمای جامعه و کشور و محیط سازندگی به ارزشهای اسلامی و انقلابی

۲۰- جهت‌دهی رسانه‌ها بخصوص صداوسیما به سمت سالم‌سازی فضای عمومی و رشد آگاهیها و فضائل اخلاقی و اطلاع‌رسانی صحیح و تحقق سیاستهای کلی برنامه توسعه

۲۱- توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی، و تقویت امر پژوهش، و بالابردن توان علمی و فناوری کشور.

۲۲- معرفی و ترویج فرهنگ و ارزش‌های والای اسلام و ایران اسلامی به جهانیان و تبیین شخصیت و مبانی سیاسی و فکری امام‌خیمینی رحم‌الله‌علیه به آنان و توجه به تجربه‌ی دیگر کشورها - بویژه کشورهاییکه مشترکات بیشتری با ما دارند - در برنامه‌ی توسعه و شناسایی نکاتی که به موفقیت یا ناکامی آنان انجامیده‌است.

اجتماعی، سیاسی، دفاعی، امنیتی

۲۳- گسترش و عمق‌بخشیدن روحیه‌ی تعاون و مشارکت عمومی، و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم

۲۴- اهتمام به موضوع «جوانان»، ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسوولیت‌پذیری، و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده‌ی شغلی و علمی آنان.

۲۵- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی، و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی عرصه‌ها، و توجه ویژه به نقش سازنده‌ی آنان.

۲۶- اولویت‌دادن به اینارگران انقلاب اسلامی در عرضه‌ی منابع مالی و فرصت‌ها و امکانات دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.

۲۷- اهتمام به نظم، قانونگرایی، روحیه کار و تلاش، خودانکایی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در سطح جامعه، بویژه در کارگزاران و مسوولان نظام و مبارزه با فساد.

۲۸- اصلاح نظام اداری در جهت : افزایش تحرك و کارآیی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تامین کرامت و معیشت کارکنان، به‌کارگیری مدیران لایق و امین و تامین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریتهای موازی، تاکید بر تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن، و تنظیم قوانین موردنیاز.

۲۹- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت، و اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی.

۳۰- آمایش سرزمینی بعنوان چارچوب بلندمدت در برنامه‌ریزی‌ها مبتنی بر اصول ذیل:

- ملاحظات امنیتی و دفاعی.

- کارآیی و بازدهی اقتصادی.

- وحدت و یکپارچگی سرزمین.

- گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌یی.

- حفاظت محیط زیست و احیا منابع طبیعی.

- حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی.

- تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور.

- توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی و رفع محرومیتها خصوصا در مناطق روستایی کشور.

۳۱- ثبات در سیاست خارجی براساس اصول : عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدفهای زیر:

- گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌پی و بین‌المللی

- ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم

- بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی

- مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی

- تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان

- مقابله با تک‌قطبی‌شدن جهان

- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف

- تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی

- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل

۳۲- افزایش اقتدار دفاعی و امنیتی و انتظامی بمنظور بازدارندگی و پاسخگویی موثر به تهدیدها، و تامین منافع ملی و امنیت عمومی، و پشتیبانی از سیاست

خارجی و گسترش صلح و ثبات و امنیت در منطقه با بهره‌گیری از همه‌ی امکانات.

۲۳- توجه جدی در تخصیص منابع، به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت، بهبود امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله موثر با جرائم و مفساد اجتماعی و امنیتی از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضایی، امنیتی، انتظامی.

۲۴- بهبود و تکمیل سازمانی و توزیع جغرافیایی نیروهای مسلح، متناسب با اندازه و نوع تهدیدها و آمایش سرزمینی.

۲۵- تقویت و توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تاکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوریهای پیشرفته.

۲۶- توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

پیام به گردهمایی ویژه دانشجویان و دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۷۸/۰۲/۱۲

اسلام به ملت‌ها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان - آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جاهل‌ها، آزادی از تعصبات جاهلانه و کج فکریها - و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به ملت‌ها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله‌ی بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه‌ی اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه‌ی اسلام به دست می‌آید. امروز گرفتاریهای ملت‌های مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرتهای مسیطر و مستکبری است که از آن سوی دنیا بر ملت‌های مسلمان حکم می‌رانند؛ در زندگی آنها دخالت می‌کنند؛ آنها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می‌دارند؛ از ثروتهای آنها به شکل نامشروعی استفاده می‌کنند. نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب ماندگی علمی و عقب ماندگی در شوون زندگی، از دیگر گرفتاریهای ملت‌های مسلمان است. همه‌ی این گرفتاریها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام، به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان / ۱۳۷۸/۰۴/۱۰

نظام اسلامی، بینات و واضحات و امر و نهی‌ای دارد. نظام اسلامی، نظام عدالت است؛ هر بی‌عدالتی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است، هر تبعیضی محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملی است؛ هر نوع وابستگی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اخوت و برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملت است؛ هر نوع تفرقه‌افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسوولان، خدمتگذار مردم و برای مردمند؛ هر نوع جدایی بین مسوولان و مردم محکوم است. این‌طور نیست که بشود در این نظام کسانی بیایند که بر طبق میل دشمنان این ملت و برخلاف جهت کلی این نظام و این مردم و حرکت مردم در جهت اسلام، تلاش کنند و نظام اسلامی هم بی‌کار و ساکت و بی‌تفاوت بماند. مگر چنین چیزی ممکن است؟! همه‌ی آزادی که اهل فکر و اهل تامل در مسائلی، باید بروی این مساله فکر خود را متمرکز کنند. امروز این کشور با این امکانات وسیع، با این جمعیت جوان، با این آفاق روشن آینده، با این پیشرفت‌هایی که بحمدالله در زمینه‌های مختلف در این بیست سال به وجود آمده است، با زمینه‌های مضاعفی هم که برای پیشرفت وجود دارد، مصحلتش در این است که حکیمانه و خردمندانه و شجاعانه، راه اسلام را - که دنیا و آخرت او را تامین می‌کند - پی‌گیرد و دنبال کند. دشمن، فریب و تبلیغات اغواگر خود را هم قطع نمی‌کند؛ نباید تسلیم تبلیغات اغواگر دشمن شد. آن کسانی که سعی می‌کنند با شعارهای انحرافی در میان مردم، ذهن مردم را از حرکت عمومی اسلامی و ایمانی آنها جدا کنند، به نفع دشمن کار انجام می‌دهند؛ چه بفهمند، چه نفهمند؛ چه بدانند، چه ندانند.

بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری / ۱۳۷۹/۰۲/۱۲

امروز کشور ما در حال گذر از یک دوران سخت اقتصادی است، تا ان‌شاءالله به یک دوران باز، آزاد، خوب و برخوردار از رفاه برسد که مردم بتوانند از منافع و عطاها و هیات این طبیعت عظیم و این امکانات فراوانی که در کشور ما هست، استفاده کنند. ما تلاش همه را هم لازم داریم؛ لیکن یکی از آفاتی که در همین دوران متوجه حرکت رشد و توسعه‌ی عمومی کشور است، این است که به‌وسیله‌ی سوسیالیست‌ها در کشور، شکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسیار مراقب باشند. عده‌ای فقط به خود فکر می‌کنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و نه به آینده‌ی کشور فکر نمی‌کنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می‌اندیشند. دستگاه‌های مسوول نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله‌ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه می‌کنید که تولید بالاست، کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید می‌شود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته‌ی اروپایی و غربی. آنچه که از این کشورها در تلویزیونها و از پشت دوربینها به من و شما نشان می‌دهند، جاهای خوبش است. محلات فقیرنشین و زندگیهای تلخ و گرسنگیها و محرومیتها و حسرتها را که نشان نمی‌دهند؛ ساختمانها و خیابانهای عالی و باغهای بزرگ و امثال اینها را نشان می‌دهند! اگر پیشرفت صنعتی و رونق اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، می‌شود همین وضعیت و وضعیت بعضی از کشورهایی که از آنها هم بدترند. ما که این را نمی‌خواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی‌خواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آنجایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و درعین‌حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمی‌شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.

بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری / ۱۳۷۹/۰۲/۱۲

ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آنجایی که رونق اقتصادی

وجود ندارد، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و در عین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمی‌شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.

بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری / ۱۳۷۹/۰۲/۱۲

مسوولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف، محروم و پابرنه باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه‌ی کارگری، همین معلمان، همین فتنه‌های محروم و همین کارمندی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می‌روند دفاع می‌کنند و سینه سپر می‌سازند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

پس يك خطر، عبارت شد از این‌که دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی يك دشمن از هر دو طرف نفوذ می‌کند؛ از آن طرف به عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هرگونه تحولی مخالفت می‌کند؛ حتی با راه‌های رفته هم مخالفت می‌کند و می‌خواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناکتر، این طرف قضیه است؛ به عنوان تغییر و تحول و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزش‌ها و با اصل اسلام و با اصل تدين مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفت کنند؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختن‌اند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفت کنند؛ با نام دین هم مخالفت کنند، ولو به زبان نیاورند! اینها به نام تحول، به نام تغییر، به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میداناری کنند. اینها ممکن است در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر این‌گونه آدم‌های بیگانه و غریبه در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسان‌های امین باشد. اما از آن خطرناکتر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان (عج) / ۱۳۷۹/۰۸/۲۲

يك درس از این درسها این است که همه بدانند و همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح و به سمت آفاق روشن است. مستکبران عالم هرچه می‌خواهند، بگویند؛ نظاهر به قدرت‌نمایی نکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشريت را به سمت سمرنزل عدل و داد پیش می‌برد، روزبه‌روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سالها نمی‌تواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم‌فروغ کند که در آینده - که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد - همه‌ی آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همه‌ی آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زرانوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت و این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند. البته در کار خدا در زمین طفره نیست و کارها بر طبق روال طبیعی انجام می‌گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است؛ که به سمت کمال برود و می‌رود.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند؛ گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه‌ی سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی يك فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره‌ی قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره‌ی حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این يك فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید یا کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکانپذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. وایسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آن‌که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسوولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به يك مسوول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیات وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسوولان کشور، رهبری و همه. مرحله‌ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیاک اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیاک اسلامی درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

درباره‌ی خودت، درباره‌ی دوستان و خویشاوندان و رفقای خودت، رعایت انصاف را در قبال مردم و خدا یکن؛ یعنی اختصاص و امتیاز به آنها نده؛ یعنی همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی‌مآب ما به آن «رانت‌خواری» می‌گویند؛ یعنی امتیاز ویژه. امکانات استفاده از يك شرکت و يك منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت این‌که اینها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند. این کار جزو کارهای ضدمردم‌سالاری است. هر کس که این کارها را بکند، همان فساد ایجاد خواهد شد که الان آقای رئیس جمهور به آن اشاره کردند. بله، باید با این فسادها مبارزه شود. برادران و خواهران عزیز! تا این فسادها در مجموعه‌ی کارگزاران کشور وجود داشته باشد، توانایی کار وجود نخواهد داشت و پیشرفت امکان ندارد؛ هر کار هم بکنید، امکان نخواهد داشت. اینها شکافها و دره‌ها و حفره‌هایی است که وقتی به

وجود آمد، هرچه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آنها را بر نمی‌کند؛ دستاورد هم از بین می‌رود. لذا اول باید اینها را علاج کرد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد قانم، پاسخ من این است: ایدا. ما هنوز راه زیادی داریم؛ هم به عدالت اجتماعی‌پی که اسلام از ما خواسته است - و اسلام در این خصوص بسیار سختگیر است - هم به آن سطحی از آزادی که ملت ایران مستحق و شایسته آن است، هنوز نرسیده‌ایم. ما هنوز کار داریم؛ این راه، راهی طولانی است. این‌که من بارها به جوانها می‌گویم خودتان را آماده کنید، برای همین است. شما باید این راه را طی کنید. این راه هم راهی است که در هر کیلومترش تابلوی «توقف ممنوع» نصب شده است؛ لذا در این راه نباید توقف کرد. سربازان عدالت اجتماعی باید خستگی‌ناپذیر باشند. کسانی که در این راههای طولانی و آرمانهای بزرگ حرکت می‌کنند، باید خستگی حس نکنند. يك ملت، این‌گونه به سیادت و آقایی و آرمانهای خودش می‌رسد. هیچ ملتی با تنبلی به سیادت و سعادت نمی‌رسد. بزرگترین مصیبت برای يك ملت این است که بگوید چون ما نتوانستیم همه‌ی هدفهای خود را تأمین کنیم، پس ولش! نخیر؛ بایستی هدفها را دنبال کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

و اما عدالت علی علیه‌السلام در قلمرو جامعه؛ یعنی تأمین عدالت اجتماعی. در این‌جا امیرالمومنین نسخه‌ی کامل اسلام است. حکومت امیرالمومنین علیه‌السلام يك حکومت صدرصد اسلامی است، نه ۹۹ درصد یا ۹۹/۹۹ درصد؛ نه. صدرصد يك حکومت اسلامی است. تا آن‌جایی که به امیرالمومنین و دامنه‌ی اختیار و قلمرو قدرت او ارتباط پیدا می‌کند، يك لحظه حرکت و تصمیم غیر اسلامی در او نیست؛ یعنی عدالت مطلق. البته در مناطق گوناگونی از حکومت امیرالمومنین کاملاً ممکن بود و اتفاق هم افتاد، که کارهای غیر عادلانه‌ای انجام گیرد؛ اما امیرالمومنین به عنوان يك فرد مسوول، هر‌جا که با چنین چیزی مواجه شد، احساس تکلیف کرد. نامه‌ها و هشدارها و خطبه‌های جانشینان و جنگهای امیرالمومنین، همه در راه اجرای این عدالت بود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

عدالت باید واقعیت خودش را در جامعه نشان دهد؛ و این ممکن است؛ کمااین‌که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بخشهایی از عدالت را که در دوره‌ای اجرای آن در ایران جزو محالات شمرده می‌شد، محقق کرد. يك روز بود که در کشور ما امکان دستیابی به مراکز سیاسی برای کسانی که وابسته‌ی به امریکا نبودند، قبل از آن وابسته‌ی به انگلیس نبودند، وابسته‌ی به قدرتهای فاسد نبودند، وابسته‌ی به آن دربار فاسد نبودند، جزو محالات بود. مردم عادی کارهای نبودند. کسی به ذهنش هم خطور نمی‌کرد که بتواند بدون این آلودگیها و وابستگیها، در مجموعه‌ی فلك سیاست و قدرت در این کشور تأثیر بگذارد؛ اما امروز همه‌ی آحاد این کشور می‌بینند که اگر بخواهند و اگر شرایط لازم را در خودشان فراهم کنند، به بالاترین مقامات سیاسی این نظام نایل می‌شوند. يك روز بود که در این کشور عدالت اجتماعی برای کسی قابل تصور نبود؛ اما امروز بخشی از آن محقق شده است. پس ما می‌توانیم. با همت مردم، می‌شود کارهای زیادی کرد.

مسوولان باید همت کنند تا بتوانند این عدالت مورد نظر اسلام را در همه‌ی ابعاد - در ابعاد قضایی، در ابعاد اقتصادی، در تقسیم منابع ثروت ملی و فرصتهای گوناگون و در همه‌ی چیزهایی که در کشور برای انسانها اهمیت دارد - اجرا کنند. در هزینه‌ی بیت‌المال، در استفاده‌ی شخصی، در عزل و نصب و در همه‌ی کارهایی که يك مسوول در قوای سه‌گانه - چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضاییه و چه در قوه‌ی مقننه - می‌تواند انجام دهد، باید هدف، اجرای عدالت؛ و روش، روش عادلانه باشد. اگر این‌طور شد - که در هر بخشی از بخشهای این کشور و این نظام به تحقق عدالت همت گماشته شد و کسانی دنبالش را گرفتند و عدالت در دسترس بود و مردم طعم آن را چشیدند؛ در همه‌ی بخشهای زندگی باید سعی کنیم اثری از بی‌عدالتی نماند - آن روز است که جمهوری اسلامی خواهد توانست به همه‌ی مردم دنیا و به همه‌ی امتهای اسلامی، به عنوان الگوی حقیقی اسلام، خودش را نشان دهد.

امروز کشورهای مسلمان، مجذوب حاکمیت اسلامند و آن روزی که تحقق واقعی حاکمیت اسلام را ببینند، این جاذبه ده برابر خواهد شد. یعنی ببینند حدود الهی در جامعه‌ای رعایت می‌شود؛ ببینند حقوق مردم در يك جامعه به طور کامل رعایت می‌شود؛ ببینند هیچ کس به خاطر برخورداریهای گوناگون، دیگران را در دامان بی‌عدالتی و ظلم نمی‌اندازد؛ ببینند هیچ‌کس به خاطر شخصیت و مقام، از اجرای عدالت حقیقی و واقعی در حق او برکنار نمی‌ماند؛ ببینند تخلف از همه کس جرم است؛ ببینند به همه‌ی آحاد مردم به خاطر شان انسانی و برادری اسلامی، یکسان نگاه می‌شود. اگر ما این‌طور عمل کردیم، این امانت الهی را که در دست ماست، پاسداری کرده‌ایم؛ اما اگر این‌گونه عمل نکنیم، آن‌گاه امیرالمومنین قضاوت سختی دارد: «اعلم یا رفاعة ان هذه الاماره امانه»؛ امیرالمومنین می‌فرماید: این ریاست و مدیریتتی که در اختیار من و شماست، يك امانت است؛ «فمن جعلها خیانه»؛ هر کس این را به خیانت تبدیل کند و به هوس آلوده نماید و در خدمت مطامع شخصی و وسیله‌ی اجرای مقاصد غیرالهی و غیرعادلانه‌ی خود قرار دهد، «لعنة الله الی یوم القیامه»؛ تا روز قیامت لعنت خدا بر او خواهد بود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

شاخص دوم، قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حقدار - بدون هیچ ملاحظه - است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

شاخص هفتم، کار و حرکت و پیشرفت دائمی است. توقف در نظام نبوی وجود ندارد؛ به طور مرتب، حرکت، کار و پیشرفت است. اتفاق نمی‌افتد که يك زمان بگویند: دیگر تمام شد؛ حال بنشینیم استراحت کنیم! این وجود ندارد. البته این کار، کار لذت‌آور و شادی‌بخشی است؛ کار خستگی‌آور و کسل‌کننده و ملول‌کننده و به تعبیر آن‌ها نیست؛ کاری است که به انسان نشاط و نیرو و شوق می‌دهد.

بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

حکومت علوی بشر را به عدالت، آرامش، ایمان به معنویت، صفا و برادری، صلح و دوستی حقیقی می‌رساند؛ نه مثل آن کسانی که نام و شعار صلح را در دنیا مطرح می‌کنند، اما خودشان آتش همه‌ی جنگها را روشن و همه‌ی فتنه‌ها را هم در میان انسانها برپا می‌کنند. نظام و حکومت علوی به برکت عدل همگانی و فراگیر، انسانها را در امنیت و آرامش واقعی نگه می‌دارد. اگر به امیرالمومنین علیه‌السلام فرصت داده می‌شد، آن حضرت دنیا‌ی آبادی از جهت مادی و معنوی و مالمال از عدالت، آرامش و صلح حقیقی که بشر قبل از آن هرگز ندیده بود، به وجود می‌آورد. امروز هم جز در سایه‌ی چنین رفتاری، نمی‌شود به این آرزوها رسید. بنابراین رفتار علوی برای ما يك درس همیشگی است و مختص يك سال نیست؛ البته هدفهای بزرگ، در زمانهای متناسب و طولانی و با تلاش و مجاهدت، قابل حصول است. هدفهای بزرگ را نمی‌توان با راحت‌طلبی، مفت و مجانی، بدون تلاش و مجاهدت به دست آورد؛ باید تلاش و برنامه‌ریزی کرد.

بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

در سال گذشته دو حرکت از سوی مسوولان در جهت رفتار علوی شروع شده است: یکی مسالهی اشتغال و دیگری مسالهی مبارزه با فساد است. این شروع، مبارک است و باید هر دو ادامه پیدا کند. معنای اشتغال این است که جوان مستعد آماده‌ی به کار، فرصت تلاش و فعالیت به دست آورد تا هم نیاز شخصی خود را از

این راه برطرف کند و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک نماید. این امر برنامه‌ریزی می‌خواهد که این کار را مسوولان دولتی ما شروع کرده‌اند و باید با جدیت ادامه پیدا کند؛ هیچ چیز نباید مانع از اجرای آن شود. اگر تهدید امریکا است، اگر امواج سیاسی است، اگر درگیریهایی جناحی است، اگر خودخواهیهای این و آن است، هیچ کدام از اینها نباید مانع این شود که مسوولان ذربط دستگاههای دولتی در این قضیه اشتغال - که یک قضیه بسیار اساسی است - کار خودشان را با جدیت دنبال نکنند. من در چند ماه قبل از این، به مسوولان بلندپایه این بخش از دولت گفتم آن مجموعه‌ای که برای ایجاد اشتغال در کشور کار می‌کند، باید مثل اتاق جنگ دوران دفاع مقدس که شب و روز نمی‌شناخت، کار کند. در دوران جنگ و دفاع مقدس برای آن مجموعه‌هایی که مشغول طراحی جنگ بودند، شب و روز، تعطیل و غیر تعطیل، اول هفته و آخر هفته معنا نداشت؛ مرتب مشغول کار بودند. امروز باید برای ایجاد اشتغال به همان نحو تلاش شود. جوان ما باید بتواند از نیرویش، برای اداره‌ی زندگی خود و پیشرفت کشور به معنای حقیقی استفاده کند؛ کشور هم این ظرفیت را دارد. خوشبختانه مسوولان - تا آنجایی که من دیده‌ام و می‌شناسم - به این امر معتقد و علاقه‌مندند و باید همت کنند.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۱/۰۲/۱۴

برادران و خواهران عزیز! در کشور ما استبداد همیشه به پشتیبانی قدرتهای سلطه‌گر خارجی متکی بوده است. استبداد و دیکتاتوری و خودکامگی حکومت پهلوی و قبل از آن به شکل دیگری حکومت فاجار، به خاطر اتکای آنها به قدرتهای بیگانه بود. رضخان، متکی به انگلیس؛ محمدرضا، اول متکی به انگلیس و بعد متکی به امریکا بود. او منافع و نفوذ امریکا را بر طبق میل آنها تامین می‌کرد؛ آنها هم از او حمایت می‌کردند و هر کاری می‌خواستند، با این کشور و این ملت می‌کردند. پنجاه سال این ملت را زیر فشار اختلاف نگه داشتند و پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی و اخلاقی او را در دورانی که از لحاظ جهانی بهترین و آماده‌ترین دورانها برای این پیشرفت بود، متوقف کردند و این ملت و این کشور را عقب نگه داشتند. همت آنها عیش و نوش، جمع کردن ثروت و خدمت دادن به اربابان خارجی بود. آنها به اتکای همان قدرت خارجی، به طور کامل خود را در ایران مستقر کرده بودند و کندن اینها و نابود کردن این بنای کج و مضر و سرشار از لعنت و نفرت و شوم، کار هر کسی نبود. امام بزرگوار با پرچم هدایت اسلامی آمد؛ لذا اصول امام، اصول اسلامی است؛ عدالت امام، عدالت اسلامی است؛ مردم سالاری امام، مردم سالاری اسلامی است.

بیانات در دیدار مسوولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۱/۰۲/۰۵

قوهی قضاییه در پیشرفت کشور به سمت هدفهای اسلامی، نقش تعیین کننده دارد. بارها تکرار شده است که اگر بخواهیم حرکتی که به سمت اهداف الهی و اسلامی و رعایت حقوق مردم ترسیم شده است، تعقیب شود، بدون ضمانت اجرا ممکن نیست و این ضمانت اجرا عمدتا در دست قوهی قضاییه است. این، قوهی قضاییه است که با تخلف و کجروی و انحراف - عمدی‌اش را به یک نحو، خطئی‌اش را به نحو دیگر - برخورد و از تکرار آن جلوگیری می‌کند. در واقع قوهی قضاییه ضامن صحت عمل مسوولان نظام و آحاد مردم و تامین حقوق آنها در نظام اسلامی است. اگر ما تشنه‌ی عدالتیم، تضمین تحقق عدالت، با سلامت و کارآمدی قوهی قضاییه میسر است. اگر ما برای مردم و حقوق آنها ارزش درجه‌ی یک فائلیم، تامین این حقوق، در گرو این است که قوهی قضاییه بتواند کار خود را با قوت، شجاعت و بصیرت انجام دهد. نقش قوهی قضاییه، این چنین بی‌بدیل و عظیم است. بنابراین، عضویت و کار کردن در این قوه، حقیقتا یک افتخار است. هر تلاشی که در این قوه یا در جهت همکاری و همراهی و کمک به این قوه صورت گیرد، یک حسنه و یک کار برجسته و نیک عندالله است. مساله‌ی قوهی قضاییه، مساله‌ی کمی نیست؛ لذا همه وظیفه دارند کمک کنند تا این قوهی تعیین کننده بتواند نقش ممتاز و بی‌بدیل خود را به انجام برساند. اگر خدای نکرده این قوه فلج باشد، هر چه دستگاههای دیگر خوب کار کنند، نخواهند توانست خلاهای ناشی از تجاوزها و سو استفاده‌ها و قصورها و تقصیرها را پر کنند؛ یعنی تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوهی قضاییه تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین شما می‌بینید شان قاضی و قوهی قضاییه در اسلام چقدر بالاست. تعبیراتی که در باب قضا و قاضی وارد شده است خیلی عجیب و عظیم است؛ مثل «قد جلست مجلسا لا یجلسه الا نبی او وصی نبی او شقی(۴۵)». به قاضی می‌فرماید: اینجایی که تو نشسته‌ای، یا یک پیغمبر می‌نشینی، یا منصوب پیغمبر و وصی او می‌نشینی، یا یک انسان شقی می‌نشینی! امر، دایر بین این دو ناست. این جایگاه، آنقدر جایگاه والایی است که جز پیغمبر یا منصوب از قبل پیغمبر و وصی او نمی‌تواند این‌جا بنشیند. سلسله‌ی مراتب قضا، این‌گونه تعیین می‌شود. اگر این‌طور نشد، آن‌گاه مساله‌ی شقاوت است. بنابراین اهمیت این جایگاه است که این چیزها را برای آن لازم دانسته‌اند. در این زمینه، وظایفی بر دوش قوهی قضاییه است و وظایفی هم بر دوش کسانی است که بیرون از قوهی قضاییه‌اند؛ آنها هم در قبال قوهی قضاییه وظایفی دارند. بنده امروز می‌خواهم در کلماتی کوتاه، مطلبی را به قوهی قضاییه و مطلبی را هم به منتقدان قوهی قضاییه عرض کنم

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۱/۰۷/۰۲

در برنامه‌ریزی برای نخبگان، هدف ما باید چه باشد؟ البته هدف نباید به‌هیچ‌وجه تحقیر غیرنخبگان باشد؛ چون غیرنخبگان ممکن است کارهایی انجام دهند که بسیار برجسته و ممتاز و والا باشد؛ این بدیهی است. اما یک جامعه بدون دارا بودن استخوان‌بندیهای ذهنی قوی، در حرکت جهانی نخواهد توانست از سربالاییهای دشوار و پیچهای سخت عبور کند. بنابراین، جامعه همچنان که به بدنه‌ی فکری نیاز دارد، به نقطه‌ی ممتاز فکری هم نیاز دارد. بنابراین اگر هوشمندانی در جامعه هستند که از لحاظ ذهنی نخبه‌اند، اینها می‌توانند به پیشرفت علم و فرهنگ و هنر و کار و پیشرفت هر چیزی که جامعه به آن نیاز دارد، کمک کنند. بنابراین، منهای این‌که ما بخواهیم غیرنخبه را مورد تغافل قرار دهیم، باید برای نخبگان، حسابی باز کرد. ممکن است به نظر بیاید این یک تبعیض است؛ اما تبعیض همه جا غیرعادلانه نیست؛ گاهی اوقات تبعیض، عین عدالت است. این حساب باز کردن برای نخبگان، عین عدل است؛ به خاطر این‌که ما باید نخبه و هوشمند را در حدی که می‌تواند رشد کند، رشد بدهیم.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۸۱/۰۷/۱۷

یک عده، ساده‌لوحانه بعضی از کشورهای ثروتمند دنیا را مورد نظر قرار می‌دهند و می‌گویند اینها ثروت دارند، اما دین و اخلاق ندارند؛ ما هم به همان راه برویم. خیال می‌کنند ثروتمند شدن آنها، ناشی از دین نداشتن و اخلاق نداشتن آنهاست! این اشتباه است. هر کشوری اگر ثروتمند و قدرتمند شده است، به خاطر عوامل خاص ایجاد قدرت و ثروت است. هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصولی خواهد داد؛ این سنت الهی است. حتی کسانی هم که دنبال مادیات صرف بدون معنویت می‌روند، اگر مدیریت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته به آن خواهند رسید؛ «کلا نمدهولا و هولا من عطارک». این صریح قرآن است؛ بحث در این نیست. بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد، ثروت و قدرت به دست می‌آید؛ اما سعادت به دست نمی‌آید. ما می‌خواهیم جامعه‌ای داشته باشیم که ثروت و قدرت و سعادت همه جانبه و عدالت را با هم داشته باشد. این نقطه‌ای است که ملتها آرزوی آن را می‌کنند؛ والا در کشورهای ثروتمند و قدرتمند، بی‌عدالتی و ظلم و فقر و محرومیت و تلخی خیلی وجود دارد؛ ما که دنبال آن نیستیم.

بیانات در دیدار مسوولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

بنابراین ما بایستی آن قله را حذف نکنیم و آن را در نظر بگیریم و بخواهیم. وقتی که انسان این پیام عدالت‌خواهی را به ذهن مردم القا و به آنها تفهیم می‌کند و عدالت‌خواهی را در آنها زنده نگه می‌دارد و صحیح و منطقی با مردم حرف می‌زند، طبیعی است که آنها مثلا از کمتر بودن عدالتی که به آن رسیده‌اند، ناراضی نمی‌شوند و بالاخره احساس می‌کنند که آن نقطه‌ی بالایی است؛ کم‌این‌که امیرالمومنین به اصحاب خود هم فرمود: «الا و انکم لاتقدرون علی ذلك». این را همه می‌دانند که توان و بنیه‌ی روحی و معنوی و حتی جسمانی انسانهایی پایین‌تر از امیرالمومنین، آنقدر نیست که به آن قله برسند؛ اما حرکت به سمت قله را

بایستی زنده نگه داشت. بنابراین عدالت و عدالتخواهی و تربین عدالت، از چیزهایی است که نباید آن را فراموش کرد. شما نهج‌البلاغه را که نگاه می‌کنید، می‌بینید در سر تا پای نهج‌البلاغه عدالت وجود دارد. اعتقاد جدی بنده این است که بسیاری از ناکامیهای امروز ما در عرصه رسیدن به هدفهای انقلاب و اداره مطلوب کشور، به‌خاطر کم‌اعتنایی به عدالت است. هرکدام از ما نسبت به خودمان اغماض می‌کنیم. اسم عدالت را می‌آوریم و به آن تحریض هم می‌کنیم؛ اما در مقام عمل نسبت به خودمان اغماض می‌نماییم. حالا قدری اغماض نسبت به خود، بر اثر نقصها، کوچک بودن و کوتاهیهای طبیعی ما قابل قبول است؛ اما ما نسبت به خودمان زیاد اغماض می‌کنیم. خیلی از امکانات و برخورداریها را برای خود روا می‌داریم که برای دیگران روا نمی‌داریم. ما این فرهنگ حاکم بر ذهن خودمان را باید عوض کنیم و مردم هم همین‌طور. این‌طور نباشد که مردم در مسابقه زندگی احساس کنند که هیچ مرز و مانعی به نام عدالت، جلو آنها را نمی‌گیرد و آنها تا هرجا که بتوانند بروند، مانعی ندارند. لذا شما می‌بینید يك نفر ثروت نامشروع و حرامی را از يك راه غیرعادلانه به دست آورده - مثلا در ظرف ده سال چندین میلیارد تومان گیرش آمده - که اگر توزیع کنیم، می‌بینیم گاهی درآمد بنده و شما در طول مدت خدمتان هم به قدر ثروت يك روز یا يك هفته یا يك ماه او نمی‌شود، بعد هم طلبکار است! طلبکار است که من به مملکت خدمت کردم و این‌قدر تولید ایجاد نمودم. در ذهن او اصل عدالت اصلا نقشه ندارد و اهمیتی به مساله‌ی عدالت نمی‌دهد که این‌جا عدالتی پایمال شده، بی‌عدالتی به وجود آمده و تخلف از قانون شده و این درآمد و دستاورد ناشی از آن است. ما باید این فرهنگ را در ذهن خود و در ذهن جامعه منتشر کنیم. این یکی از آن پیامهاست.

بیانات در دیدار مردم زاهدان / ۱۳۸۱/۱۲/۰۲

من دیشب تا پاسی از شب با وزرا نشستیم، از یکایک آنها سوال کردم: از وظایفی که بر عهده‌ی آنهاست، این‌که چقدر انجام گرفته و برنامه برای آینده چیست. این انگیزه و همتی که امروز ما را نسبت به مسائل مردم این استان حساس می‌کند، به فضل پروردگار خواهد توانست گامهای بسیار بلندی را برای عمران و آبادانی و امنیت و پیشرفت فرهنگی این استان بردارد. شکی نیست که خدمت زیادی شده است؛ اما شکی هم نیست که محرومیت هنوز خیلی زیاد است. در این استان زمینهای عمران و پیشرفت فراوان است. این استان از لحاظ وضع هوا - که برای کشاورزی بسیار مساعد است - از لحاظ معدن، از لحاظ آبزیان و شیلات، از لحاظ مسیر ترانزیت تجاری، از لحاظ مردم با استعداد و از لحاظ داشتن مرزهای طولانی، استان حساسی است. مرز آبی و خاکی این استان، هزار و پانصد کیلومتر است. مسائل این استان در دل خود تهدیدهایی دارد که می‌شود آنها را به فرصتها تبدیل کرد و از فرصتها استفاده نمود تا تهدیدها را برطرف کرد.

بیانات در دیدار مردم زاهدان / ۱۳۸۱/۱۲/۰۲

عزیزان من! باید به اسلام عمل کنیم. عمل به اسلام فقط نماز و روزه نیست؛ نماز و روزه و حج و عبادت جزوی از اسلام است. رحم و عدالت، رسیدگی به خواسته‌های عمومی مردم، خدمت به انسانها و مبارزه با شر و انواع فساد هم جزو اسلام است. اتحاد کلمه‌ی مومنان در مقابل دشمنان قدر اسلام هم جزو اسلام است. «الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیا الشیطان». ما مردم خود را هرگز به جنگیدن دعوت نمی‌کنیم و هرگز به تعرض و جنگ نسبت به هیچ ملتی اقدام نمی‌نماییم. اما مردم خود را به حفظ عزت و شرف اسلامی و ایرانی، به رعایت موازینی که اسلام برای انسان مسلمان مقرر کرده و به پیوند هرچه بیشتر دلپایشان با یکدیگر دعوت می‌کنیم. همه‌ی زن و مرد باید در صف واحد باشند. زنهای ما هم به فضل الهی در دوره‌ی حاکمیت اسلام مثل مردها در جبهه‌های دفاع از مقدسات و ارزشها ایستاده‌اند. این جوانانی که در جبهه‌ی جنگ یا در مبارزه با اشرار و مفسدان اجتماعی و اقتصادی به شهادت رسیدند، پرورش یافته‌ی همین دامنه‌های پاکند. البته در این‌جا باید عرض کنم در بعضی از مناطق کشور ما از جمله در همین منطقه، نیاز هست به این‌که احترام، حرمت و کرامت زن بیشتر حفظ شود. زن بلوچ، زن مظلومی است؛ فرزند زیاد، ازدواج تحمیلی، فرزند تحمیلی و عدم فرصت برای باز یافتن خود و هویت خود از جمله چیزهایی است که من در مدت اقامت در بلوچستان از نزدیک شاهد بودم. مردهای بلوچ باید زنهای خود را بیشتر ملاحظه کنند. زنهای بلوچ همان کسانی هستند که این جوانان رشید را در دامان پاکشان پرورش دادند. زن بلوچ مثل مرد بلوچ و زن سیستانی مثل مرد سیستانی دارای کرامت و شجاعت و عزت است و این عزت باید حفظ شود. آنچه که امروز برای ما در منطقه‌ی سیستان و بلوچستان در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، عمران آبادی و پیشرفت اقتصادی با ایجاد زیر بناهای لازم، با باز کردن راه تجارت سالم و جلوگیری از تجارتهای ناسالم، با مقابله با اشرار و مفسدان، با تامین آب در حدی که ممکن است، با ایجاد صنایع، با کشف و باروری و استخراج معادن - که این استان معادن خوبی هم دارد - و با توسعه‌ی کشاورزی و دامداری است. امروز نظام جمهوری اسلامی این کارها را بر عهده‌ی خود قرار داده است. ان‌شاءالله با کمک مردم و با سرمایه‌گذاریهای دولتی و ملی این کارها باید بتدریج پیش برود. به نظر من، افق و آینده در سطح کشور و در این استان روشن است. امیدواریم که خدای متعال مسوولان را توفیق دهد. من تاکید و سفارش زیادی کرده‌ام؛ باز هم ان‌شاءالله از مسوولان در استان و تهران پیگیری خواهد شد که آنچه را وظیفه‌ی آنهاست، انجام دهند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۸/۱۱

ما به هیچ قیمتی حق نداریم این فناوری را از دست بدهیم. این‌که بعضی کسان تبلیغ می‌کنند که چیز زیادی به‌دست نیامده، این هم درست نیست. این را بدانید که آنچه به‌دست آمده، بسیار برجسته و زیاد است. اگر زیاد نبود، دشمنان ما را این‌قدر حساس نمی‌کرد. کارشناسان و انسان‌های وارد و مطلع، داوری درستی در این مورد دارند. ما به فناوری‌ای رسیده‌ایم که در کشور ما بومی است؛ مهم این است. اگر امروز همه‌ی دستگا‌هایی را که در اختیار جمهوری اسلامی است، دشمنان ما بتوانند - که البته نخواهند توانست - از بین ببرند، این فناوری از بین نمی‌رود؛ چون آن را از کسی عاریه و وام نگرفته‌ایم و متخصصان هوشمند خود ما توانسته‌اند به آن دست پیدا کنند. البته اگر به میل غربیها و مراکز قدرت جهانی بود، تا صد سال دیگر هم نمی‌گذاشتند که جمهوری اسلامی به چنین فناوری‌ای دست پیدا کند و این کار، علی‌رغم آنها و تحریم ما انجام گرفته است. بنابراین آنچه به‌دست آمده، ارزشمند است و این دانش ارزشمند را نه دولت، نه مسوولان، نه سازمان انرژی اتمی و نه هیچ فردی از افراد این کشور حق ندارد که از دست بدهد و روی آن معامله کند؛ قطعاً معامله‌ای هم صورت نگرفته و نخواهد گرفت. البته اگر آنها‌یی که وارد این گفتگو با مسوولان جمهوری اسلامی شدند، بخواهند با جمهوری اسلامی سر این قضیه به چالش بیفتند و زیاده‌طلبی کنند، همه چیز به هم خواهد ریخت و قطعاً از جمهوری اسلامی تو دهنی خواهند خورد و بلاشک ما در این زمینه مطلقاً حاضر به دادن هیچ امتیازی نخواهیم بود. ما این فناوری و آنچه را که بحمدالله در بخشهای مختلف کشور عزیزمان از پیشرفتهای چشمگیر علمی و تحقیقی به دست آورده‌ایم، باید حفظ کنیم. البته هنوز تا رسیدن به خطوط مقدم فناوری و علم خیلی فاصله داریم. علتش این است که از زیر صفر - نمی‌شود گفت صفر - شروع کرده‌ایم. با این کشور کاری کرده بودند که نه فقط دستاورد علمی و فناوری، بلکه حتی امید آن را هم نداشته باشد. بنابراین، ما از نقطه‌ی «هیچ» شروع نکردیم، بلکه از «هیچ همراه با نومی‌دی» شروع کردیم! انقلاب اسلامی از این‌جا وارد میدان شد و بحمدالله امروز پیشرفت کرده است.

بیانات در دیدار مردم قزوین / ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

نظام جمهوری اسلامی و کشور عزیز و بزرگ و غنی طبیعی ما در تحولات جهانی، هم با فرصتهایی مواجه است، هم با تهدیدهایی. ما فرصتهای زیادی در پیش روی خود داشتیم و داریم. برای مسوولان مهمترین مساله این است که از همه‌ی فرصتهایی که پیش می‌آید، با حفظ عزت ملی، برای پیشرفت کشور - هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی - استفاده کنند. هدف جمهوری اسلامی فقط این نیست که با ارقام و اعداد، تولید ناخالص ملی را در مجموع رقم بالایی نشان دهد؛ این کافی نیست. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه‌ی مردم تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه می‌کنیم.

فلسفه‌ی نظام جمهوری اسلامی این است که بتواند همچنان که اسلام از مسوولان، انسانها و ملت‌ها خواسته است، در میان مردم، هم عدالت، هم اخلاق، هم

معنویت و هم رفاه مادی را به‌وجود آورد. این کار، مقدس و بسیار بزرگ و البته دشوار است. همه‌ی تلاش جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته برای این بوده است که به این مقصود دست پیدا کند.

کسانی که راه را عوضی برونند و عدالت را ندیده بگیرند، اشتباه می‌کنند. کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه می‌کنند. کسانی که شایسته‌سالاری را ندیده بگیرند، اشتباه می‌کنند. کسانی که مردمی بودن مسوولان را فراموش کنند، اشتباه می‌کنند. راه از این جهت دشوار است و حرکت در این راه از این جهت با موانع بزرگ مواجه است که در آن باید همه‌ی این معیارها رعایت شود.

ما نمی‌توانیم دل خود را خوش کنیم به این‌که چیزی بگوییم و چند صباحی را در مسند مسوولیت - یا به تعبیر رایج، در مسند قدرت - باقی بمانیم؛ اما فکر حال و آینده‌ی کشور و فکر رشد مادی و معنوی ملت را نکنیم؛ این نمی‌شود. نظام اسلامی از مسوول می‌خواهد خود را در مقابل خدا ببیند. این‌که مردم خدمت او را بفهمند یا نفهمند، از او تشکر بکنند یا نکنند، در درجه‌ی بعد باشد. در درجه‌ی اول، مسوول باید احساس کند در مقابل خدای متعال برای خدمت به مردم و استقرار عدالت در میان آنها مسوول است. محاسبه‌ی ما این‌طور نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته در این راه پیشرفت‌های زیادی کرده است. نمی‌گوییم تماماً به هدف‌های خود رسیده‌ایم؛ نه. باز هم باید حرکت و تلاش کنیم؛ اما می‌گوییم و ادعا می‌کنیم که در این راه، نظام جمهوری اسلامی پیشرفت کرده است.

امروز اعتماد به نفس و امید ملت ایران از همه‌ی دوره‌های گذشته بیشتر و چشمش بازتر است. امید و نشاط در میان ملت بزرگ ایران یکی از دستاوردهای اسلام و انقلاب است. این را ما قدر می‌دانیم و مغتنم می‌شماریم و برای پیشرفت در این راه تلاش می‌کنیم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۱۱/۲۳

این ملت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت - یعنی باور کرد که می‌تواند - این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما، دانشجوی ما، استاد ما، پژوهشگر ما، صنعتگر و سازنده‌ی ما باور دارد که می‌تواند. این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفت‌های زیادی کرده‌ایم؛ اما هنوز عقیمیم. هیچ‌کس خیال نکند که چون در میدان علم پیشرفت کرده‌ایم، به مقصد رسیده‌ایم و دیگر بس است؛ نه. ما را خیلی عقب نگه داشته‌اند؛ ولی ما پیشرفت کرده‌ایم و در این بیست‌وپنج سال خیلی جلو آمده‌ایم. طبق آمار، در دوران انقلاب، نسبت پیشرفت علمی ما از همه‌ی دنیا بالاتر و بیشتر بوده است؛ چند روز قبل که جوانان نخبه پیش من آمده بودند، این نکته را به آنها هم گفتم. خودباوری در علم، سیاست و در دفاع از کشور به ما کمک کرد. در دوران جنگ هشت ساله اگر خودباوری نداشتیم، پدر این ملت درآمده بود و این کشور پامال شده بود. همین بود که جوان بیست‌وپنج ساله به خودش باور و اعتقاد و اتکا داشت. یک لشکر را به یک جوان بیست‌وپنج ساله می‌سپردند؛ می‌رفت می‌ساخت، می‌پرداخت، آماده می‌کرد، حرکت می‌کرد، اقدام می‌کرد و کارهای بزرگ انجام می‌داد. امروز این خودباوری وجود دارد. دانشگاه‌های ما امروز کار علمی می‌کنند؛ جوانان ما پیشرفت‌های علمی می‌کنند؛ در بخش‌هایی پیشرفت‌های علمی ما دنیا را نگران کرده است؛ این به برکت انقلاب است. نمی‌خواهند ملت و کشور ایران از لحاظ علمی پیشرفت کند؛ این را صریحاً گفته‌اند. یک کشور تا پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی نداشته باشد، همیشه قدرتمندان به او زور می‌گویند. کشور زاین که تحت سلطه و تحت اشغال بود، خود را جمع‌وجور کرد و از لحاظ علمی پیشرفت نمود. غربیها که هیچ مایل نیستند به منطقه‌ی شرق نگاه بیفکنند و به غیر نژاد اروپایی توجهی نکنند، به‌خاطر پیشرفت علمی مجبورند آن را جدی بگیرند. در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی - علمی آمریکا گفته‌اند ما نمی‌خواهیم یک زاین اسلامی به‌وجود آید! زاین اسلامی یعنی شما. گفته‌اند نمی‌خواهیم بگذاریم ملت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. اینها حرکت ملت ایران را می‌بینند؛ این خودباوری را می‌بینند؛ این هم از برکات انقلاب و نظام اسلامی بود.

چهارم، پیشرفت است. علی‌رغم آنچه دشمنان ما می‌خواستند و امروز تبلیغ می‌کنند، ما پیشرفت کرده‌ایم. معنای این پیشرفت‌ها این نیست که ما به هدف‌های خود رسیده‌ایم. من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گویم: بنده به عنوان یک طلبه‌ی انقلابی معتقد به اسلام و انقلاب، اعتقاد این است که در بسیاری از اهداف خود هنوز در نیمه‌ی راه هستیم. ما عدالت اجتماعی و بنیان‌کنی فقر و آبادسازی همه‌جانبه‌ی کشور را می‌خواستیم؛ اما هنوز به آن مقاصد نرسیده‌ایم و در وسط راه هستیم؛ درعین‌حال حرکت کرده‌ایم و جلو آمده‌ایم و بخش مهمی از راه را پیش رفته‌ایم. این کارها را انقلاب و نظام اسلامی کرد.

این چهار رکن اساسی انقلاب به برکت اسلام و زیر پرچم اسلام بوده است. اگر اسلام نبود، استقلال و آزادی و خودباوری و پیشرفت به دست نمی‌آمد؛ اینها را اسلام به ما داد؛ اینها موهبت اسلام است. یک عده با نام اسلام، یک عده با احکام اسلام، یک عده با روح اسلام مخالفت می‌کنند؛ اینها نمی‌فهمند چه ضربه‌ای به کشور و آینده‌ی کشورشان می‌زنند. «یکی بر سر شاخ و بن می‌برید». اینها می‌خواهند بن حرکت ملت ایران را ببرند. البته خوشبختانه قدرت این شجره‌ی طیبه و استقامت آن بیش از این حرف‌هاست. علی‌ای‌حال، عده‌ای زخم می‌زنند؛ اما اشتباه می‌کنند.

پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۲/۰۲/۰۶

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه‌ی خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. نیازهای موهوم و ساخته‌ی دست تبلیغاتچی‌های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این خواسته‌های حقیقی بنشینند.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۲

آخرین نکته‌ی که به‌عنوان شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم، مساله‌ی عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این‌که ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروتها در گوشه‌ی بی به نفع یک عده انبار شود و عده‌ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسوولیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصه‌های حرکت خود به حساب آورند.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۲

این مکتب، نظام اسلامی را بنیانگذاری کرد. بیست‌وپنج سال از آن زمان می‌گذرد. بیشترین حملات هم در طول این بیست‌وپنج سال به کشور و ملت ما و این مکتب سیاسی شده است؛ اما ملت ما روزبه‌روز پیشرفت کرده است. ملت ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی عمران، در زمینه‌ی سیاست بین‌الملل، در زمینه‌ی

ارتقای آگاهی‌های گوناگون، در زمینه‌ی ساخت زیربنای عظیم کشور، در زمینه‌ی به‌دست آوردن قدرت فناوری و احیای استعدادهای مردمی، و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، پیشرفت‌ی داشته است که در گذشته حتی تصور آن را هم نمی‌کرده؛ این به برکت اسلام است. ما هرگز ادعا نمی‌کنیم که در برنامه‌های انقلاب، بهنگام و به‌روز پیش‌رفته‌ایم و در آن‌جایی که باید باشیم، هستیم؛ نه، اما این کم‌کاری ماست. ما مسوولان در رده‌های مختلف اگر بیشتر و بهتر کار کنیم، بدون شک موفقیتها بیشتر خواهد شد. امروز هم موفقیتها بسیار داریم. امروز ملت ما قوی است؛ دولت ما قوی است؛ زیربنای کشور آماده است و پیشرفت علمی و استخراج استعدادهای جوانان ما محیرالعقول است. ما می‌توانیم حرکت خود را شتاب دهیم؛ و این کار را هم ملت ما خواهد کرد و به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی پیشرفت می‌کنیم. امروز پرچم اسلام، پرچم دینداری، پرچم شجاعت و پرچم نوآوری در زمینه‌ی سیاست در دست ملت ماست. دشمنها در تبلیغات خود سعی می‌کنند این دستاوردها را کوچک نشان دهند و آنچه را که این ملت به‌دست آورده، از قلم ببندازند؛ اما نمی‌توانند. انواع تلاشها را برای مقابله کرده‌اند. حتی کار دشمنان انقلاب اسلامی با محوریت امریکا به این‌جا رسید که سعی کردند نسخه‌ی بدل سر تا پا غلط از نظام اسلامی را در افغانستان به‌وجود آورند، که شد حکومت طالبان؛ تبدیل شد به یک کاریکاتور خنده‌آور مسخره؛ همان هم شد آفت جانسان. شاید به خیال خودشان می‌خواستند پرچم اسلامخواهی و احیای اسلام سیاسی را از دست این ملت بگیرند و دست کسانی بدهند که دست‌آموز خودشان بوده‌اند؛ اما نتوانستند و نخواهند توانست. خدا را شکر می‌کنیم که اراده‌ی ما محکم است؛ راهمان روشن است؛ مردمان مومن‌اند و مکتب سیاسی امام، زنده و درخشان است. دشمنان ما هم قدرت ملت را فهمیده‌اند و به آن اعتراف کرده‌اند. در زمینه‌ی مسائل گوناگون جهانی و بین‌المللی، مواضع ما مستقل است. ما تحت تاثیر کسی قرار نمی‌گیریم و به سراغ جنجال و تنش‌آفرینی نمی‌رویم؛ اما ظلم را محکوم می‌کنیم؛ با ظالم اعلام مخالفت می‌کنیم و از مظلوم اعلام حمایت می‌کنیم. ما جنایت صهیونیست‌ها در فلسطین را محکوم می‌کنیم. ما ددمنشی و جنایات فجیع و بی‌نظیر دولت غاصب صهیونیست را در کشور فلسطین نسبت به مردم - ویران کردن خانه‌ها، کشتن کودکان، کشتن پیرمرد مریض معلولی مثل شیخ احمد یاسین، آواره کردن هزاران فلسطینی از خانه‌ی خود - زشت می‌شماریم و محکوم می‌کنیم و بر مرتکبان این جنایت و بر امریکا - که از این مرتکبان حمایت می‌کند - لعنت می‌فرستیم.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان همدان / ۱۳۸۲/۰۴/۱۷

مطالبی که عزیزان ما در این‌جا فرمودند، اکثر آنها حرفهای دل ما هم هست؛ چیزهایی است که سالها ذهن بنده و به تبع ذهن، تحرك و فعالیت بنده را به خود اختصاص داده است؛ پیش هم رفته‌ایم و کار هم کرده‌ایم؛ ولی تلاش لازم است. اینها حرفهای ماست و واقعا باید به همه‌ی این عزیزان عرض کنم که جانا! سخن از زبان ما می‌گویی. اهمیت دادن به دانشجو، مساله‌ی اشتغال، مساله‌ی ازدواج، مسائل مربوط به تحقیقات علمی، اهتمام به جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دانشگاه‌ها، تکریم اهل دانش - چه دانشجو و چه استاد - حرفهایی است که دنبال آنها هستیم و من خیلی خوشحالم و خدا را شکر می‌کنم که می‌بینم این حرفها امروز به‌صورت یک سخن همگانی درآمده است. اینها را دیگر فقط ما نمی‌گوییم؛ شما به ما می‌گویید. من خوشحالم که جوان عزیز ما این‌جا بایستد و راجع به مساله‌ی کشف استعدادها در سراسر کشور به من توصیه کند. یا وقتی شما جوانها راجع به پیگیری عدالت و یا شایسته‌سالاری مطالبی به ما بگویید، هنگامی که بازخورد این سخن در فضای عمومی جامعه سنجیده شود، ارزیابی ما از پیشرفت مسائل کشور، ارزیابی دیگری خواهد بود. ما پیش‌رفته‌ایم؛ اینها دلیل پیشرفت است. یکی از عزیزان در این‌جا از من عذرخواهی کردند، به‌خاطر این‌که فقط نقاط ضعف را می‌گویند و به نقاط مثبت اشاره‌ی نمی‌کنند. من می‌خواهم به این عزیزان و به بقیه جوانها و به اکثر شماها بگویم که نقطه‌ی مثبت، خود شما هستید؛ لازم نیست بگویید. همین که جوان ما با این مایه‌ی از فهمیدگی و این نشانه‌های فرهیختگی این‌جا می‌آید و با ما حرف می‌زند، بزرگترین نقطه‌ی مثبت است. خدا را شاکر و سپاسگزارم از این‌که بنده را در زمانی قرار داده که با این همه انسان خوب، با این همه دل‌نورانی و با این همه جوان خوش‌عاقبت و مبارک زندگی می‌کنم. شانه‌ام زیر بار مسوولیت سنگینی هم قرار دارد؛ البته این برای خود من نگرانی دارد، اما پیش خدای متعال سپاسگزاری هم دارد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۲

ما در زمینه‌ی همه‌ی فعالیتها گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفا به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متناهی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مساله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی / ۱۳۸۲/۰۶/۲۵

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلامی اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای تمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله‌ی تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفت‌های مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی‌گوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه‌ی انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به‌کار ببریم، که یکی از مهمترین آنها، مساله‌ی اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی / ۱۳۸۲/۰۶/۲۵

بسیار بجاست که در عناصر اصلی الگوی توسعه - که از نظر این مجموعه، افزایش سرانه، افزایش آموزش و افزایش سلامت مدنظر است - استقرار عدالت هم که روح همه‌ی اینهاست، در نظر گرفته شود و برنامه‌ها و اقدامها و پروژه‌هایی را که در کشورهای اسلامی انجام می‌دهیم، با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد؛ این یکی از تعالیم بزرگ اسلام است، که ما در هر حرکت اقتصادی باید به آن توجه کنیم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۲/۰۶/۲۱

وظیفه‌ی همه‌ی ما اقامه‌ی قسط، اجرای عدالت، تربیت ملت و پیشرفت مادی و معنوی ملت و به تکامل رساندن کشور و نجات آن از محرومیتی است که در طول ده‌ها سال حکومت طواغیت و خارجیها بر آن تحمیل شده است. بسیاری از محرومیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و شما نشانه‌هایش را امروز در گوشه و کنار مشاهده می‌کنید، ناشی از حرکت عمومی طولانی است که حاکمیت طواغیت و ظلمه، مستبدان و مستانان بر این ملت، به‌وجود آورده‌اند، که طبعاً تبعات و عواقبی دارد و رفعتش مشکل است؛ اما ممکن هم است. بنده همچنان بعد از گذشت بیست‌وپنج سال، با مشاهده‌ی وضع کشور و وضع ملت، روزبه‌روز اعتقاد به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه‌ی شسته‌روفتی رو به رشد شکوفا در همه‌ی ابعاد بیشتر شده است و معتقدم که با همین فکری که در قالب و چارچوب قانون اساسی مجسم و متجسد شده، می‌توان کشور را به رفاه و پیشرفت رساند؛ اما شرطش این است که ما کارآمدی خودمان و کارآمدی مسوولانمان

را در همه‌ی انتخابها، در همه‌ی گزینشها و در همه‌ی انتصابها حفظ کنیم.

بیانات در دانشگاه افسری امام علی(ع) / ۱۳۸۲/۱۰/۰۲

جوانان عزیز ما در دانشگاه افسری و در همه‌ی دانشگاه‌های نظامی کشور با دو هدف به کار و تحصیل اشتغال دارند: هدف اول، دانش و هدف دوم، آمادگی و تربیت نظامی. نظامیان در جمهوری اسلامی ایران باید مردمان دانشمند و فرزانه و دارای نگاه با معرفت و شناخت نسبت به همه‌ی مسائل جامعه، بلکه همه‌ی مسائل آفرینش باشند. تحصیل، يك موقعیت و زمینه‌ساز موفقیت‌های بزرگ است. اولین کار شما جوانان، فراگیری آموزشها و بالا بردن سطح دانایی‌هاست. با دانایی است که يك انسان، يك جامعه و يك کشور توانایی به‌دست می‌آورد. آنچه بر سر ملتهای عقب‌افتاده‌ی دنیا آمد، بر اثر غفلت و نادانی بود. هدف دوم، روحیه‌ی نظامیگری و پرورش روح شجاعت و دلاوری است. فراگیری فنون نظامی باید با این روحیه همراه باشد. نظامیان - چه ارتشی و چه سپاهی و چه سایر نیروهای مسلح - کسانی هستند که در راه آرمانهای والای کشور و جامعه‌شان و در راه پیشرفت کشور و اقتدار ملتشان، آمادگی نشان دادن دلاوری و فداکاری‌اند. يك ملت، بخصوص وقتی که در پی آرمانهای بلند باشد، دشمنانی خواهد داشت و بدون شك این دشمنان از اعمال قدرت اجتناب نخواهند کرد. يك ملت اگر بخواهد سرفراز بماند، باید قدرتمند باشد. این قدرت در شکل نظامی آن به‌وسیله‌ی نیروهای مسلح انجام می‌گیرد. نیروهای مسلح حصار مستحکم يك ملتند. آرمانهای جمهوری اسلامی - که در خطابه‌ی دانشجویان عزیز به آن اشاره شد - آرمانهای والای انسانی و الهی است. آرمانهای جمهوری اسلامی، تعالی انسان، پیشرفت انسان، رفاه انسان، اقتدار جامعه، پیشرفت در همه‌ی میدانهای معرفت انسانی، حمایت از عدل در سراسر جهان و مقابله با زورگویان و تجاوزگران و زیاده‌طلبان است. اینها آرمانهایی است که وقتی يك ملت خود را به آنها معتقد و ملتزم بداند، هم در پیشگاه خداوند و در ملکوت اعلی، و هم در پیشگاه همه‌ی آحاد انسانیت در سراسر جهان ارج و قدر خواهد یافت. به همین دلیل است که نظام جمهوری اسلامی با طرح آرمانهای والای خود در محیط جهانی - که مثل نسیم بهاری در همه جای جهان جاری شد و به گوش همه رسید - در چشم ملتها موقعیت بسیار والایی پیدا کرد. امروز در سرتاسر جهان هر جا که اثر مخرب تبلیغات پرچم دشمنان راه را مسدود نکرده باشد، ملتهای جهان، ملت ایران را به چشم عظمت و بزرگی نگاه می‌کنند و برای شما قدر می‌شناسند. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، که نیروهای مسلح و ملت ایران آن دفاع جانانه و فراموش نشدنی را از خود نشان دادند، بسیاری از ملتهای مسلمان، آیین شما، مذهب شما، افکار شما و عقاید شما را به برکت همان دفاع جانانه و ایستادگی در مقابل زورگویی و تجاوزگری، بدون هیچ تبلیغی پذیرفتند؛ اینها واقعیت است. آرمانهای جمهوری اسلامی آرمانهایی است که در عمق جان همه‌ی ملتها وجود دارد. همه‌ی ملتها استقلال و آزادی و رهایی از چمیره‌ی زورگویان قدرت‌طلب جهانی را طالبند. همه‌ی ملتها طالب رفاه و علم و زندگی سعادت‌مندانه و برخوردار از امنیت و آرامش‌اند، که جز با کمک فضای معنوی و روح لطیف دینی به هیچ‌وجه برای انسان قابل دسترسی نیست؛ اینها همه در شمار آرمانهای والای جمهوری اسلامی است. ما برای ملت خود اقتدار را نه برای تجاوزطلبی، رفاه را نه همراه با شکاف اجتماعی، پیشرفت علمی را نه با غفلت از آرمانهای معنوی؛ بلکه رفاه را با عدالت، پیشرفت علمی را همراه با امنیت روانی و روحی، و اقتدار را همراه با نگاه برادرانه به همه‌ی ملتهای جهان طالبیم؛ اینها آرمانهای جمهوری اسلامی است. شما در این دانشگاه - که به نام مبارک امام علی (علیه‌السلام) مزین است - و در هر دانشگاه نظامی دیگر، در راه این آرمانها حرکت می‌کنید و با کوشش جوانانه‌ی امروز خویش، خود را برای دفاع مردانه و دلاورانه آماده می‌کنید. این موقعیت بسیار بزرگی است؛ این فرصت بسیار عزیز و مغتنمی است؛ این را قدر بدانید.

بیانات در دیدار مردم پاکدشت / ۱۳۸۲/۱۱/۱۰

ما به کسانی که از طرف ایران مشغول مذاکره هستند، اعتماد داریم و از کار آنها حمایت می‌کنیم؛ منتها طرف مقابل باید بداند که با ترفندهای سیاسی و با تضییع وقت نمی‌تواند ملت ایران را از عزم راسخ خود برای پیمودن راه فناوری انرژی هسته‌ی باز بدارد. مسوولان ما محاسبه کردند، محاسبه‌شان هم درست است. پیگیری این کار برای پیشرفت کشور - هم پیشرفت مادی، هم پیشرفت سیاسی، هم پیشرفت علمی - مفید و لازم است؛ این جزو مصالح ملی است؛ این را مسوولان درست فهمیده‌اند و پایش هم ایستاده‌اند. اروپایی‌ها اگر می‌خواهند در این زمینه با ایران اسلامی به يك تفاهم واقعی برسند، باید تاثیر فشار امریکا و صهیونیست‌ها را روی خودشان کم کنند؛ نباید تحت‌تاثیر قرار بگیرند. با ملت ایران، مثل ملت ایران مواجه شوند. ملت ایران، يك ملت بزرگ و با فرهنگ است - این را ثابت کرده - نمی‌تواند با ملت ایران مثل يك ملت عقب‌افتاده و يك کشور مستعمره معامله کند؛ چنین توهینی را ملت ایران بر آنها نخواهد بخشود.

بیانات در دیدار مردم پاکدشت / ۱۳۸۲/۱۱/۱۰

در این کشور باید با فقر و فساد و تبعیض مبارزه شود. علاج مشکلات این کشور این است که به‌طور جدی اجرای عدالت پیگیری شود؛ تبعیض برداشته شود؛ با فقر و فقر و عوامل فقر به‌طور واقعی مبارزه شود؛ این کارها، کارهای قوای سه‌گانه است؛ اعم از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه. البته مهمترین بخش در اختیار قوه‌ی مجریه است.

تجلیل از حماسه پرشکوه ملت ایران در ۲۲ بهمن / ۱۳۸۲/۱۱/۲۲

ملت ما راه اسلام ناب محمدی (ص) را که راه نوید بخش پیشرفت و توسعه همگام با عدالت و آزادی و استقلال ملی است، آگاهانه انتخاب کرده و آن را آگاهانه ادامه خواهد داد.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان / ۱۳۸۲/۱۲/۲۲

این‌که شما می‌بینید ما امروز در دانش هسته‌ی، در دانش سلولهای بنیادی - که از دانش‌های بسیار کمیاب دنیاست - و در بسیاری از رشته‌های دیگر پیشرفت‌هایی کرده‌ایم که دشمنان ما را هم به اعتراف وادار می‌کند، نشان‌دهنده‌ی این است که در محیطی که خودباوری وجود دارد و ملت توان خود را باور کرده است و آزادانه و بدون سلطه‌ی بیگانه مشغول کار است، همه نوع قله‌ی را می‌توان فتح کرد. ما می‌توانیم قله‌های علم و اخلاق - نه علم بی‌اخلاق و ضداخلاق؛ مثل علمی که امروز در دنیای غرب وجود دارد - و پیشرفت و عزت حقیقی انسان در جامعه را فتح کنیم و عدالت و روابط عادلانه را در کشورمان برقرار نماییم و آن‌چنان عمل کنیم که هر جوان این کشور وقتی به پیش روی خود نگاه می‌کند، تمام افاق‌ها را روشن ببیند. امروز دنیای غرب در این بخش احساس عجز می‌کند. امروز کشورهایی که در اوج پیشرفت علمی و صنعتی مادی هستند، جوانهایشان احساس نومیدی و بی‌آیندگی می‌کنند؛ لذا خودکشی و تبهکاری در بین آنها خیلی زیاد است. ما می‌توانیم این محیط پرامید و پرشور همراه با پیشرفت مادی و معنوی و روابط عادلانه را در کشور ایجاد کنیم؛ اما به شرط این‌که شما جوانها آن‌چنان که شایسته‌ی نسل شما در چنین دورانی است، حرکت کنید.

بیانات در دیدار مردم کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۱

اما آنچه امروز برای این کشور مهم است، این است که دستاوردهای مهم دوران بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی تا امروز، بتواند به صورت محصول شیرینی، کام مردم را شیرین کند. با تلاشی که تا امروز انجام گرفته است، ملت ایران و مسوولان کشور باید بتوانند آینده را همراه با برخورداری مردم از عدالت اجتماعی و رفاه و ادامه‌ی پیشرفت در راه‌های گوناگون، بسازند. زیربنای کشور خوب ساخته شده است؛ اما آنچه به‌وجود آمده، باید زندگی مردم را از فقر و محرومیت نجات دهد. از آنچه انجام گرفته است، ملت باید بتواند بهره‌برداری کند. بی‌انصافی است اگر کسی تلاش‌های گذشته‌ی دولت‌های گوناگون و سال‌های متماد بعد از جنگ را ندیده بگیرد. کار مترامی صورت گرفته است؛ لیکن برای این‌که این کارها زندگی عامه‌ی مردم و همه‌ی مناطق کشور را از منافع و برکات خود بهره‌مند کند، يك

سلسله کار دیگر هم لازم است. وضعیت خظیر و مهم ما به این مناسبت است. باید حلقه‌ی سازندگی‌ها و تولیدها و پیشرفت‌ها را به حلقه‌ی زندگی مردم وصل کرد؛ مثل آبی که در پشت سد جمع شده است و باید با کانال‌کشی، آن را سر مزرعه‌ی مردم کشاند تا مردم بتوانند از آن استفاده کنند. بنابراین، از این همه پیشرفتی که صورت گرفته است، باید کام مردم را شیرین کرد؛ این، تلاش و برنامه‌ریزی بسیار مهمی لازم دارد. آنچه امروز کشور به آن احتیاج دارد، این است که برای رفع فقر و ریشه‌کنی فساد و برخوردار کردن عامه‌ی مردم و مناطق گوناگون و همه‌ی زوایای کشور از منافع و برکات پیشرفت کشور باید برنامه‌ریزی شود؛ سیاست‌ها و برنامه‌ها باید ناظر به این هدف باشد.

بیانات در دیدار مردم بم / ۱۳/۰۲/۱۳۸۴

آنچه کشور ما احتیاج دارد، کار و تولید و توسعه‌ی مادی و معنوی، همراه با عدالت و بدون تبعیض و فساد و افزون‌خواهی‌های غیرقانونی - و به قول آقایان، رانت‌خواری - است. مهمترین همت قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه باید این باشد که بتوانند در مقابل این بیماری‌های صعب‌العلاج بایستند. این بیماری‌ها از بلای زلزله هم برای کشور خطرناک‌تر است؛ چون همه‌گیر است.

بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان / ۱۸/۰۲/۱۳۸۴

این اهداف تعریف شده، منحصر به یک بخش از زندگی انسان‌ها نیست؛ این اهداف شامل زندگی مادی و معنوی مردم است. اسلام مردم خود را خوشبخت و سعادت‌مند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید. حیات طیبه‌ی اسلامی، زندگی‌پی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمزله‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این‌که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت‌خاطر، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فوج معنوی حرکت کنند. حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. مساله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند - باید زندگی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تامین کند. در اسلام، عدالت مساله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند.

ملت ایران در راه ایجاد جامعه‌ی عادلانه مبارزه و تلاش کرد. نظام مقدس جمهوری اسلامی هدف اصلی خود را ایجاد جامعه‌ی عادلانه قرار داده؛ عدالت با تعریف اسلامی؛ عدالت، همان‌گونه که اسلام معرفی کرده است؛ بدون انحراف به چپ و راست؛ یعنی صراط مستقیم الهی.

در این راه، ما پیشرفت‌های قابل توجهی کرده‌ایم؛ اما برای استقرار نظام عادلانه‌ی اسلامی هنوز باید تلاش شود. مهمترین وظیفه‌ی مسوولان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا بخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های همه‌ی افراد به امکانات کشور. کشور ما امکانات زیادی دارد؛ این امکانات می‌تواند یک جامعه‌ی مرفه و پیشرفته و توسعه‌یافته را برای ملت ایران ایجاد کند؛ منتها شرط اصلی این است که در استفاده‌ی از این منابع، عدالت رعایت شود. نظام جمهوری اسلامی پرچم عدالت را بلند کرده است؛ مردم هم مجذوب همین شعار بسیار مهم و اساسی هستند. نظام جمهوری اسلامی موظف است در همه‌ی مراحل عدالت را تامین کند و مردم نقاط مختلف کشور و قشرهای گوناگون جامعه را از منابع حیاتی کشور برخوردار سازد. این، وظیفه‌ی اساسی است.

مسوولان کشور در رده‌های مختلف - در سطح کشور، در سطح استان‌ها و شهرها - موظفند عدالت را رعایت کنند و طبقات محروم را همواره مورد توجه قرار دهند. این خطاست اگر خیال کنیم اسلام با پیشرفت و توسعه و رفاه مادی جامعه مخالف است؛ به هیچ‌وجه این‌طور نیست. جامعه‌پی که در آن، پیشرفت علمی و عملی، پیشرفت فناوری و پیشرفت دنیایی مردم وجود داشته باشد؛ اسلام این را برای پیروان خود می‌پسندد. تشویق اسلام به علم و عمل و تلاش و فعالیت، از همین جهت است. سنت الهی بر این قرار گرفته است که هر ملتی تلاش و کار کند، بدون تردید نتیجه‌ی آن را خواهد دید. بنابراین اسلام حیات مادی مردم را هم تامین می‌کند؛ منتها غرق شدن در حیات مادی، فراموش کردن ارزش‌های معنوی، ایجاد شکاف بین طبقات جامعه، و فاصله انداختن بین قشرهای مختلف مردم را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد؛ و این، نظام اسلامی را ممتاز کرده است.

امروز در دنیا کشورهای توسعه‌یافته بسیارند، اما در آنها عدالت وجود ندارد؛ اینها الگوی نظام جمهوری اسلامی نیستند. الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است؛ یعنی الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عظوفت بین قشرها و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است.

خدا را شکر می‌کنیم که مسوولان نظام جمهوری اسلامی از آرمان‌های اسلامی و آنچه به عنوان اهداف والا برای این انقلاب و این مردم تعریف شده است، تخلف نکرده‌اند. این اهداف را همه پذیرفته‌اند و شرط خدمت به این مردم و شرط احراز مسوولیت‌های اساسی برای این مردم همین است که هر مسوولی به این اهداف والا و آرمان‌های الهی و اسلامی از بن دندان و از عمق جان معتقد باشد و در راه آن تلاش و مجاهدت کند. جاذبه‌ی نظام اسلامی برای ملت‌های مسلمان در سراسر دنیا در همین نکته‌ی اساسی نهفته بود که اسلام را تضمین‌کننده‌ی سعادت جوامع اسلامی دانست. ملت‌های مسلمان تا قبل از آن‌که انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، می‌پنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است، و رفاه و پیشرفت مادی در اردوگاه راست - یعنی نظام سرمایه‌داری - قرار دارد. اسلام به صحنه آمد؛ وعده‌ی زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه‌ی پرجاذبه درآمد. با این‌که ما در سال‌های نخستین انقلاب تبلیغات وسیعی هم در دنیای اسلام نداشتیم؛ اما هر کس از نظام جمهوری اسلامی به نقاط دور دست دنیا که مسلمانان در آنجا زندگی می‌کردند، سفر کرد، دید نام امام، نام انقلاب، نام نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته، در اعماق قلب مردم مسلمان جا دارد. حتی بسیاری از ملت‌های غیرمسلمان به خاطر این شعار به اسلام جذب شدند. ما باید به این شعارها عمل کنیم. به صرف گفتن و تکرار کردن، نمی‌توان دلخوش بود که به آن هدف‌ها خواهیم رسید؛ باید اینها را در عمل و در تجربه‌ی میدانی و واقعی پیاده کنیم؛ این مسوولیت بزرگ مسوولان جمهوری اسلامی است. همه‌ی مسوولان به این معنا معتقد بوده‌اند و هستند و آن را دنبال می‌کنند؛ ولی باید تلاش و کار کنند تا این اهداف و آرمان‌ها تحقق پیدا کند.

همین جاذبه‌ی نظام جمهوری اسلامی است که دشمنان قدار جهانی جمهوری اسلامی را در مقابل آن به صف‌آرایی وادار می‌کند و تا امروز وادار کرده است. بعضی تصور می‌کنند ما دشمنان جهانی خود را تحریک کرده‌ایم که بیایند با ما دشمنی کنند؛ بعضی خیال می‌کنند شعار «مرگ بر امریکا» امریکا را تحریک می‌کند که نسبت به نظام اسلامی و ایران اسلامی دشمنی بورزد؛ این خطاست. دشمنی نظام مستکبر امریکایی و هر مستکبری در دنیا با نظام اسلامی، به خاطر پرچم برافراشته‌ی عدالت است؛ به خاطر این است که می‌بیند با نام اسلام و با تعالیم ولای اسلام کشوری دارد به سمت رشد و توسعه و پیشرفت علمی و عملی حرکت می‌کند؛ می‌داند که این، جلوی نفوذ آنها را خواهد گرفت. آنها با هر کشوری که خارج از قلمرو قدرت آنها به توسعه و پیشرفت علمی دست پیدا کند،

مخالفتند. آنها با هر کشوری که در میدان علم و توسعه، به سمت رقابت با آنها حرکت کند، مخالفند. آنها در مناطق مختلف عالم - که از لحاظ منابع حیاتی و منابع اقتصادی و زیرزمینی، ثروتمند و غنی است - منافع خودشان را دنبال می‌کنند و در پی این هستند که ظالمانه و مستکبرانانه بر این کشورها پنجه بیفکنند و با قدرت زور و زر و تزویر خودشان بتوانند این منابع را در اختیار بگیرند. آنها برای مردم این کشور و کشورهای این منطقه از عالم حق حیات قائل نیستند؛ چه برسد به اینکه اجازه داده شود این ملتها با اراده‌ی خودشان نظامی را تشکیل دهند، حکومتی را سر کار بیاورند، رئیس جمهوری را انتخاب کنند، دولتی را بیارینند، قوانینی را تصویب کنند، راهی را طی کنند و ابتکارهایی به‌خرج دهند. دشمنی امریکا و استکبار با ایران اسلامی به‌خاطر این حرکت قدرتمندانه‌ی مردمی است؛ چون ایمان مردم، علاقه‌ی مردم به استقلال، و اطمینان به نفس مردم، به ضرر آنهاست. آنها می‌خواهند کشور ما را همیشه وابسته نگه دارند. آنها می‌خواهند از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای این منطقه را وابسته‌ی به خودشان نگه دارند. وقتی کشوری مستقل است، وقتی اطمینان به نفس دارد و با اعتماد به خود، در راهی که او را به سمت اهداف والا می‌رساند، حرکت می‌کند، طبعاً اینها ناراضی می‌شوند. ناراضی دشمنان جهانی ما به این خاطر است. آنها وقتی راضی می‌شوند که ملت ایران اختیار دین و دنیا و فرهنگ و اقتصاد خود را یکسره به آنها بسپارد، ملت ایران امروز بیدار شده است و زیر بار چنین زورگویی‌ها و قلدری‌هایی نمی‌رود.

مردم عزیز رفسنجان! برادران و خواهران مومنی که سال‌های متمادی در راه حق و حقیقت قدم برداشته‌اید! بدانید سعادت این کشور و این ملت در وحدت کلمه و پیمودن راه اسلام و پیگیری عدالت است. این ملت برای این‌که دشمنان را مایوس کند و آنها را از تهاجم‌های گوناگون و مودیگری‌هایی که نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند، منصرف کند، تنها راهی که می‌تواند بپیماید، این است که تلاش کند در سایه‌ی اسلام و پیگیری اهداف اسلامی، و با همبستگی ملی و وحدت کلمه، خود را روزبه‌روز نیرومندتر کند. ما بحمدالله در این راه حرکت کردیم و باز هم با قدرت تمام حرکت خواهیم کرد و هیچ‌گونه سستی را در این راه برای خود جایز نمی‌دانیم.

بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

همه‌ی ما پیشرفت‌های این کشور را در زمینه‌ی علم، فناوری، تحقیقات و توسعه‌ی اقتصادی می‌دانیم و می‌بینیم. این پیشرفت‌ها برای این ملت طبیعی است. اگر این ملت پیشرفت نکند، غیر طبیعی است. آنچه باید روی آن تکیه و برای آن تلاش کرد، این است که این حرکت‌ها و این پیشرفت‌ها در سایه‌ی عدالت اجتماعی انجام بگیرد تا جوانان و همه‌ی مردم بخش‌های گوناگون ایران بتوانند از امکانات این کشور استفاده کنند.

من بار دیگر شما مردم عزیز و همه‌ی مردم کشورمان را دعوت می‌کنم که در تجربه‌ی انتخابانی که در پیش است، فعالانه شرکت و حضور پیدا کنید. شخصیت‌های صالحی که به شما معرفی می‌شوند، آنها را به تناسب اهداف والا این ملت و این انقلاب و این نظام انتخاب کنید. با پشتوانه‌ی آرا مردمی باید دولتی سرکار بیاید که با قدرت گره‌ها را باز کند و کارهای بزرگ را انجام دهد؛ کارهایی که در نیمه‌ی راه است و باید با تلاش مضاعف و با جد و جهد به نتیجه برسد، آنها را به نتیجه برساند. کشور ما می‌تواند ملتی بزرگتر از آمار کنونی ملت ما را هم اداره کند؛ می‌تواند خود را در سطح بالایی از پیشرفت و توسعه در میان ملت‌های عالم قرار دهد؛ و همچنان که در سند چشم‌انداز بیست ساله اعلام شده است، می‌تواند از جهات مختلف رتبه‌ی اول را در منطقه حائز شود. اینها توانایی‌های ملت ماست؛ اینها را ملت ما به برکت وحدت کلمه، به برکت پرچم برافراشته‌ی اسلام، و به برکت ایمان عمیقی که در دل‌های شماست، تا کنون به‌دست آورده است و باز هم می‌تواند پیش برود و به چشم‌انداز زیبا و شایسته‌ی ملت ایران دست پیدا کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

من از این‌جا شروع کنم که جوانان در ایران اسلامی کنونی ما - شاید در جاهای دیگر هم همین‌طور باشد؛ من نمی‌توانم از لحاظ علمی اظهارنظری بکنم؛ اما آن چیزی که به تجربه و شناخت از نزدیک به آن رسیده‌ام، در مورد جوان ایرانی کنونی ماست - آرزوهایش خلاصه نمی‌شود در پیدا کردن خانه و همسر و شغل؛ این، همه‌ی آرزوهای یک جوان نیست. البته اینها نیازهای یک جوان است و دوست دارد تامین شود؛ اما فراتر از این، آرزوهای بزرگتری هم به‌طور طبیعی در جوان ما وجود دارد؛ بخشی مربوط به طبیعت جوانی است - که آرمانگرایی در آن وجود دارد - بخشی مربوط به آرزوهایی است که نظام جمهوری اسلامی برای ملت و آینده‌ی ما ترسیم کرده؛ برخی شاید بر اثر پیشرفت‌هایی است که تاکنون با تجربه به دست آمده؛ برخی هم بر اثر ناکامی‌هایی است که وجود دارد. جوان ما وقتی تبعیض را در جامعه می‌بیند، آرزوی عدالت اجتماعی در دل او شعله می‌کشد. جوان ما وقتی فساد را در بخشی از دستگاه‌های مجموعه‌ی نظام مشاهده می‌کند، میل به مبارزه با فساد و آرمان ریشه‌کنی فساد در درون او شکل می‌گیرد و او را به حرکت وادار می‌کند. به این دلایل، کمال‌جویی و آرمان‌خواهی در جوانان ایران اسلامی ما وجود دارد. جوان چه می‌خواهد؟ جوان ما مایل است در کشوری که خانه‌ی اوست، فقر و عقب‌افتادگی و بدبختی نباشد؛ امنیت و عزت و افتخار وجود داشته باشد؛ صفا و محبت و روشن‌بینی بر فضای زندگی حاکم باشد؛ میدان کار و تلاش و پیشرفت در برابر او باز باشد؛ احساس پوچی نکند؛ هدف روحی و معنوی و الایلی که در دل هر انسانی هست، بتواند آن را اشباع کند. این یک ترسیم کلی از آرمان‌هایی است که قاعدتاً یک جوان ایرانی دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

یک دسته کسانی هستند که توسعه و رشد و پیشرفت علم و میدان رقابت و آزاداندیشی و امثال اینها را می‌خواهند، اما راه آن را در تقلید مطلق از الگوهای غرب جستجو می‌کنند؛ فکر می‌کنند «ره چنان رو که رهروان رفتند». رهروان چه کسانی هستند؟ فعلاً اقلیتی در دنیای امروز، که عبارتند از کشورهای غربی؛ شامل اروپا و کشور ایالات متحده امریکا و بعضی از کشورهای پیشرفته‌ی دیگر. من بعد برمی‌گردم و به این بخش بیشتر می‌پردازم.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

در تجربه‌ی غربی، عدالت اجتماعی و حتی دموکراسی واقعی نیست. شما ببینید امروز در کشورهای پیشرفته‌ی غربی - به قول خودشان - اپوزیسیون به معنای واقعی کلمه وجود ندارد؛ اختلاف بر سر این است که به عراق حمله کنیم یا نکنیم؛ حزب کارگر در انگلیس معتقد به حمله است، حزب محافظه‌کار معتقد است که نه، حمله نکنیم. در فرانسه، فلان آقا معتقد است که با اسرائیل این‌طوری برخورد کنیم؛ دیگری معتقد است که نخیر، آن‌طوری برخورد کنیم. در اتریش و جاهای دیگر هم همین‌طور است. دعوا بر سر این نیست که اصول پذیرفته شده‌ی آن کشورها مورد خدشه قرار بگیرد و خدشه‌کننده اجازه داشته باشد در صحنه‌ی انتخابات یا تبلیغات وارد شود یا به او اعتنایی بشود؛ این‌طوری نیست. در دوره‌ی قبل ریاست‌جمهوری امریکا شخصی که جزو دو حزب معروف امریکا نبود، آمد وارد صحنه شد؛ ثروت زیادی هم داشت و پول زیادی هم خرج کرد؛ اما مطلقاً نگذاشتند به مراحل مقدماتی و ابتدایی انتخاب هم برسد؛ با شیوه‌های گوناگون و روش‌های خاص، او را از صحنه خارج کردند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

یک‌روز در آغاز گشایش دروازه‌ی زندگی غربی به روی ایران - که پیشرفت بود، علم بود، ماشین بود و ایرانی‌ها هیچ چیز نداشتند - سیاستمداران و متفکران و نخبگان آن روز ما به جای این‌که وقتی آن پیشرفت‌ها را دیدند، به فکر جوشش از درون باشند - کاری که امیرکبیر در زمان ناصرالدین شاه کرد و می‌خواست بکند - شصت سال، هفتاد سال بعد از زمان امیرکبیر، آقایی در دوره‌ی مشروطه پیدا شد که گفت راه نجات کشور ایران این است که جسم، روح، ظاهر و باطناً فرنگی

شود! به جای این‌که برای جریان عقب‌افتادگی‌ها به درون مراجعه کنند و گوهر خویش را جستجو کنند، به جای این‌که خویش را در خویش پیدا کنند، رفتند سراغ این‌که خود را در راه طی شده‌ی اروپا پیدا کنند! آنها این اشتباه را کردند. بعد هم رژیم پهلوی به‌وسیله‌ی خود انگلیسی‌ها روی کار آمد و پس از آن، امریکایی‌ها جای انگلیسی‌ها را گرفتند. بهترین انتخاب برای امریکا و انگلیس، رضاخان و محمدرضا بودند؛ چون همان نقشه‌ها، همان فرهنگ، همان وابستگی، همان عقب‌افتادگی و همان سرپوش گذاشتن بر روی استعدادهای درونی که غرب مایل بود، در کشور به دست کسانی اجرا می‌شد که بظاهر ایرانی بودند. امروز خطاست که جوان ما بخواهد آن راه را طی کند. آن راه، راه خطایی است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

من يك وقت در جمع دانشجویی دیگری گفتم هیچ ننگمان نمی‌کند که علم را از غربی‌ها و اروپایی‌ها یاد بگیریم؛ اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی می‌کنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم. ما نمی‌خواهیم مثل استخری باشیم که آبی را در ما سرازیر کند و هر وقت هم خواستند، آب را بکشند یا اجازه ندهند بیاید، یا هرگونه آب آلوده‌یی را در این استخر بریزند. ما می‌خواهیم مثل چشمه‌ی جوشان باشیم؛ می‌خواهیم از خودمان بجوشیم؛ می‌خواهیم استعدادهای خود را به‌کار بگیریم. من به‌هرا نگاه می‌کنم، امکان به‌کارگیری این استعدادهای ما می‌بینم. فقط هم پیشرفت در انرژی اتمی است که مردم در جریان آن قرار گرفته‌اند و می‌دانند در این بخش چه اتفاقی افتاده است؛ يك نمونه‌ی دیگر، بحث سلول‌های بنیادی است که حیرت بینندگان خارجی را برانگیخت. نمونه‌های فراوان دیگری هم وجود دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

چرا ما راه دیگران را برویم؟ چرا از خودمان غافل شویم؟ ما می‌توانیم؛ ما پیشرفت کرده‌ایم؛ يك نمونه‌اش جامعه‌ی دانشگاهی ماست. قبل از انقلاب، مرد خیری به نام مرحوم افضل‌پور - که من از ایشان تجلیل می‌کنم؛ شنیده‌ام همسر ایشان حیات دارند، که از همین‌جا به همسر ایشان که به مرحوم افضل‌پور کمک کرده‌اند، سلام می‌کنم - با پول خودش و به قدر توانش، مرکز تحصیلات دانشگاهی کوچکی درست کرد. يك روز در این استان کمتر از سه هزار دانشجو تحصیل می‌کردند؛ اما امروز کرمان نزدیک به هفتاد هزار نفر دانشجو دارد. جمعیت کشور دو برابر شده؛ خیلی خوب، سه هزار نفر یا شش هزار نفر دانشجو باید داشته باشد؛ اما امروز ما در این استان هفتاد هزار نفر دانشجو داریم. این، توسعه و پیشرفت است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

آرمان‌گرایی جوان ایرانی ما عبارت است از ترسیم آینده‌یی با این خصوصیات. ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند؛ غفلت‌زده و خواب‌آلوده نباشند؛ کشور برخوردار از عدالت باشد؛ برای از فساد باشد؛ طبقه‌ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد - چه اشراف سنتی، چه طبقه‌ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانتهای گوناگون اقتصادی استفاده کنند - برخوردار از قدرت و استحکام سیاسی باشد؛ و همه‌ی اینها الهام گرفته‌ی از معارف دین و اسلام عزیز باشد. اسلام این ظرفیت را دارد که اینها را به ما تعلیم دهد. ما این تجربه را شروع کرده‌ایم. پیشرفت‌های زیادی هم در زمینه‌های مختلف داشته‌ایم که گوشه‌ی کوچکی از آنها را عرض کردم. البته نواقصی هم داشته‌ایم. بدیهی است که ساختن چنین دنیایی، تلاش مستمر لازم دارد. ما با چالش‌های جهانی مواجه‌ایم و دشمن جهانی داریم. نمی‌خواهند بگذارند زیر پرچم دین و معنویت و اسلام، جامعه‌یی با این خصوصیات به‌وجود بیاید. این جامعه، اهداف استکباری را هدف قرار می‌دهد و می‌گوید؛ لذا مخالفت وجود دارد. ما با مسائل گوناگونی در عرصه‌ی کشور مواجه هستیم؛ چه مسائل خارجی، چه مسائل داخلی. من همیشه به بعضی از دوستان که می‌آیند سوالی می‌کنند و چیزی می‌گویند، می‌گویم میدان مبارزه است. ما يك روز با رژیم طاغوت مبارزه می‌کردیم و طرف مقابل ما پلیس شاه بود؛ امروز با نظام قدرت‌طلب خونی‌ترین جهانی داریم مبارزه می‌کنیم. مبارزه مشکلاتی دارد؛ این مشکلات را باید تحمل کنیم و به جان بخیریم. بنده خودم برای تحمل مشکلات آماده هستم؛ در هر مسوولیتی که باشم. ملت ما هم نشان داده‌اند که آماده‌اند؛ همان‌طور که یکی از برادران عزیز ما الان گفت. ملت ما امتحان خوبی داده‌اند. مبارزه، سختی دارد؛ عقب‌نشینی و پیشرفت دارد؛ اما همه چیز باید با حساب و کتاب باشد. در جنگ، عقب‌نشینی هم گاهی تاکتیک است. عقب‌نشینی غیر از فرار است؛ نباید فرار کرد؛ نباید منهزم شد. عقب‌نشینی تاکتیکی یکی از فنون جنگ است؛ مثل پیشروی تاکتیکی است. فرار یعنی عقب‌نشینی بی‌نقشه؛ کما این‌که پیشروی بی‌نقشه هم منجر به شکست خواهد شد. همه‌چیز باید با میزان و با حساب باشد؛ منتها در جهت حرکت به جلو. بنده نهضت عدالت‌خواهی را مطرح کردم؛ فضای در کشور به‌وجود آمد و جوان‌های ما به این مساله علاقه‌مند شدند. این معنایش این نیست که ما از اول انقلاب نهضت عدالت‌خواهی نداشتیم - چرا، انقلاب بر پایه‌ی عدالت است - اما این تجدید مطلعی شد و روح تازه‌یی در جوان‌ها به‌وجود آورد و همت آنها را برانگیخت. همچنین آزادفکری و تولید علم و امثال اینها آرمان جوان است و برای این‌که به این آرمان برسند، به علم و فعالیت سیاسی منظم و صحیح و کسب تجربه و دانایی احتیاج دارد. جوان باید در خود دانایی را به‌وجود بیاورد. دانایی، فقط علم آموختن نیست؛ دانایی به اندیشمندی هم ارتباط پیدا می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

الان هم نظام را متهم می‌کنند که می‌خواهد دستگاه را یکدست کند؛ نه، یکدست کردن مطلقا مورد قبول دستگاه نیست. اگر مراد از یکدست کردن این است که همه‌ی کارهای کشور به يك جناح سپرده شود، این چیز غلطی است و بنده هم اصلا اعتقادی به این ندارم. دو جناح مقابل در مجموعه‌ی نظام می‌توانند باشند و فعالیت کنند؛ ولی شرطش این است که به قانون اساسی وفادار باشند. اینها بر کار هم نظارت می‌کنند، با هم رقابت سالم می‌کنند. این مسابقه، پیشرفت به‌وجود می‌آورد و از در بسته بودن تشکیلات گوناگون حکومتی جلوگیری می‌کند؛ این چیز مغتنم و خوبی است.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۴/۰۲/۰۲

البته ما وارد این راه شدیم و قدری هم پیش رفتیم و نتایج آن مقدار پیشرفت را هم داریم مشاهده می‌کنیم. چقدر در این مملکت کار شده است؛ چقدر از لحاظ علمی و فناوری این کشور پیشرفت کرده است؛ چقدر اعتماد به نفس جوانان در میدان‌های مختلف علمی، فناوری و فعالیت‌های گوناگون بالا رفته است. ملتی که به او تفهیم کرده بودند هیچ کاری نمی‌تواند بکند و همه چیز را باید دیگران بکنند و او باید بنشیند و تماشا کند و از آنها گدایی کند، در حال حاضر به احساس استغنا و توانایی رسیده و افق‌های جدیدی را در مقابل خود ترسیم کرده است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما هنوز در اوایل راه قرار داریم و خیلی بیش از این باید پیشرفت کنیم.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۴/۰۲/۰۲

امروز کشور برای کار، میدان وسیعی است. مدیران کارآمد اگر بیایند کار و تلاش کنند و نشاط به خرج دهند، میدان برای کار خیلی باز است. ما می‌توانیم بسیاری از مشکلات مادی جامعه را برطرف کنیم. خوشبختانه در دولتهای قبلی زیربناهای خوبی در کشور فراهم شده و کارهای خوبی صورت گرفته است - این را من بارها گفته‌ام - این کارها را باید به زندگی مردم وصل کنند؛ کاری کنند که مردم طعم شیرین خدماتی را که در کشور انجام می‌گیرد، بچشند؛ در هیچ نقطه‌یی از کشور فقر نباشد - عدالت برقرار باشد - فساد نباشد و افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر طرد شوند و امکان دخالت پیدا نکنند؛ اینها چیزهایی است که ما باید مورد توجه قرار دهیم. مطمئن باشید وقتی نیت من و شما خیر باشد و بخوایم برای خدا کار کنیم و از خدای متعال کمک بخواهیم و آنچه در وسع داریم، انجام دهیم،

یقینا خدای متعال نتیجه‌ی شیرین را لطف خواهد کرد و به حول و قوه‌ی الهی در این آزمایش بزرگ هم ملت ایران سرفراز بیرون خواهد آمد.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۴/۰۲/۱۴

امام ما را به راهی هدایت کرد، هدف‌هایی را برای ما تعریف کرد، شاخص‌هایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی می‌توانیم کابوس فقر و عقب‌افتادگی را از جامعه و ملت خودمان دور کنیم؛ می‌توانیم آرزوی دیرین بشر - یعنی عدالت - را تحقق ببخشیم؛ می‌توانیم به تحقیر شدن ملت‌های مسلمان خاتمه دهیم؛ می‌توانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه - نه با تملق و اظهار دلت - از خودمان قطع کنیم؛ می‌توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم؛ می‌توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، به دست بیاوریم؛ اینها هدف‌های امام است. حرکت امام و انقلاب امام و نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد. امام این راه را به روی ما باز کرد و این هدفها را برای ما تعریف کرد. او با اراده‌ی قاطع و با دست توانای خود، به کمک این ملت، اساسی‌ترین مرحله‌ی این راه طولانی را طی کرد و دنیای اسلام را متحول نمود. مردان خدا این‌طورند؛ علی‌رغم بی‌اعتنایی به زخارف دنیا می‌توانند دنیایی را متحول کنند. عامل اصلی قدرت آنها، بی‌اعتنایی به زخارف دنیاست. مردان خدا نظرشان به همه چیز و همه کس، تابع نظرشان به خداست. مردان خدا به تاریخ روح می‌بخشند، و روح بخشیده‌اند. تاریخ حقیقی و معنوی بشر را مردان خدا نوشته‌اند. شما نگاه کنید؛ امروز با این‌که هزاران سال از دوران ابراهیم و موسی و عیسی می‌گذرد، مفاهیمی که هدیه‌ی آنها به بشریت است، امروز برترین مفاهیم رایج بشری است. امروز اگر سخن از آزادی و کرامت بشر می‌رود، اگر حقوق انسان در جوامع مطرح می‌شود، اگر عدالت و رفع تبعیض همچنان در دنیا یک شعار جذاب است، اگر مبارزه‌ی با فساد و مفسدان و مبارزه‌ی با ظلم و توجه به ایثار و فداکاری در راه حق در چشم بشریت جذاب و شیرین است، به خاطر این است که این مفاهیم را پیغمبران - این مردان خدا - به تاریخ عرضه کردند و آنها را در اختیار بشریت قرار دادند. بنابراین مردان خدا تاریخ را متحول می‌کنند. آنها با امید به خدا و با خشیت از پروردگار، ناممکن‌ها را ممکن می‌کنند. با خوف و رجا مادی و حیوانی نمی‌شود انسان و انسانیت را متحول کرد. بیم و امید مردان خدا از قبیل بیم و امید اهل دنیا نیست؛ دل‌بستگی آنها به خداست؛ توکلشان به خداست؛ خشیت آنها از نافرمانی خداست؛ آنها همه‌ی قوانین طبیعت را - که دست قدرتمند الهی سررشته‌دار آنهاست - در خدمت هدف‌های خود می‌بینند و با توکل به خدا حرکت می‌کنند؛ لذا دنیایی را متحول می‌کنند. امام بزرگوار ما از زمره‌ی چنین مردانی بود.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه / ۱۳۸۴/۰۷/۲۱

امروز نظام جمهوری اسلامی سر کار است که داعیه‌ی عدالت و مبارزه‌ی با ظلم و دفاع از ارزش‌های والای انسانی را دارد. چنین نظامی اگر بتواند مردم خودش را به اوج علمی برساند، قطعاً برای مستکبران عالم خطر بزرگی را به وجود خواهد آورد؛ این واقعیتی است که امروز وجود دارد.

با توجه به این واقعیت، ما باید دنبال علم و پیشرفت علمی باشیم. البته پیشرفت علمی هم با تقلید حاصل نخواهد شد؛ با ابتکار و شکستن مرزها و پیش رفتن و فتح مناطق ناگشوده، حاصل خواهد شد. وظیفه‌ی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق خیلی سنگین است. به نظر من آنچه بعضی از دوستان در باب اهمیت تحقیقات مطرح کردند، کاملاً درست و متین است. مسوولان دولتی هم باید این پایه و اساس را - که همان تحقیق است - مورد توجه قرار دهند و بدانند که نه علم و نه فناوری، بدون وجود مراکز فعال تحقیقاتی، پیشرفتی نخواهد داشت. هم دانشگاه‌های ما، هم مراکز تحقیقاتی خارج از دانشگاه‌ها باید ان‌شاءالله مورد حمایت و توجه قرار بگیرند.

بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی / ۱۳۸۴/۰۷/۲۴

ما پیش برده‌ایم و توانسته‌ایم در جهت‌هایی که انقلاب برای ما ترسیم کرده، به شکل محسوس پیشروی کنیم. این شوخی است که مراکز قدرت سیاسی دنیا تصریح کنند که ایران به یک قدرت منطقه‌ی تبدیل شده و اگر فلان کار و فلان کار را نکنیم، به یک قدرت جهانی تبدیل خواهد شد؛ این چیز کمی است؟ شما خیال می‌کنید در دنیا فوق مدرن پیشرفته‌ی علمی و این همه ثروت متراکم، این چیز کمی است که یک مجموعه‌ی سیاسی به نام دین و معنویت و عدالت و با پشتیبانی مردم به وجود بیاید و چنین جایگاه و موقعیتی پیدا کند؟ امروز این اتفاق افتاده است. خیمه‌ی بی‌این‌جا سرپاست، ریسمانها و میخ‌های عمیقی که این خیمه در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملت‌های گوناگون عمق استراتژیک داریم. شماها ان‌شاءالله وقتی در عرصه‌های وسیع‌تر وارد شوید - به کشورها مسافرت کنید، در میان ملت‌ها حضور پیدا کنید - این را بیشتر احساس می‌کنید. الان در کشورهای دنیا، جمهوری اسلامی در دل ملت‌های مسلمان جا دارد. ما به چیزهایی عادت کرده‌ایم. روسای جمهور ایران پا می‌شوند به کشورهای دیگر می‌روند. استقبال مردمی از این روسای جمهور برای هیچ رئیس جمهوری از هیچ کشوری در هیچ نقطه‌ی غیر از کشور خودش متصور نیست؛ این یک واقعیت است. بنده هم که زمان ریاست‌جمهوری به کشورهای بیگانه سفر می‌کردم، همین‌طور بود. رئیس جمهور بعد از من، و رئیس جمهور بعد از او هم به کشورهای مختلف رفتند و ملت‌ها نسبت به آنها اظهار عشق و علاقه کردند. این، هنر این رئیس جمهور نیست؛ هنر این حرکت عظیم است؛ هنر این موج‌آفرینی است؛ هنر هویت شماسات؛ هویت نظام جمهوری اسلامی؛ این شان ماست. ما می‌توانیم پایه‌های غلطی را که قدرت اقتصادی متمرکز متراکم دستگاه‌های شیطانی برای خودشان به وجود آورده‌اند، به چالش بکشیم. در دنیا جنگ راه می‌اندازند، قطعی به وجود می‌آورند و بحران ایجاد می‌کنند. یک سرمایه‌دار ناگهان در چندین کشور بحران مالی به وجود می‌آورد. پادان هست چهار، پنج سال قبل یک سرمایه‌دار یهودی و آمریکایی ساکن اروپا با اسم مشخص و شناخته شده توانست مالزی و اندونزی و فیلیپین و تایلند را ورشکست کند؟ قدرت پول را ببینید. بنابراین قدرتهای اقتصادی می‌توانند بحران ایجاد کنند. بحران‌آفرینی، جنگ‌آفرینی و ایجاد نظام‌های خشن و قس‌القلب - مثل اسرائیل - کار اینهاست. باید اینها را به چالش کشید. کی می‌تواند یک هویت جمعی بین‌المللی زنده‌ی خسته‌نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی‌گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان یا طراوت دینی. این می‌تواند آن قدرتها را به چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد. ان‌شاءالله در حکومت عدل مهدوی (سلام الله علیه) و (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این کارها انجام می‌گیرد؛ منتها ما هم می‌توانیم مقدماتش را انجام دهیم؛ اگر همت و اراده و ایستادگی و تدبیر داشته باشیم. این کارها، هم ایستادگی و شجاعت و قدرت می‌خواهد؛ هم تدبیر و عقل می‌خواهد. اینها کارهایی که دم‌دستی باشد و بشود همین‌طوری تماشا کرد، نیست؛ اما شدنی است و تا الان هم شده است. نظام جمهوری اسلامی که امروز برایش مساله‌ی هسته‌ی حل شده است - و البته این فقط یک مثال است؛ بارها من این را گفته‌ام - همان نظامی است که روز اولی که به وجود آمد، مستکبران عالم نه تصور می‌کردند و نه اگر تصور می‌کردند، یک موی تنشان راضی بود که این کشور بتواند در زمینه‌های علمی پیشرفت کند. یکی از شما جوانان الان بیان کردند که در اوایل انقلاب ما در دانشگاه‌ها مشکل استاد داشتیم، مشکل پزشک داشتیم، مشکل متخصص داشتیم؛ اما امروز کشور از لحاظ علمی پیشرفته است. البته ما نباید همت خود را کم کنیم. مقداری که پیش آمده، نسبت به آنچه باید پیش می‌آمد، و نسبت به توانایی ما خیلی کم است.

بیانات در دیدار مردم استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

آنچه مورد توجه مسئولان کشور است، سرعت بخشیدن به سازندگی همه‌جانبه‌ی کشور است؛ اما در کنار این معنا، محور اصلی شعارهای نظام اسلامی، استقرار عدالت، رسیدگی به مشکلات مردم، تسهیل زمینه‌های رشد و پیشرفت ملت ایران، و ساختن کشور آنچنان که مناسب حاکمیت اسلام و شعارهای اسلامی است، می‌باشد. این، آن چیزی است که مسئولان در پی آن هستند؛ این هدف بزرگی است و تلاش زیادی لازم دارد و بحمدالله امکان این تلاش هم

هست و این تلاش شروع هم شده است؛ و چه در این دولت، و چه در دولتهای قبلی، خدمات فراوانی هم در این زمینه انجام گرفته؛ یعنی ملت و کشور به راه افتاده است. يك روزی ما در سطح دنیا و منطقه، از لحاظ همه‌ی شاخصهای پیشرفت، در پایین‌ترین سطوح بودیم؛ این ملت بزرگ، این ملت با فرهنگ، این کشور سرشار از منابع خداداده، در میان ملت‌های دیگر هیچ برتری نداشت و علاوه بر این، مسئولان کشور با بی‌غیرتی تمام، سرسپردگی قدرتهای دخالت‌کننده‌ی بیگانه را پذیرفته بودند و این ملت بزرگ را در قوف و عمل تحقیر می‌کردند. حرکت انقلاب و حرکت نکان‌دهنده‌ی ملت ایران در طول این بیست‌وهفت سال، وضع را بکلی برگرداند و امروز ملت ایران، حداقل در سطح دنیای اسلام، يك ملت الهام‌بخش است. خوشبختانه شاخصهای پیشرفت بر حسب اظهارنظر کارشناسان و متخصصان مطلع و وارد، شاخصهای خوبی است و در همه‌ی زمینه‌ها رو به جلو و ترقی هم هست؛ در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های معنوی، در زمینه‌های مسائل اجتماعی و در زمینه‌های بین‌المللی، شاخصها رو به رشد است. بحمدالله رویکرد مسئولان هم يك رویکرد صحیح و منطبق با مبانی انقلاب است. امروز بار دیگر در دنیای اسلام شعارهای بنیانی انقلاب اسلامی - که از زبان مسئولان کشور صادر می‌شود - ملتها، جوانها، دانشگاهها و قشرهای مختلف مردم را مجذوب خود می‌کند و انسان این را امروز در دنیا مشاهده می‌کند.

بیانات در دیدار مردم استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

امروز شما ملت ایران بافته‌ی نظری غرب را زیر سوال برده‌اید؛ غریبها پایه‌ی کار خودشان را بر دین‌زدایی قرار داده بودند و می‌گفتند با دین نمی‌شود جلو رفت؛ شما این را باطل کردید. معلوم شد دین نه فقط مانع پیشرفت نیست، بلکه تشدیدکننده‌ی نیرو و تقویت‌کننده‌ی حرکت به سمت جلوسست؛ این را ملت ایران ثابت کردند. غریبها می‌گفتند کارها بایستی با نظر مردم انجام بگیرد؛ شعار دموکراسی می‌دادند؛ اما عملاً حزب‌بازهای غربی - که نمونه‌هایش را در خیلی از کشورهای دنیا؛ کشورهای معروف و بزرگ غرب مشاهده می‌کنید - نقش مردم را کم‌رنگ کرد. شما نشان دادید که دموکراسی واقعی، «مردم‌سالاری دینی» است؛ مردم می‌بینند، می‌شناسند، تشخیص می‌دهند، دوست می‌دارند و رای می‌دهند؛ یعنی خود مردم هستند و احزاب، نقش ضعیفی دارند؛ نقش حقیقی مال خود مردم است؛ مردم هستند که اراده می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. از اول انقلاب تا امروز، انتخاباتهای گوناگون، حضور مردم را نشان داده و نقش آن را مسجل و مشخص کرده است. من در پایان، باز جمله‌ای را راجع به همین انتخاباتی که در پیش رو داریم، عرض خواهم کرد. شما با عمل خودتان، عنصر دین، ایمان، عدالت و صدق را در معادلات جهانی وارد کردید، در حالی که صداقت و راستگویی در معادلات سیاسی دنیا گمشده است. هیچکس از يك سیاستمدار توقع ندارد که راست بگوید؛ می‌گویند راست می‌گویم، اما خودشان هم می‌دانند که همین حرف هم دروغ است. صدق و صفا و راستگویی، عدالت‌طلبی، شعار طرفداری از محرومان و مستضعفان، به عنوان ادبیات سیاسی و به وسیله‌ی مسلمانها و ملت مومن ایران در معارف جهانی وارد شد. آنها دعوی حقوق بشر کردند، دعوی مبارزه‌ی با تروریسم کردند؛ اما ملت ایران با ایستادگیهای خود، با افشاگری خود و با حضور خود، بسیاری از این ادعاها را باطل کرد و نشان داد که آنها دروغ می‌گویند.

بیانات در دیدار مردم استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

ما باید اتحاد خودمان را قدر بدانیم؛ وحدت ملی باید قدر دانسته بشود؛ این، خیلی نعمت بزرگی است. امروز ملت ایران متحدند. امروز پرچمهای گوناگون سیاسی و حزبی و خطی و فرقه‌ای و غیره، همه در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و پرچم عمومی ملت قرار دارند و اگر اهتزاز این پرچم اصلی است. این، خیلی نعمت بزرگی است. دینداری شما نعمتی است؛ نشاط شما نعمتی است؛ این طبقه‌ی جوان وسیع کشور بزرگترین نعمت است. این نعمتها را باید قدر دانست. و توصیه‌هایی در زمینه‌ی کار و تلاش و تحصیل و پیگیری علم هست که عرض خواهیم کرد. به هر حال، راه پیشرفت روزافزون ملت ایران و رسیدن به آن قله، همان راهی است که از پایینها تا اینجا ما را رسانده؛ ادامه‌ی راه هم همین‌طور است.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

آنچه که ما در تحول، تحولی که با پیشرفت همراه است، مورد نظرمان است - که جا دارد که این جزو آرمانهای ما باشد - مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با تبعیض، مبارزه‌ی با بیماری، مبارزه‌ی با جهل، مبارزه‌ی با ناامنی، مبارزه‌ی با بی‌قانونی.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

اقتداری که مبتنی بر ظلم به ملت‌های دیگر و به بهای پسرقت ملت‌های دیگر باشد، پیشرفت و تحولی که در خدمت يك طبقه‌ی خاص - طبقه‌ی سرمایه‌دار - باشد، که امروز در کشورهای غربی این‌طور است، مورد نظر ما نیست. ثروت این کشورهایی که زیاد است، یعنی درآمد عمومی‌شان زیاد است - به تعبیر رایج، درآمد ناخالص ملی - چگونه توزیع می‌شود؟ به هر کس چقدر و در مقابل چه مقدار کار، می‌رسد؟ معمولاً اینها را نگفته می‌گذارند. برای کسب معاش، زن و شوهر روز و شب کار کنند و توان نداشته باشند تا بتوانند زندگی خودشان را بگذرانند، اما در مقابل سرمایه‌داران بزرگ - راکفلرها و فوردها و آنهایی که حالا جدیداً در این میدان وارد شده‌اند - کوههایی از ثروت داشته باشند که نتوانند محاسبه کنند؛ اینها مورد نظر ما نیست. پیشرفتی که در خدمت طبقه‌ی سرمایه‌دارها باشد، پسرقت است. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست.

بیانات در دیدار مردم شاهرود / ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه‌ی اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکند. همه‌ی انسانها بتوانند در آن با توان خداداده‌ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت‌گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند.

در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده‌ی مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در يك چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم.

تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد. در روشهای پیچیده‌ی مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه‌ی معنوی روزبه‌روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات زوددسترس، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن - یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته - مردم شب و روز نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد.

تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه‌ی مردم با یکدیگر؛ این خصوصیات نظام اسلامی است. ما اینها را با صدای بلند از اول انقلاب در سطح عالم مطرح کردیم و دل‌های فراوانی از مسلمانان و غیر مسلمانان هم به اینها جلب شده است.

پشتوانه‌ی عزت ملت ایران اینهاست. یعنی متفکر مسیحی و سیاستمدار غیر مسلمان - احیانا ملحد - در مجامع جهانی، در برخورد با تفکرات نظام جمهوری اسلامی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این، بارها و بارها مشاهده و دیده شده است. ما می‌خواهیم در کشورمان این تفکرات والا را پیاده کنیم. برادران و خواهران عزیز! این، کار و تلاش لازم دارد؛ این، مردان مومن و فداکار و شجاع لازم دارد؛ این، پیوند روزبه‌روز افزاینده‌ی میان ملت و دولت را لازم دارد. دشمنان این کشور و ملت، و دشمنان رسیدن به آن اهداف، این نقاط را هدف می‌گیرند. برای اینکه پیوند میان مسئولان و مردم را ضعیف کنند، برنامه‌ها طراحی می‌کنند؛ برای اینکه اراده‌ی مسئولان کشور را سست کنند، برنامه‌ها طراحی می‌کنند. در چند سال گذشته، صریحا دستگاه‌های تبلیغاتی غرب گفتند و تکرار کردند که در صد اینند که در مجموعه‌ی مدیریت نظام جمهوری اسلامی اختلاف بین‌اند؛ دودستگی و دو جریانی درست کنند؛ خودشان این را اعتراف کردند. و بحمدالله موفق نشدند. جوان ما را از فکر آینده و همت گماشتن برای بنای آینده، به سمت شهوات سوق بدهند؛ برای این برنامه‌ریزی می‌کنند. دل‌های مردم ما را که در سایه‌ی امید می‌توانند این راه طولانی و دشوار، اما شوق‌برانگیز را طی کنند، ناامید کنند؛ دل‌پیشان را از امید خالی کنند. اینها جزو برنامه‌هایی است که دشمن طراحی می‌کند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

وقتی نگاه می‌کنیم، برای دهه‌ی چهارم - برای این ده ساله که پیش روی ماست - دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتما بدست بیاوریم: یکی پیشرفت و دیگری عدالت است. ما مثل بعضی از کشورها و نظام‌های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم. خیلی از کشورها هستند که از لحاظ علمی پیشرفت کرده‌اند و به آمارها و شاخص‌های اقتصادی آنها که نگاه می‌کنیم، ملاحظه می‌کنیم که مثلا درآمد سرانه‌ی آنها خیلی هم بالاست؛ اما مسئله‌ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم می‌شود؛ این آن نکته‌ای است که نظام‌های غیر الهی و نظام‌های رونوشته‌ی از نسخه‌های استکباری، دیگر به آن توجه نمی‌کنند. ما نمی‌توانیم توجه نکنیم؛ ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات - از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت. باید فواصل طبقاتی کم بشود. باید آن کسانی که برای تحرک استعداد دارند، فرصت‌های برابر دریافت کنند؛ اگر کسی تنبلی کرد، تنبلی‌اش به گردن خودش. نباید اینجور باشد که در برخی از مناطق کشور مجال برای تلاش علمی یا تلاش اقتصادی نباشد، اما بعضیها از منابع و از امکانات کشور به طور بی‌نهایت بتوانند استفاده کنند؛ نه، هنر این نیست. مطالبه‌ی ملت از دولتها، از مجالس پی‌درپی شورای اسلامی، از قوه‌ی قضائیه و از همه‌ی مسئولان باید این باشد. کشور باید پیشرفت کند؛ پیشرفت در همه‌ی بخشها؛ پیشرفت در تولید ثروت، افزایش بهره‌وری، عزم و اراده‌ی ملی، اتحاد ملی و نزدیکی فشرده‌ی مختلف به یکدیگر، دستاوردهای علم و فناوری، اخلاق و در معنویت، کم کردن فاصله‌ی طبقاتی و در رفاه عمومی، انضباط اجتماعی، در بوجود آمدن وجدان کاری در یکایک آحاد ما مردم، پیشرفت در امنیت اخلاقی، آگاهی و رشد سیاسی، پیشرفت در اعتمادبه‌نفس ملی - که من چند ماه قبل مسئله‌ی اعتمادبه‌نفس ملی را اعلام کردم؛ ملت باید به خود اعتماد داشته باشند و بدانند که می‌توانند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که دشمنان این ملت در طول سال‌های متمادی خواستند به ما تلقین کنند و بگویند و ثابت کنند که نمی‌توانید - پیشرفت در همه‌ی این زمینه‌ها لازم است؛ اما همه‌ی این پیشرفت‌ها باید در سایه‌ی عدالت و در کنار تامین عدالت باشد.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

ممکن است بعضی از صاحب‌نظران و به اصطلاح تئوریسین‌های اقتصادی بگویند: نمی‌شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنید، ناچار باید فاصله‌ی طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجاست که ما «نوآوری» را مطرح می‌کنیم. نباید خیال کنیم که نسخه‌های اقتصادی غرب، آخرین حد دستاورد بشری است؛ نه، این هم یک نسخه‌ای است، دوره‌ی آن دارد؛ آن دوره طی می‌شود و فکر تازه و فکر نویی به میدان وارد می‌شود؛ بگردید آن فکر نو را پیدا کنید؛ شاخص باید این باشد. ما می‌خواهیم کشور ثروتمند بشود؛ ما می‌خواهیم سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی در کشور عمومیت پیدا کند. امروز افراد زیادی در کشور ما هستند که از ثروت برخوردار اند؛ این ثروت را می‌توانند در سرمایه‌گذاری‌های سودمند و افتخارآفرین به کار بزنند؛ هم برای خودشان سود دارد، هم برای مردم سود دارد و هم مایه‌ی رضای خدا می‌شود؛ سرمایه‌گذاری ثروتمندان در کارهایی که به تولید کشور و به افزایش محصول در درون کشور - با بهره‌دهی بالا - منتهی می‌شود، یک عبادت و یک ثواب است. این راه باز است؛ می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، تولید ثروت کنند؛ مدیریت کشور هم مراقبت کند که همه‌ی طبقات برخوردار بشوند و طبقات ضعیف هم بتوانند از فرصت‌ها استفاده کنند تا از ضعف خارج بشوند؛ همه توانایی پیدا بکنند. ما در این سی سال خیلی جلو رفتیم. تا اینجا دشمن ما مغلوب شده است؛ تا این ساعت و این روز دشمنان ملت ایران - یعنی شبکه‌ی شیطانی صهیونیسم و رژیم مستکبر امریکا - از ملت ایران شکست خورده‌اند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

در دهه‌ی اول، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه‌ی شصت، یعنی الگوی گرایش‌مند به سوسیالیسم میدیدند. هر کس هم مخالفت میکرد، يك تهمت، لکه‌ای، چیزی متوجهش میکردند. يك عده‌ای از مسئولین، دست‌اندرکاران، فعالین عرصه‌ی کار در جمهوری اسلامی، نگاهشان نگاه حاکمیت دولت و مالکیت دولت بود؛ خوب، این نگاه، نگاه غلطی بود. نگاه به پیشرفت کشور از زاویه‌ی دید تفکر شرقی سوسیالیستی چپ محسوب میشد؛ این غلط بود. البته غلط بودن این خیلی زود فهمیده شد، حتی آن کسانی که آن روز مروج همین دیدگاه بودند، ناگهان صد و هشتاد درجه برگشتند! آن افراط به يك تفریط حالا تبدیل شد.

يك برهه‌ای از زمان، نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آنها رفتند، اینها هم باید بروند؛ تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمیدیدند؛ در حد همین کشورهایی مثل کره‌ی جنوبی میدیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت يك گفتار عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، نقشه‌ی پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه‌ی پیشرفت به شیوه‌ی غربی، امروز مخصوص ملت‌های شرق نیست، مخصوص ما نیست؛ خود اندیشمندان غربی، خود فرزندان غربی، زبان به انتقاد گشوده‌اند؛ هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های اخلاقی، هم در زمینه‌های سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار میکردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد انتقاد است؛ پس این هم نقشه‌ی پیشرفت نیست. امروز ما اینها را میدانیم. البته نقشه‌ی پیشرفت اسلامی - ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه‌ی اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم.

خوب، این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافکنده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحرانهایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحرانه‌ی گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

يك عنصر دیگری که باز با جوانها باید در میان گذاشت، مسئله‌ی تدین است. جوانهای عزیز! تدین، رعایت دینی، در حد وسع و امکان، این مایه‌ی توجهات الهی است؛ مایه‌ی توفیقات انسانی است؛ مایه‌ی پیشرفت است؛ این را دست کم نگیرید. من میخواهم بگویم شما اگر فلان فرمول ریاضی، یا فلان عنصر شیمیایی، یا

فلان اختراع را به وجود می‌آورد یا کشف می‌کنید و پیدا می‌کنید و حل می‌کنید، در همان حال توجه‌تان به خدا، به شما کمک خواهد کرد. اولاً خدای متعال مدد میکند شما را؛ کارها دست خداست. شاید گفته باشم من، آن روزی که همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی را جوانهای ما داشتند دنبال میکردند و کشف میکردند، خدا رحمت کند مرحوم مهندس کاظمی، رئیس این موسسه‌ی رویان آمده بود با همان جمع پیش من گزارش میداد. گفت من تلفن کردم که ببینم مهندس جوانی که مشغول تعقیب این قضیه بود، کار را به کجا رسانده - چون مثلاً دیروز گفته بود که فردا کار را تمام میکنیم - خانمش بود، گوشی را برداشت و گفت آقای مهندس آن نقطه‌ی آخر را توانسته پیدا کند و افتاده به سجده، دارد گریه میکند. وقتی مرحوم مهندس کاظمی این قضیه را میگفت، هم خودش گریه‌اش گرفت، هم آن جوان که در مجلس بود، گریه‌اش گرفت. بنا کردند گریه کردن. نقش معنویت را دست کم نباید گرفت.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

البته فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاقول عدالت باشد. بدون عدالت هر تلاش اقتصادی به ضرر منتهی خواهد شد. عدالت هم معنایش این نیست که ما سرمایه‌گذاری نکنیم یا به سرمایه‌گذار اجازه‌ی سرمایه‌گذاری ندهیم. این تصورات غلط آن افرادی است که آن روز خودشان را طرفدار عدالت معرفی میکردند. نه، کارآفرینی هم یک خیر است، یک عبادت است، یک کار بزرگ است که باید انجام بگیرد. مسئله، صحیح مدیریت کردن این مجموعه است. مدیریتهای کشوری، مدیریتهای دولتی چه در بخش تقنین، چه در بخش اجرا، چه در بخش قضا، بایستی مدیریت کنند تا تجاوز از حق انجام نگیرد؛ تجاوز از حقوق انجام نگیرد؛ تعرض به یکدیگر انجام نگیرد؛ این کاروان با همه‌ی اجزای خودش ان‌شاءالله به پیش برود.

پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۷/۰۲/۰۷

آغاز این مجلس با ورود در دهه‌ی چهارم انقلاب همزمان شده است. در این دهه، گفتمان اصلی انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همه‌ی ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی، و عدالت همه‌جانبه در توزیع فرصتها و امکانات مادی و معنوی. عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعدادهاي بیشتر پراکنده در میان ملت، معطوف سازد و ظرفیتهای تولید و خلاقیت و درخشش تواناییهای گوناگون در همه‌ی زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند. و عنصر عدالت باید نابخوردار از فرصتها و تواناییهای کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد. مجلس که پدیدآورنده‌ی نرماقزار اصلی حرکت کشور است باید لحظه‌ی از این تکلیف غفلت نورد.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

در وصیت‌نامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سال حیات پربركتش منتشر و گسترده است و برای ملت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملت است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که سالهای متمادی دشمنان اسلام تبلیغ میکردند. دشمنان اسلام اینجور وانمود میکردند که دینداری با پیشرفت منافات دارد؛ با هم سازگار نیست. اگر ملتی بخواهد پیشرفت پیدا کند، باید از دین دست بکشد، باید برود به دامن غرب و خود را سر تا پا به رنگ غربی در بیاورد تا بتواند پیشرفت کند. این را به عنوان یک باور در طول ده‌ها سال به ملت ایران تلقین کرده بودند. امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه‌ی خود تاکید میکند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو است، روح پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد.

امروز ملت ایران خود را باور دارد؛ در میدان علم وارد میشود، در میدان سیاست وارد میشود، در هر میدانی که ملت ایران بجد وارد میشود، در صفوف مقدم ملتها قرار میگیرد. وضع امروز ملت ما در نوآوریهای علمی، در قدرت سیاسی، در عزت بین‌المللی، با دوران قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ این ملت بیدار شده است، زنده شده است؛ این به خاطر انقلاب است. این روح انقلابی، هر چه در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی را ترسیم کرد. ملتها تصور میکردند یا باید عقب‌مانده بمانند یا باید غرب‌زده شوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غرب‌زده هم نشود؛ اما راه ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند؛ ملت ایران این راه را طی کرده است. جوانهای عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشورتان، هر چه میتوانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود میتوانید همه‌ی موانع را از سر راه بردارید.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

در وصیت‌نامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه‌هایی که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ی آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشا، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه میکنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهنوایی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمیهای گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است.

مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خود آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب‌نگهداشتن ملت است. همه‌ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.

یک نکته‌ی اساسی دیگر در وصیت‌نامه و در بیانات امام، مسئله‌ی مواجهه‌ی با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه‌گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده‌اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه‌گری برای آنها آسانتر شده است. لذا می‌بینید آمریکائیا نسبت به همه‌ی جهان ابراز طمع‌ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه‌ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملتها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگویی و گردن‌کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد؛ یک برخورد، تسلیم است؛ یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق میکند. تسلیم ملتها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگوییهای استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگویی بیشتر است. برای ملتها یک راه حقیقی بیشتر باقی نماند و آن مقاومت است. اگر یک ملتی میخواهد شر زورگویی زورگویان - و امروز شر آمریکا - را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگویی آمریکا با قدرت و صلابت تمام بایستد.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

راه این ملت بزرگ ما که پرورده‌ی بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلا و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملی را در همه‌ی عرصه‌ها حفظ کند. این ملت می‌تواند به اوج اعتلا برسد، که وقتی يك ملت قوی شد، اعتلا مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمیکنند. اگر ملت ما می‌خواهد به امنیت کامل برسد، اگر می‌خواهد دشمنان دیگر جرات تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را می‌خواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزشهای اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان‌بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان‌بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه‌ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان‌بندی مستحکم نظام اسلامی‌ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم. من خدا را شکر میکنم که در طول این سی سال، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند به قدر وسع خودشان این راه را دنبال کنند، تعقیب نکنند. البته کم و زیاد داشته است، افت و خیز بوده است؛ در يك دوره بهتر، در يك دوره کمتر، اما این حرکت به طور مستمر ادامه پیدا کرده است تا امروز، و به توفیق الهی به همت شما مردم، بخصوص به همت شما جوانها، این راه همچنان تا پیروزی نهائی ادامه پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

مطلب بسیار مهمی که باز می‌خواهم عرض بکنم - در ادامه این توصیه‌ها - این است که این دهه‌ای که ما در پیش رو داریم، دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. این دو شعار، شعار دهه‌ی آینده است؛ پیشرفت، عدالت. نه اینکه تا حالا پیشرفت نکرده‌ایم، نه اینکه تا حالا بکلی به عدالت بی‌اعتنائی شده باشد؛ نه، ما می‌خواهیم در این دهه يك پیشرفت جهشی همه‌جانبه و يك عدالت‌گستری وسیع همه‌جانبه اتفاق بیفتد. خوشبختانه زمینه‌هایش هم فراهم است. در این دهه، گفت‌وگو، مسئولان کشور بایستی پیشرفت و توسعه باشد؛ پیشرفت و عدالت باشد. البته خوب، بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمیکند؛ این را قبلا هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل میشود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلا تحقق پیدا نمیکند و آن چیزی که انسان تصور میکند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را میگیرد. بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است. اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمیکند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفت‌وگو حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار میکنند، این باشد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

يك نکته‌ی دیگر مسئله‌ی سیاست‌های اصل ۴۴ است. خوب، همه اعتراف دارند که سیاست‌های اصل ۴۴ اگر اجرایی بشود، يك تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - بوجود می‌آید. این هم مسئله‌ی بسیار مهمی است. خوب، حالا آمارهای خوبی داده شد؛ کارهای خوبی هم انجام گرفته. قبل از آن که این قانون اخیر هم تصویب بشود، دولت اقداماتی در این زمینه انجام داده بود، لیکن حالا خوشبختانه قانون هم تصویب شده و در اختیار شماست؛ قوی و کامل. جدی این سیاست‌ها را دنبال کنید. این مسئله‌ی طرح تحول هم که اخیرا دولت مطرح کرده، این هم از همان کارهای بزرگ و از همان کارهایی است که جرئت اقدام به آن کار، خودش با ارزش است. خوب، همه این سرفصلها را قبول کرده‌اند و قبول دارند. همین مسئله‌ی هدفمند کردن پارانه‌ها، واقعا چیز خیلی مهمی است؛ در دولت‌های قبل هم مطرح بوده - بارها صحبت شده بود و گفته شده بود - منتها پیشرفت نمیکرد. یا مشکلاتی که در قضیه‌ی بانکها و مالیات و بیمه و گمرک و سایر چیزهایی که در بخشهای مختلف این طرح تحول وجود دارد، کارهای بسیار بزرگ و مهمی است؛ حتما هم باید انجام بگیرد. من توصیه میکنم در این کار حزم به خرج بدهید؛ یعنی مطلقا نگذارید در این قضیه‌ی بزرگ، شتابزدگی به وجود بیاید. این کار، کار مهم و کار بزرگی است؛ اگر ان‌شاءالله بتوانید این را خوب انجام بدهید، يك قدم بلند برای پیشرفت کشور برداشته‌اید؛ البته اگر خوب انجام نگیرد، آن وقت خطرها و ضررهایی هم دارد. یعنی مراقبت بکنید که هیچ عجله و شتابزدگی نباشد. توقف و ترسیدن از ورود در این میدان را به هیچ وجه توصیه نمیکنم؛ اما نگاه کردن جلوی پا، نگاه کردن به چشم‌اندازهای دوردست و تبعاتی که ممکن است به وجود بیاید و راه جلوگیری از آن تبعات را توصیه میکنم.

پیام به نهمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی، نیازمند فکر روشن و عزم راسخ و شجاعت و اخلاص است، و جوان مومن که میانی جمهوری اسلامی و راه امام بزرگوار را عمیقا پذیرفته است، امید بخش‌ترین نیرویی است که میتواند ملت ایران را در رسیدن به آرزوهای بزرگش یاری برساند. نقشه‌ی راه برای رسیدن به پیشرفت و عدالت در دهه‌ی چهارم را فقط با اذعان به این حقیقت میتوان ترسیم کرد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۷/۰۶/۲۰

ملت ایران در طول این سالهای از آغاز پیروزی انقلاب تا امروز در يك خط مستقیمی حرکت کرده است و این خط مستقیم، خط پایداری بر میانی و اصول اسلامی است. ملت ایران، ملت متجری هم نیست؛ اقتضائات زمان را دانسته است؛ اهل علم، اهل تحقیق، اهل تفحص، اهل فهم است. ملت ما اینجورند. هر دوره‌ای، هر زمانی، اقتضائاتی داشته است و ملت ما بر طبق آن اقتضائات عمل کرده. دوران دفاع مقدس، دوران بسیار سختی بود، ملت یکپارچه وارد میدان دفاع شد؛ جوانها رفتند، پدر مادرها هر کدام به نحوی کمک کردند، نوجوانها به نحوی کمک کردند، طبقات مختلف جامعه، هر کدام به نحوی در این کار بزرگ شرکت کردند. دوران تحقیق و علم و ساختن کشور و بنای کارهای بزرگ، باز مردم ما در هر دوره‌ای، هر چه که لازم بوده است، انجام دادند. در آن وقتی که تهاجم سیاسی دشمنان خارجی ما تشدید پیدا کرده است و سعی کردند به جریانهای مخالف با کشور از طرق مختلف شدت ببخشند، ملت ما در هر میدانی که لازم بوده، حاضر شده است. يك نگاه به این سالهای قبل بیندازیم، آن وقتی که در داخل، ایادی بیگانه سعی میکردند بین مردم اختلاف بیندازند، مردم صدای وحدت و شعارهای وحدتشان را بلند کردند و همبستگی‌های خودشان را به شکلهای مختلف نشان دادند. آن وقتی که دستگاه‌های جاسوسی دشمن به کمک ماهواره‌هایشان سعی کردند يك عده آشوبگر و اغتشاشگر را در خیابانهای تهران و بعضی شهرستانها راه بیندازند، مردم وارد میدان شدند و قبل از آنکه نیروهای موطف به مقابله با اخلاگران بپردازند، خود مردم وارد شدند. آن وقتی که تبلیغات دشمنان در زمینه‌های گوناگون، از جمله در زمینه‌ی هسته‌ای زیاد شد - که دیدید دنیا را پر کردند از تبلیغ علیه جمهوری اسلامی - و لازم بود که مردم از خودشان عکس‌العمل نشان بدهند، حقا و انصافا بهترین واکنشها را در قضایای مختلف نشان دادند. اگر با چشم انصاف به آنچه که يك حرکت ملی میشود نام آن را گذاشت نگاه کنیم، که این مربوط به اکثریت مردم و قشرهای متحرک و فعال مردم است، خواهیم دید که از اول انقلاب و در این سی سال، این ملت زنده در هر زمانی بر طبق آنچه که نیاز کشور بوده است و آنها احساس کرده‌اند، دانسته‌اند که نیاز کشور است، با شوق و رغبت حرکت کردند. از حق و انصاف نباید گذشت که اینجور است و همیشه همینجور بوده است؛ امیدواریم در آینده هم همینجور باشد. و همین موجب شده است که دشمنان ما از فشار آوردن بر ملت ایران و بر مسئولین کشور نتوانند طرفی ببندند و سودی ببرند. تهدید میکنند، حرف میزنند، اما نتوانستند از این تهدیدها، از این تبلیغات علیه این ملت سودی ببرند. ملت بحمدالله راه خودش را ادامه داده است. این راه، راه تکامل و راه پیشرفت است. ما ادعا نمیکنیم که توانسته‌ایم به هدفهای والای این انقلاب - که معارف حقیقی اسلام است - برسیم؛ نه، اما در این راه داریم حرکت میکنیم؛ داریم پیش میرویم. و همان‌طور که عرض کردیم، به توفیق الهی، به‌اندازه‌ی تعالی باید دهه‌ی چهارم این انقلاب - که در نزدیکی آن هستیم - دهه‌ی «عدالت و پیشرفت توامان» باشد؛ یعنی پیشرفت چشمگیر و عدالت

محسوس در سطح کشور. برنامه‌ها را باید اینجور تنظیم کرد. و این، ملت و کشور ما را آسیب‌ناپذیر میکند

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۸۷/۰۷/۰۷

در نظام‌های مادی آبادی وجود دارد؛ یعنی قدر مطلق پیشرفت‌های مادی خوب است؛ اما در مورد همان پیشرفت‌های مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. یعنی شما الان مثلا می‌بینید که در کشور ثروتمندی مثل آمریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما میمیرد، از گرما میمیرد، از گرسنگی میمیرد. طبقه متوسطی در آنجا زندگی میکند که اگر شبانه‌روز، تمام‌وقت، با همه‌ی توان کار نکنند، نمیتوانند شکمشان را سیر کنند. این برای بشر خوشبختی نیست، این برای یک جامعه خوشبختی نیست. بله، تولید ناخالص داخلی‌اش را نگاه کنی، ده برابر یک کشور دیگر است؛ این که دلیل نشد. یعنی حتی در برخورداری‌های مادی هم عدالت نیست، همه‌گیری نیست؛ یعنی همه برخورداری نیستند؛ چه برسد به برخورداری معنوی؛ آرامش روانی نیست، توجه به خدا نیست، تقوا و پرهیزگاری نیست، پاکدامنی و طهارت نیست، گذشت و اغماض نیست، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست؛ و نیست و نیست و نیست. این، آن پیشرفتی نیست که کشور اسلامی و جامعه اسلامی دنبال آن است. آن خوشبختی‌ای که ما برای جامعه اسلامی، برخورداری‌ای که برای جامعه اسلامی قائلیم، فقط این نیست که شما اینجا نگاه میکنید؛ بلکه برخورداری مادی و معنوی. یعنی فقر نباید باشد، عدالت باید باشد، تقوا و اخلاق و معنویت و پرهیزگاری هم باید باشد. این، آن هدفی است که باید دنبال او برویم.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۸۷/۰۷/۰۷

ما گفتیم که در این دهه، آنچه که به عنوان یک هدف و شعار - برای اینکه دنبال کنیم که مرحله‌ای را بگذرانیم - باید مورد توجه قرار بگیرد، «پیشرفت و عدالت» است. این را شعار قرار بدهیم؛ پیشرفت و عدالت، پیشرفت را عرض کردم؛ مقصود، پیشرفت همه‌جانبه است؛ یعنی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی. پیشرفت مادی را هم نفی نمیکنیم. یعنی مطلقا مسئله معیشت مردم، مسئله اشتغال مردم، مسئله پیشرفت‌های علمی و فناوری را مطلقا دست کم نمیگیریم. اینها کاملا مهم است و باید دنبال شود، تا در این زمینه‌ها فقر نباشد، بیکاری نباشد، گرانی و تورم قیمتها نباشد؛ در این تردیدی نیست. اما در کنارش، به این اکتفا هم نمیکنیم، بلکه باید فکر روشن، اعتقاد عمیق، انگیزه روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی در کنار اینها گسترش پیدا کند. همان طور که عرض کردم، از بیراهه‌ها باید ترسید. گاهی اوقات یک چیزها و راه‌هایی را برای پیشرفت پیشنهاد میکنند که بیراهه است. یک نمونه‌اش را گفتیم؛ مثل پیشرفت‌های دوره‌ی پهلوی که حقیقتا بعضی‌اش توقف و بعضی‌اش پسرفت و سقوط بود - که حالا جای تفصیلات در این جلسه نیست؛ چون وقت نیست - آن یک الگو بود که واقعا بیراهه بود؛ به ظاهر دلخوش کردن، غربی‌ها را معیار و ملاک قرار دادن و دنبال آنها حرکت کردن که نتیجه‌اش همین میشود که در آن پنجاه شصت سال شوم و سیاه در دوران پهلوی مشاهده شد. یک نمونه‌ی دیگر از این بیراهه‌ها، نمونه‌هایی است که گاهی ممکن است در زمان ما هم پیدا بشود؛ باید توجه داشت. در این نمونه دوم، اسمی از ظواهر آورده نمیشود، هویت ایرانی و اسلامی هم مثل آنچه که در آن شکل اول دیده میشد، نفی نمیشود؛ لیکن یک حالت نومیدی از تحرك و پیشرفت در این مسابقه در سیاست‌گذاران و سررشته‌داران امور و سخنگویان جامعه مشاهده میشود. یعنی نگاهی که به غرب میکنند، یک نگاه به یک نقطه‌ی والا و دست‌نیافتنی است، اسمش را هم میگذارند واقع‌بینی! میگویند آقا واقع‌گرایان چه‌جست؛ امروز اینها از لحاظ علمی اینقدر جلویند، در زمینه‌های گوناگون این همه پیشرفت کرده‌اند؛ این همه نظریات مختلف در علوم انسانی، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی؛ این همه نظر، این همه فکر، این همه نظریه‌ی نو، ابتکاری ارائه داده‌اند؛ ما کی میتوانیم به گرد اینها برسیم؟ یعنی یک چنین روحیه‌ای در آنها وجود دارد. بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان میکردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از اینها جلو بزیم؛ چرا بیخود زحمت میدهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است. این معنایش این است که یک ملت - حالا ملت ما به عنوان یک نمونه - و ملت‌های گوناگون شرق و ملت‌های مسلمان از جمله، محکوم به این هستند که همیشه دنباله‌رو حرکت غرب و شاگرد دائمی آنها باشند و هیچ وقت از خودشان امید نداشته باشند که بتوانند در آن سطح قرار بگیرند، چه برسد که از آنها جلو بیفتند؛ هرگز چنین روحیه‌ای نداشته باشند. این، یک بیراهه‌ی بسیار خطرناک است که امروز متأسفانه از سوی استاد دانشگاه، از سوی متفکر سیاسی، از سوی بعضی از گویندگان مذهبی ترویج میشود؛ این درست ضد تجربه‌ی طولانی‌مدت بشری است. چرا؟ مگر خدای متعال یک دسته از انسانها را این‌جور آفریده که همیشه باید جلو باشند؟ کدام واقعیت تاریخی این را نشان میدهد؟ مگر همین‌هایی که امروز در دنیا جلو هستند، در چند قرن قبل از این، ملت‌های عقب افتاده‌ی دنیا در همه‌ی مسائل گوناگون نبودند؟ دوران قرون وسطای اروپا مگر از یاد تاریخ رفته؟ دوران قرون وسطی - من بارها گفته‌ام - دوران تاریکی است، دوران جهل و ظلمت است برای اروپا؛ نه برای کشورهای مسلمان، نه برای ایران. همان دورانی که آنها اسمش را گذاشتند دوران جهل و بی‌خبری و ظلمت و خواب، همان دوران در کشور ما و در کشورهای اسلامی، دوران عظمت و پیشرفت علم و فلسفه است و پیشرفت سیاسی و اقتدار سیاسی. این نگاه خطرناکی است. در همین زمینه‌هایی هم که امروز شما مشاهده میکنید که در زمینه‌های علمی در کشورتان پیشرفت وجود دارد، در همین زمینه‌ها هم بالخصوص بعضی‌ها می‌آیند و میگفتند آقا فایده ندارد! ولی جوان مسلمان، جوان ایرانی، با همت، با انگیزه وارد شد و به سطح دیگران رسید و یک جاهانی هم از دیگران حتی جلوتر هم رفت؛ یعنی به نسبت زمانی که صرف کرده اگر ملاحظه کنید، جلوتر هم رفته. بنابراین، این تفکر یکی از آن تفکرات بیراهه است. مطلقا نگاه نومی‌دانه نباید داشت. نگاه دین، نگاه اسلام، نگاه قرآنی به انسان این است که: انسان باید تلاش کند؛ تلاش با نظم، با برنامه‌ریزی و بی‌وقفه، تا بتواند به نتایج برسد. صدای اذان بلند شد. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال توفیق بدهد به شما که بتوانید در این میدان - در همین دورانی که شما دانشجو هستید و کشورتان در یکی از حساسترین دورانهاست - آزمایش خیلی خوبی برای کشورتان فراهم کنید و وسیله‌ای برای پیشرفت کشور باشید.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

امروز اگرچه در جلسه اساتید عزیز تشریف دارند، لکن خطاب من بیشتر به دانشجو‌هاست؛ اگرچه مطالبی هم در زمینه‌ی مسائل کلی‌ای که حتما استادان عزیز را درگیر می‌کند، در بین عرایض خواهم داشت. من وقت را تقسیم می‌کنم؛ بحث کوتاهی را درباره‌ی مسئله‌ی دانشجویی و دانشجویان و نقش دانشجو - که به نظر من جزو مسائل مهم کشور ماست - عرض می‌کنم. بعد در صحبت دیگری و در نگاه دوباره‌ای، بازخوانی‌ای به انقلاب، چه از لحاظ تاریخی، چه از لحاظ مضمون - کوتاه - در پایان دهه‌ی سوم عرض خواهم کرد. بعد هم در مقوله‌ی پیشرفت و عدالت - که گفتیم دهه‌ی چهارم دهه‌ی پیشرفت و عدالت است - عرایض مختصر و نکاتی را عرض میکنم.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

این عصری که در این کارگاه عظیم با همت و تلاش خود و با هدایت و کمک استادان، ارزش افزوده و فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند، دانشجویست. و یقینا با این نگاه، دانشگاه مهمترین زیرساخت پیشرفت و توسعه‌ی کشور است؛ یعنی هیچ یک از زیرساخت‌های گوناگون کشور اهمیت و نقش دانشگاه را ندارد؛ چون دانشگاه نیروی انسانی را تربیت می‌کند که مهمترین سرمایه‌ی کشور نیروی انسانی است. از دانشگاه همیشه و در همه جا این انتظار هست که محل جوشش و اوج دو جریان حیاتی در کشور باشد؛ اول، جریان علم و تحقیق؛ دوم، جریان آرمان‌گرایی‌ها و آرمان‌خواهی‌ها و هدف‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی. کمتر محیطی را - شاید محیط دیگری را نشود پیدا کرد - می‌توان پیدا کرد که مثل دانشگاه این دو جریان در آن به طور موازی همواره جوشش داشته باشد؛ هم جریان علم و تحقیق که مایه‌ی حیات جامعه و عزت جامعه است و عزت علمی به دنبال خود عزت اقتصادی، عزت سیاسی، عزت بین‌المللی را می‌آورد، در دانشگاه‌هاست، و هم آن مسئله‌ی آرمان‌گرایی که به‌ظاهر به مسئله‌ی علم ارتباطی هم ندارد، اما در همه جای دنیا انتظار از دانشگاه‌ها به خاطر حضور دانشجو این است که در زمینه‌ی

ترسیم آرمان‌ها و گرایش به تحصیل این آرمان‌ها و رسیدن به این آرمان‌ها، دانشگاه فعال باشد. این دیگر مربوط می‌شود بخصوص به دانشجو؛ جوانی دانشجو، سن دانشجو، آمادگی‌های روحی دانشجو، که این اقتضا را به دانشگاه می‌دهد. این، انتظار از دانشگاه است. البته در بعضی از جاها این انتظار برآورده می‌شود، در بعضی جاها هم برآورده نمی‌شود.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

یقیناً قبل از انقلاب - قبل از اینکه این حرکت و شوق در مردم به وجود بیاید؛ این احساس دلیری در مقابل موانع در مردم ما به وجود بیاید - اگر می‌گفتند که کشور ما خواهد توانست به این نقطه از دانش‌های گوناگون برسد، کسی باور نمی‌کرد. آن روزی که برای یک بیماری معمولی که امروز توی بیمارستان‌های درجه‌ی سه و چهار در شهرستان‌های دور ما به راحتی آن را علاج می‌کنند، افراد ناچار بودند به کشورهای خارج بروند، پول‌های زیادی بدهند، منت زیادی را بکشند - این مال خیلی قدیم نیست، مال همین پیش از انقلاب است - با این وضعی که امروز ما داریم در دانش‌های گوناگون و در بخش‌های مختلف، یقیناً یک روزی به نظر خیلی‌ها دست‌نیافتنی بود؛ اما ملت ما به او دست یافت، جوان‌های ما به او دست یافتند. همین مسئله‌ی هسته‌ای از این قبیل است، مسائل گوناگون در بخش‌های علمی از این قبیل است. بنابراین، اینی هم که یک روزی کشور ما و ملت ما کاروان دانش را آن‌چنان پیش ببرد که بتواند در دنیا مرجع علمی باشد، چیز ممکن است. البته مقدماتی دارد، که این مقدمات بایستی طی شود و این مقدمات شروع هم شده. یکی از این مقدمات، همین خودآگاهی ماست که احساس کنیم که «باید»؛ و احساس کنیم که «می‌توانیم». یکی دیگر از مقدمات، تهیه نقشه‌ی علمی جامع کشور است که کشور از لحاظ تحصیل علم و طلب علوم مختلف دچار سردرگمی نباشد. این کار خوشبختانه انجام گرفته. همین دوستان و محققین و برجستگان، برخاسته‌ی از دانشگاه‌ها و از این دانشگاه، توانسته‌اند نقشه‌ی جامع علمی را تهیه و فراهم کنند، که در شرف نهایی شدن است و این یک گام بسیار بلند در راه پیشرفت علم در کشور است. البته بعد از آنکه نقشه‌ی جامع علمی تهیه و فراهم شد، کارهای دیگری هم بایستی انجام بگیرد؛ از جمله: ایجاد نظام مهندسی این نقشه، تبدیل نقشه‌ی جامع علمی به صدها پروژه‌ی علمی، و سپردن این پروژه‌ها به پیمانکاران امینی که عبارتند از همین دانشگاه‌ها و اساتید و مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها. بعد، ایجاد شبکه‌ی نظارت بر این پیشرفت علمی؛ حسن اجرا. و درگیر کردن استاد، دانشجو، محقق - که حالا دانشجویان پرسیدند در زمینه‌ی پیشرفت علمی، تکلیف ما چیست - این‌ها حتماً باید در این طرح مهندسی نقشه‌ی جامع علمی دیده شود. هر تک تک دانشجو می‌تواند نقش ایفا کند؛ هر مرکزی از مراکز تحقیقاتی، هر کارگاه آموزشی می‌تواند نقش ایفا کند و اساتید هم می‌توانند. بنابراین یک کار چند ساله است. این کار چند ساله با شدت، با حدت، با پیگیری تمام، با امید بایستی دنبال شود و ان‌شاءالله به نتایجی خواهد رسید. یقیناً روزی خواهد رسید که شما ببینید مرجعیت علمی یافتن دانشگاه‌های ایران و دانشمندان ایران چیز دور از دسترس نیست؛ خیلی نزدیک به شماست. شما جوان‌ها یقیناً این را خواهید دید؛ من تردیدی ندارم.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

جریان دوم که آن مسئله‌ی آرمان‌خواهی است در دانشگاه‌ها - که در زبان متعارف به او گفته می‌شود جنبش دانشجویی - در کشور ما تاریخ بسیار جالبی دارد. این را از این جهت می‌گویم و رویش تکیه می‌کنم که این حرکت باید ادامه پیدا کند و این چیزی نیست که بتواند متوقف بشود؛ چون کشور در شرائطی است و نظام جمهوری اسلامی، ساخت و ویژگی‌ها و مختصات دارد که حتماً جنبش دانشجویی در کنارش بایستی حضور داشته باشد. این جنبش دانشجویی در کشور ما در تاریخ ثبت شده و شناخته شده‌ی خود، همیشه ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد، ضد اختناق و بشدت عدالتخواه بوده است. این ممیزات جنبش دانشجویی ما از روز اول است تا امروز. اگر کسی مدعی جنبش دانشجویی باشد، اما این ممیزات را نداشته باشد، صادق نیست. دست جنبش دانشجویی نمیتواند در دست کسانی باشد که در فلسطین قتل عام میکنند، در عراق جنایت میکنند، در افغانستان مردم را از دم تیغ می‌گذرانند؛ این جنبش دانشجویی نیست. جنبش دانشجویی خلصت و خاصیتش در کشور ما لااقل اینجور است - شاید در خیلی از کشورهای دیگر هم باشد - که ضد استکباری، ضد سلطه، ضد دیکتاتوری و طرفدار عدالت است. شروع این حرکت یا مقطع شناخته شده‌ی این حرکت، همین ۱۶ آذر است.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

و دیگر اینکه، تشکل‌های دانشجویی مواظب باشند هدفایشان را گم نکنند. هدفهای اصلی تشکل‌های دانشجویی همان چیزهایی است که بر روی طاق بلند جنبش دانشجویی نوشته شده: ضدیت با استکبار، کمک به پیشرفت کشور، کمک به اتحاد ملی، کمک به پیشرفت علم، حضور و شرکت در مبارزه و بیکار همگانی ملت ایران برای غالب آمدن بر توطئه‌ها و بر دشمنی‌ها؛ اینها هدف اصلی است؛ این را باید فراموش نکنند. البته تشکل‌ها از بدنه‌ی دانشجویی هم خودشان را نباید جدا کنند؛ یعنی اینجور نباشد که تشکل، موجب تقسیم دانشجویها بشود. به دانشجویها نزدیک باشند. بحث در باب مسائل دانشجویی را که طولانی هم شد، من همین جا خاتمه میدهم.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم میشکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است؛ عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزا ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله‌ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودر بایستی‌ها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا؛ مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

حالا من یک بخش عمده‌ای از بحثی که امروز می‌خواستیم بکنم، درباره‌ی مسئله‌ی پیشرفت و عدالت بود - که گفتیم دهه‌ی چهارم دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. علی‌رغم همه‌ی آنچه که انجام گرفته است در این سه دهه؛ توطئه‌های گوناگون، از مودیگری‌ها و توطئه‌های براندازی و کودتا که در سالهای اول، دهه‌ی اول انقلاب بود، تا جنگ تحمیلی، تا توطئه‌های به اصطلاح نرم از بعد از دهه‌ی اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز، ملت ایران و جمهوری اسلامی ثابت کرد که شایسته بود. ولایق باقی ماندن است؛ با قدرت ایستاد. بعد از این هم حوادث گوناگون عالم نخواهد توانست این درخت تناور را تکان بدهد، که آن روزی که یک نهال بود،

نتوانستند از جا درش بیاورند، امروز تبدیل شده به یک درخت تناور و ریشه‌دار. جمهوری اسلامی را نمیتوانند تکان بدهند. ما باید خودمان مراقب باشیم که از درون پوک نشویم؛ از درون پوسیده نشویم. از دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کردیم، راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده، پیش رفتیم و از آن راه منحرف نشدیم، مطلقاً ترسی نداریم؛ به ما آسیبی نمیزند؛ نمیتواند آسیب بزند.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت

پیش روی بودن دومین پنجسال از سند چشم انداز دوره ی بیست ساله کشور و ابلاغ بعضی از سیاست‌های کلی اصولی مانند سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ از یکطرف و بعضی تحولات جهانی از طرف دیگر اقتضا می کند که هرچه زودتر قانون برنامه ی پنجساله پنجم کشور با جهت گیری دستیابی به اهداف مرحله ای متناسب با سند چشم انداز بیست ساله تهیه گردد. اینک سیاست‌های کلی برنامه پنجم که باید مبنای تهیه و تدوین قانون برنامه ی پنجساله پنجم توسعه ی جمهوری اسلامی ایران باشد، ابلاغ می گردد.

انتظار می رود این سیاستها که با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت تنظیم شده، بتواند در جای جای کلیه فعالیتهای کشور چه در بعد تقنین و چه در بعد اجرا ظاهر گردد. بی گمان اهتمام و دقت نظر جنابعالی و هیئت محترم دولت و مجلس محترم شورای اسلامی و سایر دستگاههای رئیسی نظام می تواند در این باره نقش تعیین کننده ایفا کند. انتظار دارم در دوره ی پنجساله آینده اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه ایرانی ـ اسلامی که رشد و بالندگی انسانها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه ای متکی بر ارزشهای اسلامی و انقلابی و تحقق شاخصهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آنست، توسط قوای سه گانه ی کشور صورت گیرد.

مشارکت جدی اندیشه وران حوزه و دانشگاه در تبیین مقوله ی عدالت و اقتضانات آن نقشی تعیین کننده در این امر دارد. لازم می دانم از مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام و هیات محترم دولت و دبیرخانه مجمع و نیز کارشناسان فعال و همکار با این مجموعه ها که در تنظیم پیشنهادهای مربوط به سیاست‌های کلی برنامه ی پنجم نقش آفرینی کرده اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

نسخه ی حاوی مجموعه ی سیاستها همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت ارسال می شود.

سیدعلی خامنه‌ای

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

- امور فرهنگی

- ۱- تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم.
- ۲- زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها.
- ۳- تقویت قانونگرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقا کیفیت در تولید.
- ۴- مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات.
- ۵- استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام.
- ۶- ایجاد درک مشترک از چشم انداز بیست ساله و تقویت باور و عزم ملی برای تحقق آن.

- امور علمی و فناوری

- ۷- تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش در موارد زیر:
 - ۱- افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم و افزایش ورود دانش آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۳۰ درصد.
 - ۲- دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم.
 - ۳- ارتباط موثر بین دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخشهای مربوط جامعه.
 - ۴- توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.
 - ۵- دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز.
 - ۸- تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقا کیفی آن بر اساس نیازها و اولویتهای کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.
 - ۹- تحول و ارتقا علوم انسانی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقا کمی و کیفی مراکز و فعالیتهای پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی.
 - ۱۰- گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق: ارتقا منزلت اجتماعی، ارتقا سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خطرپذیری مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها، کمک به تجاری سازی دستاوردهای آنان.
 - ۱۱- تکمیل و اجرای نقشه جامع علمی کشور.

- امور اجتماعی

- ۱۲- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.
- ۱۳- تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و تواناییهای آنان.
- ۱۴- اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت رسانی به مردم، تامین کرامت و معیشت کارکنان، به کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تامین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریتهای موازی، تاکید بر تمرکز زدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز.
- ۱۵- هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، باز آفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی - اسلامی، رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.

- ۱۶- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت، اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی.
- ۱۷- اولویت دادن به اینترگران انقلاب اسلامی در عرضه منابع مالی و فرصتها و امکانات و مسوولیت‌های دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.
- ۱۸- اهتمام به توسعه ورزش و حمایت از گسترش فعالیت‌های گردشگری با تاکید بر سفرهای زیارتی.
- ۱۹- تاکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه با توجه به:
- ۱۹-۱- یکپارچگی در سیاستگذاری، برنامه ریزی، ارزشیابی، نظارت و تخصیص منابع عمومی.
- ۱۹-۲- ارتقا شاخصهای سلامت هوا، امنیت غذا، محیط و بهداشت جسمی و روحی.
- ۱۹-۳- کاهش مخاطرات و آلودگی‌های تهدید کننده سلامت.
- ۱۹-۴- اصلاح الگوی تغذیه جامعه با بهبود ترکیب و سلامت مواد غذایی.
- ۱۹-۵- توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت به ۳۰٪ تا پایان برنامه پنجم.
- ۲۰- ارتقا امنیت اجتماعی:
- ۲۰-۱- مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روانگردان و اهتمام به اجرای سیاستهای کلی مبارزه با مواد مخدر.
- ۲۰-۲- سامان بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیربوکنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.
- ۲۰-۳- استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی.
- امور اقتصادی
- الف) رشد مناسب اقتصادی با تاکید بر:
- ۲۱- تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸٪ نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی با:
- ۲۱-۱- توسعه سرمایه گذاری از طریق کاهش شکاف پس انداز - سرمایه گذاری با حفظ نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی حداقل در سطح ۴۰ درصد و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی.
- ۲۱-۲- ارتقا سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به يك سوم در پایان برنامه.
- ۲۱-۳- بهبود فضای کسب و کار کشور با تاکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی، ارائه مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه.
- ۲۱-۴- تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی.
- ۲۲- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تامین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین دستی وابسته بدان با رعایت:
- ۲۲-۱- واريز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی.
- ۲۲-۲- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی.
- ۲۲-۳- قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.
- ۲۲-۴- اصلاح ساختار نظام بانکی با اجرای کامل و روزآمد قانون بانکداری بدون ربا و نهادینه کردن نظام‌های قرض‌الحسنه، تامین اعتبارات خرد و اعتبارات لازم برای سرمایه گذاری‌های بزرگ.
- ۲۴- ارتقا کمی و کیفی بازارهای مالی (سرمایه، پول و بیمه) با تاکید بر کارایی، شفافیت و سلامت.
- ۲۵- تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و الزامات مربوط به هر يك از بندها با تاکید بر:
- ۲۵-۱- حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی.
- ۲۵-۲- ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی (سیاست گذاری، هدایت و نظارت).
- ۲۵-۳- تنظیم سیاست‌های تشویقی در جهت تبدیل فعالیت‌های غیرمتشکل (نهاد خانوار) به فعالیت‌های واحدهای حقوقی.
- ۲۵-۴- ایجاد بازار رقابتی برای ارائه خدمات بیمه درمانی.
- ۲۶- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی آب با تسریع در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن و مهار آبپایی که از کشور خارج می‌شود با اولویت استفاده از منابع آبهای مشترک.
- ۲۷- سرمایه گذاری در استحصال و استخراج گاز و نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
- ۲۸- حفظ ذخایر راهبردی ارزی به مقداری که اطمینان از تامین نیازهای اساسی کشور در مدت معین (براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی) حاصل گردد.
- ۲۹- تاکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد گردد.
- ۳۰- گسترش همه جانبه همکاری با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا در تجارت، سرمایه‌گذاری و فناوری.
- ۳۱- ارتقا و هماهنگی میان اهداف توسعه‌ای: آموزش، بهداشت و اشتغال به طوری که در پایان برنامه پنجم، شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای توسعه یافته با توسعه انسانی بالا برسد.
- ۳۲- تبدیل نظام بودجه ریزی کشور به بودجه ریزی عملیاتی.
- ۳۳- برقراری ارتباط کمی و کیفی میان برنامه پنج‌ساله و بودجه‌های سالیانه با سند چشم‌انداز با رعایت شفافیت و قابلیت نظارت.
- ب) گسترش عدالت اجتماعی با:
- ۳۴- تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از فشردهای کم درآمد با تاکید بر موارد زیر:
- ۳۴-۱- جبران نابرابری‌های غیرموجه درآمدی از طریق سیاست‌های مالیاتی، اعطای یارانه‌های هدفمند و ساز و کارهای بیمه‌ای.
- ۳۴-۲- تکمیل بانک اطلاعات مربوط به اقشار دو دهک پایین درآمدی و به هنگام کردن مداوم آن.
- ۳۴-۳- هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن یارانه‌های غیرآشکار.
- ۳۴-۴- تامین برخورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی.
- ۳۵- اقدامات لازم برای جبران عقب ماندگی‌های حاصل از دورانهای تاریخی گذشته با تاکید بر:
- ۳۵-۱- ارتقا سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان با تهیه طرح‌های توسعه روستایی، گسترش کشاورزی صنعتی، صنایع روستایی و خدمات نوین و اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی.

- ۲۵-۲. گسترش فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و سواحل جنوبی و جزایر با استفاده از ظرفیت‌های بازرگانی خارجی کشور.
 ۲۵-۳. کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به طوری که ضریب جینی به حداکثر ۲۵/۰ در پایان برنامه برسد.
 ۲۵-۴. انجام اقدامات ضروری برای رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد.
 ۲۵-۵. تامین بیمه فراگیر و کارآمد و گسترش کمی و کیفی نظام تامین اجتماعی و خدمات بیمه درمانی.
 ۲۵-۶. توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی.
 ۲۵-۷. حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار.
 ۲۵-۸. توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه به نحوی که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد.

- امور سیاسی، دفاعی و امنیتی
 ۳۶- تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
 ۳۷- جهت دهی جریان‌های سیاسی به پایبندی به ارزش‌های اسلامی - انقلابی، دفاع از منافع ملی، دشمن‌ستیزی، قانون‌پذیری و اصول اخلاقی.
 ۳۸- حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت.
 ۳۹- اعتدال‌ی‌شان، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل به‌منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی با تاکید بر:
 ۳۹-۱. تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه.
 ۳۹-۲. تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم.
 ۳۹-۳. بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی.
 ۳۹-۴. مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی.
 ۳۹-۵. تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.
 ۳۹-۶. حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف بویژه ملت فلسطین.
 ۳۹-۷. تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی.
 ۳۹-۸. تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.
 ۳۹-۹. سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تامین عدالت، صلح و امنیت جهانی.
 ۴۰- حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد تحول در ربه‌های موجود بر اساس ارزش‌های اسلامی.
 ۴۱- ارتقا نقش مدیریت ایرانی در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های پیشرفته و کمک به استقرار نظام بولی، بانکی و بیمه‌ای مستقل با کمک کشورهای منطقه‌ای و اسلامی و دوست با هدف کاهش وابستگی به سیستم بولی نظام سلطه.
 ۴۲- تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان بویژه حوزه تمدن اسلامی - ایرانی.
 ۴۳- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج خط و زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی.
 ۴۴- تحکیم و ارتقا امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی با تاکید بر:
 ۴۴-۱. تقویت نقش مردم و اطلاعات مردمی در پیشگیری از تحولات ضد امنیتی.
 ۴۴-۲. تقویت و تعامل موثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی و هماهنگی بین آنها برای تامین اشراف اطلاعاتی و مقابله با هر نوع اخلاق در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم.
 ۴۴-۳. ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقا سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات، تقویت فنی برای مقابله با تخلفات در فضاها رایانه‌ای و صیانت از حریم فردی و عمومی.
 ۴۴-۴. تقویت زیر ساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی.
 ۴۵- ارتقا توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله موثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای با تاکید بر:
 ۴۵-۱. کسب دانش و فناوری‌های نو و نرم‌افزارهای پیشرفته دفاعی و نوسازی و بازسازی صنایع دفاعی، افزایش ضریب خودکفایی با توسعه تحقیقات و بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های صنعتی کشور.
 ۴۵-۲. اهتمام به حضور نیروهای مردمی در امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان.
 ۴۵-۳. گسترش پدافند غیرعامل.
 ۴۵-۴. امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل موثر مرزها.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

امسال اولین سال دهه‌ی چهارم انقلاب است که به نام «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامیده شده است. به این مناسبت عرایضی را عرض میکنم؛ هم در زمینه‌ی برخی از مهمترین مسائل کشورمان در داخل، و همچنین اشاره‌ای به بعضی از مسائل مهم بین‌المللی و خارجی. این دهه را ده سال پیشرفت و عدالت کشور و نظام جمهوری اسلامی نامیدیم؛ در حالی که از آغاز انقلاب، ملت ایران با حرکت عظیم خود و با ایجاد و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به سمت پیشرفت و عدالت حرکت کرده است. ده سال آینده چه خصوصیتی دارد که آن را به عنوان دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده‌ایم؟ به نظر ما تمایز ده سال آینده با سه دهه‌ی گذشته، در آمادگی‌های بسیار وسیع و عظیمی است که در کشور عزیزمان برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است، که این آمادگی‌ها به ملت بزرگ و مصمم ما اجازه میدهد که در این زمینه یک جهش و یک گام بلند نشان بدهد. ملت، آماده‌ی یک حرکت پرشتاب و بزرگی به سمت پیشرفت و عدالت است؛ چیزی که در دهه‌های قبل، این امکان با این گستردگی برای ملت فراهم نبود.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

عنصر دیگر، زیرساخت‌های کشور است. امروز کشور ما مثل دهه‌ی اول یا دهه‌ی دوم انقلاب نیست که زیرساخت‌های علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد. امروز جوانهای ما و متخصصین ما و دانشمندان در هر رشته‌ای که وارد میشوند، میتوانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینه‌ی ارتباطات، در زمینه‌ی مواصلات، در زمینه‌ی تحقیقات علمی، در زمینه‌ی ساخت و سازها مورد نیاز است، بحمدالله آماده است. ما از لحاظ راه‌های مهم و بین‌المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بیسیم و باسیم، شبکه‌های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم. یک روزی بود که به خاطر کسی خطور هم نمیکرد که عناصر داخلی و متخصصین داخلی بتوانند سد بسازند، سیلو بسازند، بزرگراه بسازند، فرودگاه بسازند، کارخانه‌ی فولاد بسازند؛ در همه‌ی این چیزها چشم ملت ما به بیگانگان بود. بعد هم که بیگانگان دستشان قطع شد، ما از این جهت در کشور فقیر بودیم؛ اما امروز از این جهت

توانائی زیادی داریم. جوانان ما کارخانه‌های پیچیده را میسازند، کارهای پیچیده علمی و فناوری را انجام می‌دهند، نیاز کشور را برآورده می‌کنند، به کشورهای دیگر هم به عنوان مستشار و به عنوان کسانی که تجارت علم و فناوری می‌کنند، کمک می‌رسانند. در این جهت، کشور وضعیت شاخصی پیدا کرده است؛ این پیشرفت کمی نیست. یک روزی جوانهای ما حتی گلوله‌ی آر.پی.جی را نمیتوانستند پرتاب کنند و نمی‌شناختند؛ امروز همان جوانها موشک پرتابگر ماهواره می‌فرستند که چشم دانشمندان جهان را به خود جلب می‌کند، همه را متوجه می‌کند. یک روزی ما برای استفاده‌ی از نیروگاه‌هایی که در کشور داشتیم، احتیاج به متخصص داشتیم؛ امروز جوانان کشور ما خودشان آنچنان در صنعت پیشرفت کردند که پالایشگاه، نیروگاه و امکانات گوناگون را خودشان می‌سازند و تولید می‌کنند. یک روزی در زمینه مسائل زیست‌شناسی، کشور دچار فقر مطلق بود؛ امروز به پیشرفت در دانشهای زیستی، از جمله همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی که بسیار در دنیا چیز مهمی است، دست پیدا کرده است. امروز این امکانات در کشور وجود دارد. اینها همه زیرساختهایی است که پیشرفتهای آینده براساس این زیرساختها آسان میشود. علاوه‌ی بر اینها - همان طوری که عرض کردم - تجربه‌ی مدیران، یک تجربه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است. کشور امروز در مقابل چشم مدیران و نخبگان کشور، مثل یک صحنه‌ای است که میتوانند برای پیشرفت آن برنامه‌ریزی کنند. همین سرکشی کردن مسنولین به گوشه و کنار این کشور، نقاط محروم، استانهای دوردست، در استانها به شهرهای گوناگون رفتن، با مردم تماس گرفتن، اوضاع را از نزدیک دیدن، با چشم مشکلات را مشاهده کردن، یک تجربه‌ی عظیم و گرانقدری برای مامورین ما و مسنولان کشور به وجود آورده است؛ اینها زمینه‌ی یک جهش است برای اینکه کشور بتواند ان‌شاءالله در طریق پیشرفت و عدالت حرکت کند؛ و این ایجاب میکند که دهه‌ی آینده - یعنی ده سالی که از امسال آغاز میشود - برای کشور ما و برای نظام جمهوری اسلامی، ده سال پیشرفت و عدالت باشد؛ که همه باید در این قسمت تلاش و کار کنند.

یک جمله‌ی کوتاه در مورد مفهوم پیشرفت، یک جمله‌ی کوتاه هم در مورد مفهوم عدالت عرض می‌کنم؛ تفصیل این اجمال را بایستی مسنولان، گویندگان، کسانی که با افکار مردم سر و کار دارند، باز کنند؛ هم تحقیق کنند، هم به مردم اطلاع‌رسانی کنند. مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است؛ پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری، ارتقای بهره‌وری معنایی این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سو استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار بولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلونید؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسنولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمیشود، با الفاظ نمیتوان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرك و برنامه‌ریزی لازم دارد، که بعد اشاره‌ای عرض خواهم کرد.

اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تامین بشود. عدالت هم یک واژه بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیائی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیائی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیائی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینجور نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.

یکی از مصداقهای عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سالها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تاکید کرده‌ام، تلاشهای خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام میگردد؛ اما مبارزه‌ی با فساد، کار دشواری است؛ کاری است که انسان، مخالف پیدا میکند. شایعه درست میکنند، دروغ میگویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار میگیرد. این مبارزه هم لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه‌ی پیشرفت، چه در زمینه‌ی عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتا عقیده داشته باشند که باید عدالت برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مومن به این میانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً میتوانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق ببخشند. این مطلب اولی که لازم بود عرض کنم.

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح میکنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوشته‌های متعددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره‌ی اسراف، درباره‌ی ولخرجی و تضييع اموال و لزوم صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هزل، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض میکنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتدال کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد میکند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی میشود. در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تاکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی میزند، هم لطمه‌ی فرهنگی

میزند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تاثیرهای منفی میگذارد. بنابراین مسئله‌ی صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

یک جمله‌ی کوتاه در مورد مفهوم پیشرفت، یک جمله‌ی کوتاه هم در مورد مفهوم عدالت عرض میکنم؛ تفصیل این اجمال را بایستی مسئولان، گویندگان، کسانی که با افکار مردم سر و کار دارند، باز کنند؛ هم تحقیق کنند، هم به مردم اطلاع‌رسانی کنند. مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری، ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سو استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلونید؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمیشود، با الفاظ نمیتوان کاری انجام داد، نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرك و برنامه‌ریزی لازم دارد، که بعد اشاره‌ای عرض خواهیم کرد.

اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تامین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیائی است. اینچنین نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره‌دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیائی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیائی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینچنین نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تامین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری، ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سو استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

موضوعی که من میخواهم عرض بکنم، موضوعی است که با طبیعت جوان و طبیعت دانشجویان صد در صد موافق است و نگاه به آینده دارد. چون آینده متعلق به شماست. ما امروز هرچه راجع به آینده بگوئیم، در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه‌ای از زمان است که آن برهه متعلق به شماست؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین‌کننده و کارگشاست. این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل میشود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل میشود و هم عدالت. ما میخواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا بخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

ما امروز هرچه راجع به آینده بگوئیم، در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه‌ای از زمان است که آن برهه متعلق به شماست؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین‌کننده و کارگشاست. این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل میشود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل میشود و هم عدالت. ما میخواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا بخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود. من میخواهم یک قدری راجع به این مسئله‌ی پیشرفت صحبت کنم. مسئله‌ی عدالت هم باز یک باب واسع و طولانی دیگری است.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

موضوعی که من می‌خواهم عرض بکنم، موضوعی است که با طبیعت جوان و طبیعت دانشجویان صد در صد موافق است و نگاه به آینده دارد. چون آینده متعلق به شماست. ما امروز هرچه راجع به آینده بگوئیم، در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه‌ای از زمان است که آن برهه متعلق به شماست؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین کننده و کارگشاست. این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسئله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل میشود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل میشود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به يك گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا بخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا خواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود. من می‌خواهم يك قدری راجع به این مسئله‌ی پیشرفت صحبت کنم. مسئله‌ی عدالت هم باز يك باب واسع و طولانی دیگری است.

ابتدا شکل کلی بحث را می‌گویم و سعی می‌کنم که ان‌شاءالله هرچه بتوانم، موجزتر و کوتاه‌تر بگویم. شکل کلی بحث امروز این است: برخی از مختصات پیشرفت را عرض می‌کنیم تا قواره‌ی کلی و نمای کلی‌ای که ما برای پیشرفت در ذهن داریم، روشن بشود - عمده‌ی بحث هم همین است - بعد برخی از پیش‌نیازهای یا نیازهای پیشرفت را می‌شماریم؛ بعد هم اگر مجال بود، به برخی از موانعی که در این راه وجود دارد و آسیب‌هایی که ممکن است گریبان ما را در این راه بگیرد، اشاره می‌کنیم.

در مسئله‌ی اول - یعنی تبیین نمای کلی پیشرفت - من چند نکته را می‌گویم که مجموع این نکات، این نمای کلی را به ما نشان خواهد داد.

نکته‌ی اول این است که ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه‌ی به مفهوم رائج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رائجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتما دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، ناپابستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست. غربی‌ها يك تاکتیک زیرکانه‌ی تبلیغاتی را در طول سالهای متعددی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. خوب، در وهله‌ی اول انسان خیال میکند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - يك بار ارزشی و يك جنبه‌ی ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی! با همه‌ی خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه‌ی رفتار و کارها و شکل و قواره‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما اینها را یاد هم بگیریم، یاد می‌گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می‌کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه‌ی غربی شدن، یا توسعه‌یافته‌ی به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است.

مطلب دوم این است که پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، يك الگوی واحد ندارد. پیشرفت يك معنای مطلق ندارد؛ شرائط گوناگون - شرائط تاریخی، شرائط جغرافیایی، شرائط جغرافیای سیاسی، شرائط طبیعی، شرائط انسانی و شرائط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است يك مدل پیشرفت برای فلان کشور يك مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای يك کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین يك مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزا آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرائط تاریخی ما، با شرائط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورند؛ چه نسخه‌ی پیشرفت آمریکایی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی - کشورهای اسکاندیناوی، که آنها يك نوع دیگری هستند - هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمیتواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرائط خودمان پیدا کنیم. من این بحث را در محیط دانشگاه دارم می‌کنم؛ معنایش این است که این تحقیق و این پیگیری و این تفحص را شما دانشجویان، شما استاد و شما عنصر دانشگاهی، با جدیت باید انجام بدهید؛ و ان‌شاءالله خواهید توانست.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تاثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، يك روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سرتاپا فرنگی بشویم و اروپایی بشویم، او توجه نکرد که اروپا يك سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی‌ای دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضاً مورد قبول ما نباشد و آنها را تخننه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه‌ی تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تاثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، يك تاثیر فوق العاده است. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم بدست آورد و توانست به وسیله‌ی آن ثروت و پول نقد و طلائی نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، بخاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره‌ی هند بدست آورده بودند؛ شبه قاره‌ی هند و کشور سیام سابق و بقیه‌ی کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعا در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه‌ی بسیار پرثروتی بود - مثل يك انار آلبوموتی فشرده و همه رفت توی خزانه‌ی دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به يك ثروتمند! دیگر سوال نمیشود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خوب پیشرفت در این کشور يك معنا پیدا میکند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام میدانند، استعمار را گناه میدانند، غارت را ممنوع میدانند، غصب را حرام میدانند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع میدانند، پیشرفت يك معنای دیگری پیدا خواهد کرد. بنابراین مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در يك کشور تعیین کننده است. این هم يك مطلب.

مطلب بعدی این است که ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‌ی غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراك غفلت کنیم؛ يك نقاط اشتراكی هم وجود دارد که اینها در توسعه‌ی کشورهای توسعه یافته غربی كاملا وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصاف جزو خلقیات و خصال خوب اروپائیان است - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

نکته‌ی بعدی مسئله‌ی پسوند عدالت است. ما گفتیم پیشرفت و عدالت؛ این خیلی معنادار است. فرض بفرمائید یکی از شاخصهای مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشورهاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی‌اش، مثلا چندین هزار میلیارد است، فلان کشور يك دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی يك کشور - به تنهایی نمیتواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم میشود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدم‌های شب توی خیابان می‌خوابند و با گرمای چهل و دو درجه‌ی هوا عده‌ی زیادیشان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خیرها؛ در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلا در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که اینها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسانهای وجود دارند که بی سرپناه زندگی میکنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست. بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمیت دارد، البته درباره‌ی پسوند عدالت حرفهای بیشتری هست. اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است؛ اسلام انسان را يك موجود دوساحتی میداند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر يك تمدنی، يك فرهنگی و يك آئینی، انسان را تك ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیائی به حساب آورد، طبیعا پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی میداند - بکلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را میخواهند؛ دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول عنه واقع بشود به توهم دنبالگیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول عنه واقع بشود بخاطر دنبالگیری از دنیا. این بسیار نکته‌ی مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر است، اینچنین پیشرفتی است.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

يك انحراف دیگر هم این است که انسان در زندگی شخصی خود، مواهب حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی‌اعتنائی قرار بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده، خواسته نشده؛ بلکه عکسش خواسته شده: «لیس منا من ترك اخرته لدنياه و لا من ترك دنياه لآخرته». اگر آخرت را به خاطر دنیا ترك کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترك کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است. امیرالمومنین به کسی برخورد کرد که زن و زندگی و خانه و همه چیز را کنار گذاشته بود و به عبادت پرداخته بود؛ فرمود: «یا عدی نفسه»، ای دشمن کوچک خویشتن! با خودت داری دشمنی میکنی؛ خدا این را از تو نخواسته. «قل من حرم زینه الله الاخر لعباده و الطیبات من الرزق». (۱) این هم این مطلب است. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت - هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره‌ی کشور - لازم است. این هم يك شاخص عمده‌ی پیشرفت است.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

اینها يك مختصاتی از جمله‌ی مختصات پیشرفت مورد نظر ما بود که عرض کردیم. همانطور که گفتیم با این حرفها تمام نمیشود؛ باید دقت کرد، باید تعقیب کرد، باید تحقیق کرد. صاحبان فکر در دانشگاهها بنشینند و روی این مسائل مطالعه کنند؛ تبیین علمی بشود؛ مدلسازی علمی بشود تا بتوانیم این را به برنامه تبدیل کنیم و بیندازیم در میدان اجرا تا در پایان ده سال، ملت احساس کنند که پیشرفت حقیقی پیدا کردند.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

یکی از الزامات ما این است: هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین کننده‌ی استقلال کشور باشد؛ این باید بعنوان يك شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - یا وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمیشود. امروز هستند کشورهایی - بخصوص در آسیا - که از لحاظ فناوری، از لحاظ دانش، از لحاظ صنوعات، پیشرفتهای ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده‌اند؛ اما وابسته‌اند، ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند؛ نه در سیاستهای جهانی، نه در سیاستهای اقتصادی عالم و نه در طراحی‌های مهمی که در عرصه‌ی بین‌المللی مورد توجه است. دنباله‌روند؛ غالبا هم دنباله‌رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

يك نکته‌ای را در این جا من عرض بکنم و آن مسئله‌ی جهانی شدن است. جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر میکند بازارهای جهانی به رویش باز میشود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به يك پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلى باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ والا جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها - که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، يك اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است. يك مسئله‌ی دیگر هم که به شدت به شما ارتباط پیدا میکند، مسئله‌ی تولید علم است. خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاهها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به يك گفتن عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسند کننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید. این پیشنهادهایی که این عزیزان من در زمینه‌های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخیه‌پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسئله‌ی تولید علم است. این بسیار باارزش است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقیم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعت‌مان بیشتر باشد باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راههای میان‌بر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته باشیم. رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی میشود و احساس غبن میکند، در زمینه‌ی علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد میکنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. والا اگر شما دائما ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرا بگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد. متاسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند. البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست؛ جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه‌شناس این جور گفته؛ این دیگر برو برگرد! چرا؟! بنشینید فکر

کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله‌ی کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است. من دیگر میخواهم بحث را تمام بکنم. یکی دیگر از الزامات هم مسئله‌ی مبارزه است؛ مبارزه. اگر میخواهید پیشرفت کنید باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دستها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدانهای بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهمتر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است. امروز بسیاری از کشورها، دولتها و جوامعی که در دنیا به عنوان پیشرفته مطرحند، اگر حساب‌کنشی اخلاقی و سیاسی بشود سر به زیر و سر افکنده‌اند.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

عزیزان من! در این میدانهای پیشرفت، همه باید تلاش کنید. این جا دانشگاه کردستان است. اکثریت شما دانشجویها، کردید. من افتخار میکنم که در محیط کردستان و در بین دانشجویان کرد، آنچنان شعارهای اسلامی زنده است و آنچنان احساس دلبستگی به آرمانهای ملی زنده است که دشمنان ما به خشم می‌آیند. این مایه‌ی افتخار ملی ماست. این همه اینها روی کردستان کار کردند؛ این همه در بلندگوها و شب‌نامه‌ها و روزنامه‌ها و در سر و عن، جدائی بین اقوام ایرانی را تلقین کردند؛ شما نتیجه‌اش را امروز نوبی جمع می‌بینید، در جمع میدان آزادی سندانج دیدید، در میوان دیدید. ملت یکپارچه است؛ ملت دارای آرمان است. اقوام یکی‌اند. این مطالبی که عزیزان کرد ما امروز در این جا راجع به دلبستگی‌ها و همبستگی‌ها گفتند، اینها چیزهایی است که برای من جزو واضحات است، مثل روز روشن است. ممکن است بعضی درست ندانند، درست نفهمند؛ باید خودشان را اصلاح کنند. من این را عرض بکنم؛ اقوام ایرانی یک فرصتند. ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی - چه کرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لر - سعی کند با همان روحیه قومی، در جهت پیشرفت ملی - نه صرفاً پیشرفت قومی - گامهای بلندتری بردارد. این خیلی چیز عالی‌ای است. آن روز در جمع نخگان سندانج و کردستان - که در یکی از سالنهای این جا تشکیل شد - یکی از دوستان کرد، یک حرف خوبی زد؛ گفت همچنانی‌که شهید مطهری کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام را نوشته، چقدر خوب است که یک نفری بیاید خدمات متقابل کرد و ایران را بنویسد؛ خدمات کردها به ایران، خدمات ایران به کردها. این خیلی خوب است. مشخص کنید که این قوم برای آرمانهای ملی و برای آرمانهای اسلامی، چه گام بلندی میتواند بردارد. آنوقت مسابقه قرار بدهید؛ مسابقه‌ی بین فارسها، کردها، ترکها، عربها، لرها، ترکمنها، بلوچها؛ این بهترین مسابقه‌ی ملی است. آنوقت معلوم میشود که استعدادها چقدر جوشان و خروشان است. این میشود یک فرصت. البته دشمن میتواند این را تبدیل به تهدید هم بکند که خوشبختانه همه‌تان هوشیارید. دعوای تنگ‌نظرانه و ناسیونالیسم‌های قومی محدود، بکلی با دیدگاه اسلام و با دیدگاه بلند و باری که همه‌ی ما به آن احتیاج داریم منافات دارد.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۰ / «سال جهاد اقتصادی» / ۱۳۹۰/۰۱/۰۱

من این سال را «سال جهاد اقتصادی» نامگذاری میکنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخشهای دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی میشوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم. توجه دارید که ما الان در این ساعت داریم وارد سومین سال دهه‌ی پیشرفت و عدالت میشویم. البته هم در زمینه‌ی پیشرفت و هم تا حدود زیادی در زمینه‌ی عدالت کارهای خوبی انجام گرفته است، لیکن حرکت ما باید به نحوی باشد که بتوانیم این دهه را به معنای حقیقی کلمه مظهر پیشرفت و مظهر استقرار عدالت در کشورمان قرار بدهیم. خوشبختانه با این حرکتی که در دنیای اسلام به وجود آمده است، انسان احساس میکند که این دهه به توفیق پروردگار برای منطقه هم دهه‌ی پیشرفت و دهه‌ی عدالت خواهد بود.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه / ۱۳۹۰/۰۱/۰۸

کمک به پیشرفت عدالت. این دهه برای ما دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. پیشرفت منهای عدالت، از نظر اسلام اصلاً پیشرفت نیست. در همین منطقه‌ی عسلویه - در این دو تا مرکز مهم بشری و انسانی عسلویه و نخل تقی - مردم نیازهایی دارند. کمک به رفع این نیازها، جزو جهاد اقتصادی است؛ جزو کار بزرگ است. امروز ما با مدیران و مسئولان بخشهای مختلف، در زمینه‌ی محیط زیست، هوای آلوده، مشکلات گوناگون، درباره‌ی این مردم، همین طور گفتگوهای داشتیم. ان‌شاءالله باید این مسائل را دنبال کنند. باید مشکلات مردم حل شود. اینها همه اجزائی است از مجموعه‌ی یک جهاد عظیم و همه‌جانبه‌ی اقتصادی. با همکاری، همدلی، احساس برادری، احساس عمل لله و کار برای خدا، این ملت میتواند جایگاه شایسته‌ی خود را پیدا کند.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه / ۱۳۹۰/۰۱/۰۸

پیشرفت منهای عدالت، از نظر اسلام اصلاً پیشرفت نیست.

بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان فارس / ۱۳۹۰/۰۲/۰۲

اینکه یک ملتی پای حرف خود - که حرف حقی است و برای دنیا و آخرت او اهمیت دارد - اینچنین بایستد، این همان چیزی است که کلید اصلی پیشرفت ملتها محسوب میشود؛ درست نقطه‌ی مقابل هدف زراندوزان و زورگویان و زورمداران و قدرتمداران عالم است که به‌غضب میخواهند ملتها را تحت سیطره بکشند و انسانها را اسیر و برده‌ی خودشان کنند. باطل‌السر این حرکت دشمنان همین است که یک ملتی حرف حقی را انتخاب کند، پای آن حرف بایستد. ایستادگی پای این حرف، هم او را به هدف میرساند، هم برای دیگرانی که دارند از اطراف تماشا میکنند، میشود یک الگو؛ کما اینکه شما ملت ایران الگو شدید. تحلیل‌های دنیا هم نسبت به مسائل منطقه‌ی ما همین است؛ میگویند ایران الگو شد، ملت ایران الگو شد. و میترسند که همان اتفاقی که در اینجا افتاد، آنجا هم بیفتد؛ یعنی برافراشته شدن پرچم اسلام و ایجاد نظامی مبتنی بر اسلام. این، خاصیت ایستادگی است.

این است که انسان هرچه زبان به تمجید ملت بزرگ ایران باز کند - با این نشانه‌هایی که حالا در مورد فارس عرض کردیم - زیاد نیست، اغراق نیست، مبالغه نیست. یک درگیری و جنگی در طول تاریخ برقرار است؛ جنگ بین یک معدودی از طمع‌ورزان و قدرتمداریان و زراندوزان و مستکبرین عالم، و توده‌ی مردم و ملتها. در تمام تاریخ، این جنگ وجود داشته است. آن مستکبرین سلاح داشتند، پول داشتند، صدای بلند داشتند؛ و چیزهایی را هم نداشتند؛ اصلاً رحم نداشتند، اصلاً انصاف نداشتند؛ حاضر بودند فجاج بزرگ و فجیع‌ترین جنایتها را انجام دهند، برای مقاصد خودشان. ملتها فقط جانشان، عزمشان و ایمانشان را داشتند. ملتها هر جا این ابزارهای بزرگ را به میدان آوردند و ایستادگی کردند، طرف مقابل شکست خورده است. ولی خب، همیشه اینچنین نبوده که ملتها بتوانند استقامت کنند، ایستادگی کنند، جان و عزم و همت و ایمان را به طور کامل به میدان بیاورند؛ هر جا آوردند، پیش رفتند.

دیدار جمعی از منتخبان مردم، علما و مسئولان استان کردستان با رهبر انقلاب / ۱۳۹۰/۰۲/۱۹

کشور از اتحاد، پیشرفت و میل به حرکت علمی برخوردار است ضمن آنکه در زمینه عدالت، کارهای برجسته و کم نظیری انجام شده است.

بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

امروز کشور در مسیر پیشرفتهای جهشی است؛ این يك واقعیتی است. خوشبختانه حرکت کشور به سمت پیشرفت - به معنای عام - يك حرکت سریعی است. امروز با بیست سال قبل حقا قابل مقایسه نیست. امروز حرکت رو به پیشرفت ما جهشی است. در موقعیتی که يك چنین حرکتی جهشی به وجود می‌آید، احتیاج به تصمیم‌گیری‌های بزرگ است؛ باید تصمیم‌گیری‌های بزرگی انجام بگیرد. خوب، اگر چنانچه در این تصمیم‌گیری‌های بزرگ، عنصر عدالت مغفول‌عنه باقی بماند، آن وقت ضررها و ضایعاتش غیر قابل محاسبه خواهد بود. لذا امروز بخصوص باید توجه به عدالت زیاد باشد؛ بخصوص رابطه‌ی پیشرفت و عدالت مشخص شود. اشاره کردند که مرکزی برای پیگیری مسئله‌ی الگوی پیشرفت پیش‌بینی شده، مقدمات و تمهیداتش انجام گرفته؛ ان‌شاءالله با جدیت مشغول کار خواهد شد؛ بحث عدالت هم همان جا بایستی ان‌شاءالله دنبال شود.

بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

امروز کشور در مسیر پیشرفتهای جهشی است؛ این يك واقعیتی است. خوشبختانه حرکت کشور به سمت پیشرفت - به معنای عام - يك حرکت سریعی است. امروز با بیست سال قبل حقا قابل مقایسه نیست. امروز حرکت رو به پیشرفت ما جهشی است. در موقعیتی که يك چنین حرکتی جهشی به وجود می‌آید، احتیاج به تصمیم‌گیری‌های بزرگ است؛ باید تصمیم‌گیری‌های بزرگی انجام بگیرد. خوب، اگر چنانچه در این تصمیم‌گیری‌های بزرگ، عنصر عدالت مغفول‌عنه باقی بماند، آن وقت ضررها و ضایعاتش غیر قابل محاسبه خواهد بود. لذا امروز بخصوص باید توجه به عدالت زیاد باشد؛ بخصوص رابطه‌ی پیشرفت و عدالت مشخص شود.

بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دلها موج میزند، اما این همه‌ی مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ يك راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت میرساند.

بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

در باب مکتب امام، این نکته را ملت عزیز ایران کاملا میدانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفا از نوع يك علقه‌ی قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دلها موج میزند، اما این همه‌ی مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ يك راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت میرساند. در طول این سی و دو سال گذشته، عملا هم همین بوده است. یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه‌های امام جامه‌ی عمل بپوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره‌ی امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه میکنند. در این سی سال، ملت ما توانسته است در مقابل سنگین‌ترین توطئه‌ها ایستادگی کند. علیه ملت ایران توطئه‌ی نظامی بود، توطئه‌ی امنیتی بود، توطئه‌ی اقتصادی بود - این تحریم‌های گسترده در طول این سی سال وجود داشته است - توطئه‌ی تبلیغاتی بود - امپراتوری گسترده‌ی رسانه‌ای و تبلیغات، علیه ملت ایران به طور کامل مشغول کار و تحریک بوده است - توطئه‌ی سیاسی بود. ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد.

دیدار کارکنان و خانواده‌های نیروهای دریایی ارتش و سپاه با رهبر انقلاب در بندرعباس / ۱۳۹۰/۰۵/۰۱

در همان روزهای اول جنگ تحمیلی که عده‌ای آیه‌ی یاس و ناامیدی می‌خواندند، امام بزرگوار(ره) که متصل به منبع عظیم نور الهی بود، با قدرت ایستاد و گفت «می‌توانیم» و در نهایت نیز «توانستیم». امروز هم که ملت ایران بر خلاف دوران جنگ تحمیلی، صاحب پیشرفت‌های بزرگ و منابع عظیم انسانی است، ادامه مسیر پیشرفت فقط با چنین روحیه‌ی امکان‌پذیر است.

بیانات در دانشگاه علوم انتظامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۹

امنیت در يك کشور - چه امنیت اجتماعی و مدنی، چه امنیت روانی و اخلاقی - یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی پیشرفت و قوام و سربلندی کشور است. بدترین بلایی که میتوان بر سر يك ملت رو به رشد و پیشرفت وارد آورد، سلب امنیت است. وقتی امنیت وجود نداشت، فکر منظم و به دنبال آن، عمل منظم هم وجود نخواهد داشت و پیشرفت میسر نخواهد شد. علاوه‌ی بر اینها، امنیت يك نیاز اساسی برای انسانهاست. «الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف»؛ به عنوان دو نعمت بزرگ الهی، خدای متعال این را به رخ مخاطبان این آیه‌ی شریفه میکشد: نجات از گرسنگی و نجات از ناامنی. اینها اهمیت امنیت را نشان میدهد.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی / ۱۳۹۰/۰۷/۱۲

به نظر من هر دلسوزی برای کشور، هر علاقه‌مندی به سرنوشت کشور، باید از این که خدا امثال شماها را به کشور و به ما داده، از خدای متعال تشکر کند. من خیلی سیاست‌گذار این نعمت بزرگ هستم. الحمدلله ما جوانهای خوب، مومن، بااستعداد، آماده‌ی به کار، زنده و پرتراوت داریم؛ دیگر بیش از این، يك ملت برای پیشرفت چه میخواهد؟

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

هر جایی که مسئولین کشور توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تامین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه‌ی بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد؛ کسانی توانستند راه را باز کنند - تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد. در زمینه‌های گوناگون هم میشود، در اقتصاد هم میشود. اقتصاد کشور، تولید کشور میتواند به وسیله‌ی همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفائی پیدا کند. سیاستهای اصل ۴۴ را که ما تدوین کردیم، بر اساس همین نکته بود. برای آینده‌ی کشور، هدفهایی مشخص شده است. ما این دهه را «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامیدیم؛ ما سیاستهای اصل ۴۴ را تدوین کردیم؛ ما چشم‌انداز بیست‌ساله را تدوین کردیم؛ سیاستهای برنامه‌های پنج‌ساله را تدوین کردیم و میکنیم. همه‌ی این سیاستگذاری‌ها بر اساس واقع‌بینی است. اینچنین نیست که يك عده‌ای نشسته باشند و با توهمن خودشان سیاست پنج‌ساله یا چشم‌انداز بیست‌ساله بنویسند؛ نه، این با واقعیتها تطبیق میکند؛ متکی به واقعیتهای کشور است.

خوب، اینها هدفهای تعیین شده است. اگر حضور مردم در این راه‌ها و برای این هدفها تامین شود، این هدفها حتی زودتر از دورانی که در نظر گرفته شده است، حاصل خواهد شد. حضور مردم چه جوری است؟ این، همان نکته‌ی اصلی است. اینجاست که مسئولین باید زمینه‌ها را، مدلها را، فرمولهای عملی و قابل فهم عموم را، فرمولهای اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی میشود این کارها را کرد. هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه، هم قوه‌ی مقننه به شیوه‌ی خاص خود میتوانند این را تامین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند -

میتوانند استفاده کنند؛ این جزو کارهائی است که باید ان‌شالله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد. البته کارهائی در زمینه‌های مختلف شده است، راههائی باز شده است؛ اما بیش از این میشود کار کرد و حضور همه‌ی مردم را تامین کرد، تا يك جوان، يك پير، يك صنعتگر، يك مبتکر بدانند که در این حرکت عمومی در کجا قرار میگیرد. همه چیز با يك چنین سازوکاری به سامان میرسد؛ مثل گذشته.

بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

تشکیل جامعه‌ی اسلامی شد هدف؛ با همین خصوصیات، با همین شاخصهائی که گفته شد. این هدف هرگز کهنه‌شونده نیست. مطالبه‌ی عدالت هرگز منسوخ نمیشود. از اول تاریخ بشر تا امروز، انسانها به دنبال عدالت بوده‌اند. هر جا قیامی از طرف مردم هست، غالباً بر ضد بی‌عدالتی است، بر ضد تبعیض است. انسانها دنبال آزادی هستند. خدای متعال انسان را آزاد آفریده است؛ «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»؛ خدا تو را آزاد آفریده است. انسان دنبال آزادی است؛ این يك خواسته‌ی فطری است، این کهنه‌بشو نیست.

بنابراین وقتی انسان اهداف و آرمانهای نظام اسلامی را نگاه میکند - یعنی جامعه‌ی اسلامی با این خصوصیات - می‌بیند اینها هیچ وقت کهنه نمیشود. انسان همیشه دنبال این آرمانهاست. هرچه هم که حرکت بکند، جا برای حرکت بیشتر وجود دارد. مثلاً یکی از آرمانهای شما پیشرفت است. پیشرفت نهایت ندارد، آخر ندارد. «فوق کل ذی علم علیم»؛ هرچه شما دانش داشته باشید، بالاتر از آن، دانشی متصور است. یعنی عرصه، يك عرصه‌ی تمام‌شدنی نیست.

بیانات در دانشگاه امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۱/۰۲/۰۳

جوانهای عزیز! نعمت جوانی را، توانائی‌های ذهنی و جسمی را، دل‌های پاک و نورانی را که خدای متعال به شما داده است، قدر بدانید. تلاش کنید؛ این کشور متعلق به شماست، آینده مال شماست؛ شما باید در پیشانی امت اسلامی و پیشاپیش این قافله، حرکت به سوی تعالی امت اسلامی را با شدت، با سرعت و به طور روزافزون ادامه دهید. گذشتگان این راه را آغاز کردند، مجاهدت کردند، فداکاری کردند.

خدا را سپاس میگوئیم که نیروهای مسلح ما، سپاه پاسداران ما، ارتش جمهوری اسلامی ما، همه‌ی سازمانهای نیروهای مسلح در این راه پایداری کردند، پافشاری کردند و از خود تجربه‌های ماندگاری را به یادگار گذاشتند.

راه، متعلق به شماست؛ کار، هرچه میتوانید، در این راه کوشش کنید. ملت ایران رو به عزت و اعتلای روزافزون است. پیشرفت ما، ترقی ما، استقرار عدالت در میان ما - که این دهه، متعهد به اینهاست - به پیشرفت و توسعه‌ی عدالت در دنیای اسلام و در نهایت در همه‌ی جهان کمک میکند.

پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۱/۰۲/۰۷

اکنون در طلیعه‌ی مجلس نهم، اصلی‌ترین توصیه‌ی اینجانب به نمایندگان محترم آن است که در جایگاه خطیری که با رای مردم به دست آورده‌اند، تنها به مسئولیت الهی و ادای وظیفه‌ی سنگین نمایندگی از ملت بیندیشند و انگیزه‌ها و حب و بغض‌های شخصی و گروهی و طائفی و محلی را در قانون‌گذاری که مهم‌ترین وظیفه‌ی مجلس شورای اسلامی است و نیز در نظارت بر اجرای قانون و البته در موضع‌گیری‌هایی که فضای کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد، دخالت ندهند. در صدر این همه، قانون قرار دارد. قانون باید کارآمد، روزآمد، شفاف، معطوف به نیازهای عمومی و تامین‌کننده‌ی منافع ملی باشد. در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، همه‌ی قوانین باید به تحقق این دو شاخص عمومی کمک کند و با نگاه بلندمدت، گستره‌ای هرچه طولانی‌تر و پهناورتر داشته باشد. اولویت‌های کشور باید احصا شود و جایگاهی شایسته را در اهتمام به قانون‌گذاری بیابد.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، می‌بینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این يك کار مقطعی نیست؛ این يك کار مستمر است، يك کار ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستائی مقابله کند. عواملی وجود دارد که يك انسان پیشرو را، يك ملت پیشرو را متوقف میکند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. اینجاست که با يك مفهومی به نام «پیشرفت» روبه‌رو میشویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتلای اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد میرساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده‌ی پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه‌ی شریفه میشود که: «ا لمر الی الذین بدلوا نعمت الله کفراً و اهلوا قومهم دار البوار. جهنم یصلونها و ینس القرار»؛ (۱) دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه‌افکن خواهد شد.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، می‌بینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این يك کار مقطعی نیست؛ این يك کار مستمر است، يك کار ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستائی مقابله کند. عواملی وجود دارد که يك انسان پیشرو را، يك ملت پیشرو را متوقف میکند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. اینجاست که با يك مفهومی به نام «پیشرفت» روبه‌رو میشویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتلای اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد میرساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده‌ی پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه‌ی شریفه میشود که: «ا لمر الی الذین بدلوا نعمت الله کفراً و اهلوا قومهم دار البوار. جهنم یصلونها و ینس القرار»؛ دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه‌افکن خواهد شد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم / ۱۳۹۱/۰۲/۲۲

ملت، ملت خوبی‌اند؛ ملت مومنی‌اند؛ جوانهای ما جوانهای خوبی‌اند. ملت ما خوشبختانه همچنان يك ملت جوانی است؛ تفکر دینی و جهتگیری دینی و اسلامی

هم بحمدالله محور اصلی حرکت کشور است. خب، نمایندگان مجلس، مسئولین کشور، دولتی‌ها، قضائی‌ها، از انسانهای معتقد به مبانی اسلام و انقلابند؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم، معتقد؛ مسئولین، معتقد؛ انشالله توفیق الهی شامل حال است و ما داریم پیش میرویم. در این دهه هم که دهه‌ی پیشرفت و عدالت است، به توفیق الهی، انشالله، باذن‌الله، هم به پیشرفت محسوسی خواهیم رسید، هم در پایان این مدت انشالله به يك رقم برجسته‌ی چشمگیری از عدالت دست خواهیم یافت.

بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران / ۱۳۹۱/۰۶/۰۹

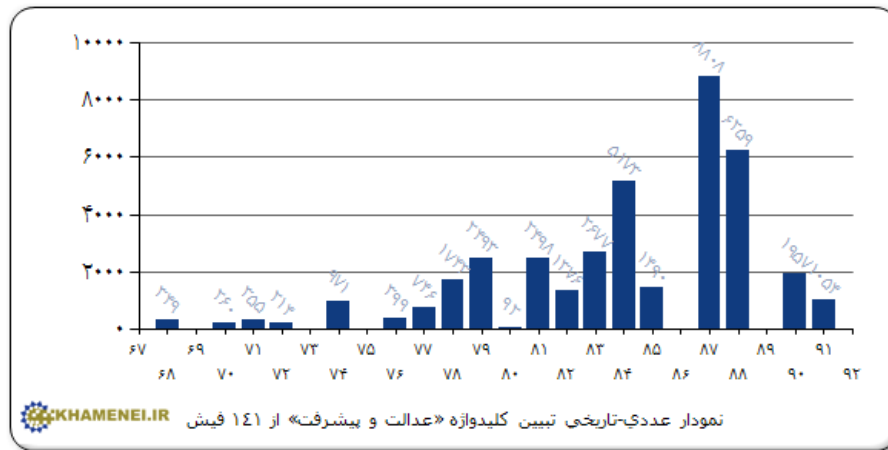
من می‌خواهم حقیقت دیگری را مطرح کنم:

اسلام به ما آموخته است که انسانها با وجود ناهمگونیهای نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری فرا میخواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون میگردد.

این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که قادر است پایه و پشتوانه‌ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت - تواما - گردد و شعاع معنویت را بر همه‌ی فعالیتهای مادی و دنیائی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیائی - پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی - برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که میتواند شالوده‌ریز همکاریهای برادرانه‌ی ملت‌های باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه‌ی تاریخی و منطقه‌ی جغرافیائی، شباهتی به یکدیگر ندارند.

همکاریهای بین‌المللی هرگاه بر چنین شالوده‌ای استوار باشد، دولتها ارتباطات میان خود را نه بر اساس ترس و تهدید یا افزون‌طلبی و منافع یکجانبه یا واسطه‌گری افراد خائن و خودفروش، بلکه بر پایه‌ی منافع سالم و مشترک، و برتر از آن، منافع انسانیت بنا میکنند و وجدان بیدار خود و خاطر ملت‌های خود را از دغدغه‌ها آسوده میسازند.

این نظم آرمانی در نقطه‌ی مقابل نظام سلطه قرار دارد، که در قرن‌های اخیر قدرتهای سلطه‌گر غربی، و امروز دولت زورگو و متجاوز آمریکا، مدعی و مبلغ و پیشقراول آن بوده و هستند.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «عدالت و پیشرفت» :

تاملی بر نسبت پیشرفت با توسعه و عدالت / نویسنده : محمد سلیمانی / ۱۳۸۸/۱۱/۰۳

pdf: تقدم بعد توحیدی و اعتقادی الگوی عدالت و پیشرفت / / ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

pdf: سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی و تاثیر متقابل آن دو بعنوان مبانی عدالت و پیشرفت / / ۱۳۹۰/۱۰/۱۴